



# از ولادت تا حکومت

حضرت مهدی صاحب الزمان (ع)

علیرضا غلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

از ولادت تا حکومت

حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام

نویسنده:

علیرضا غلامی

جویل: ۱۳۸۶

سرشناسنامه : غلامی . علیرضا . ۱۳۴۱

عنوان و پدید آور : از ولادت تا حکومت حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام / نویسنده علیرضا غلامی .

مشخصات نشر : یاسوج : چویل . ۱۳۸۵ .

مشخصات ظاهری : ۱۴۰ ص .

شابک : ۹۶۴-۷۹۳۰-۵۸-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس

موضوع : محمد بن حسن (عج) . امام دوازدهم . ۲۵۵ ق .

موضوع : مهدویت .

رده بندی کنگره : ۴ الف ۸۵ غ / BP۵۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابخانه ملی : ۸۵-۴۹۰۸۹ م



## از ولادت تا حکومت حضرت مهدی صاحب الزمان (عج)

مؤلف : علیرضا غلامی

○ ناشر : چویل ۰۹۱۷۷۴۱۰۵۹۴

○ سال نشر : ۱۳۸۶

○ شمارگان : ۱۵۰۰ جلد

○ قطع : وزیری

○ تعداد صفحات : ۱۳۹

○ شابک : ۹۶۴-۷۹۳۰-۵۸-۵

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	دعای فرج امام زمان (عج).....
۱۴	سرگذشت مادر حضرت مهدی (عج).....
۲۳	بسم الله الرحمن الرحيم.....
۲۴	به نام خداوند بخشنده مهربان.....
۳۰	غیبت کبری امام زمان (ع).....
۳۳	مهدی در قرآن کریم.....
۳۶	خصوصیات و ویژگیهای پیامبران در مهدی موعود.....
۳۸	معرفی حضرت مهدی توسط خودش.....
۳۹	مهدی از نسل امامان.....
۴۰	حضرت مهدی از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام می باشد.....
۴۰	مهدی علیه السلام از نسل امام ششم.....
۴۱	مهدی از اولاد امام رضا علیه السلام.....
۴۱	مهدی از فرزندان امام جواد (ع).....
۴۲	مهدی از اولاد امام هادی است.....
۴۲	حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.....
۴۲	غیبت امام عصر.....
۴۳	حمایت امام زمان علیه السلام از شیعیانش.....
۴۷	جریان حکایت شیعیان بحرین.....
۵۲	در زمان غیبت کبری امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام است.....
۵۳	تشریف ملاقاسمعی رشتی.....
۵۶	منتظران واقعی.....
۵۹	انتظار.....

۶۰	..... اخلاق اسلامی
۶۰	..... آمادگی نظامی
۶۱	..... خصوصیات مردم آخر الزمان
۶۲	..... بردباری مردم آخر الزمان
۶۲	..... نزدیک دانستن ظهور و مهمترین وظیفه در زمان غیبت
۶۹	..... مهیا شدن دشمن امام زمان علیه السلام
۷۴	..... فایده دعا
۷۶	..... احادیث در مورد جنگ ایران و عراق
۷۷	..... علائم ظهور
۸۳	..... اما پرچمهایی که به اهتزاز در می آید
۸۴	..... خروج سفیانی
۸۹	..... واقعه ای که آمریکائوها در انتظارش وقوعش هستند
۹۰	..... خروج دجال
۹۳	..... مرگ عبدالله
۹۳	..... علائم ظهور از ( شهرقم )
۹۶	..... علائم ظهور از ایران
۹۹	..... یاران حضرت مهدی از اهل طالقان
۹۹	..... قم ایران
۱۰۱	..... خطاب به بنی اسرائیل
۱۰۲	..... قیام امام زمان عجل الله تعالی در فتح مکه و مدینه
۱۰۳	..... هنگام ظهور مهدی
۱۰۶	..... خصوصیات یاران مهدی (ع)
۱۰۷	..... حضور ایرانیان در صحنه نبرد
۱۱۲	..... سیر حرکتی حضرت مهدی (عج) در آغاز ظهورش
۱۱۳	..... چگونگی دادخواهی فاطمه زهرا علیه السلام

- ۱۱۴ ..... آتش زدن خانه امام علی
- ۱۱۷ ..... رجعت
- ۱۲۴ ..... سعادت‌مندی که ظهور امام زمان علیه السلام را درک می کنند
- ۱۲۵ ..... قسمتی از خصوصیات امامان
- ۱۳۳ ..... زیادی نعمت در زمان حکومت امام زمان علیه السلام
- ۱۳۹ ..... بخشها

« بسم الله الرحمن الرحيم »

### دعای فرج امام زمان (عج)

الهی عظم البلاء و بهرح الخفاء و انکشف الغطاء و انقطع الرجاء و ضاقت  
الارض و منعت السماء و انت المستعان الیهک المشتکی و علیک المعول  
فی الشده و الرخاء اللهم صل علی محمد اولی الامر الذین فرضت  
علینا طاعتهم و عرفتنا بذالك منزلتهم ففرج عنا بحضهم فرجاً عاجلاً قريباً  
کلمح البصر او هو اقرب یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیان  
فانکما کافیان و انصرانی فانکما ناصران یا مولانا یا صاحب الزمان  
الغوث الغوث الغوث ادزکنی ادزکنی الساعه الساعه الساعه  
العجل العجل العجل یا الرحمن الرحیم بحق محمد و اله الطاهرین

« ومن اعرض عن ذکره فان له معیشه ضنکاً »

هرکس از یاد خدا و ذکر من اعتراض کند، قطعاً برای او زندگانی  
سختی است.<sup>۱</sup>



## اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله المعصومين  
المكرمين سيما على سيدنا و مولانا صاحب العصر و الزمان عجل الله  
تعالى فرجه الشريف جعلنا من اعوانه و انصاده و السلام على جميع  
اخواننا المؤمنين و اللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين  
اللهم ازني الطلعه الرشيده و الغزاة الحميده و اكحل ناظري بنظرة منى  
اليه و عجل الفرجه و سهل مخرجه و اوسع منهجه و اسلك بهى محجنه و  
انفذ امره و اشدد ازرة و اعمر اللهم به بلادك و احى به عبادك  
ما مسلمانان مى دانيم كه خداوند عادل است و در قرآن كريم مى فرمايد:

### فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره، و من يعمل مثقال ذره شراً يره

هر كس كوچكترين عمل نيكي انجام دهد پاداش آن را خواهد گرفت .  
و هر كس كوچكترين ذره اى بدى نمايد جزاى آن را خواهدديد .

وقتی خداوند عادل است و بنده هم جايز خطا ، چون خداوند قرار است با عدل با  
ما رفتار كند بنابراین بايد اكثر انسانها را به آتش قهر خود بسوزاند و خالق يكتا در  
حديث قدسى مى فرمايد : من بندگانم را براى اين كه بسوزانم نيافريده ام و به  
هر نحوى كه بتوانم سبب نجات آنها را از عدل خودم فراهم خواهم كرد »

به قدری خداوند سبحان رحيم است و براى نجات بشر بهانه هاى قرار داده از  
جمله خواندن نماز ، گرفتن روزه و اعمال عبادى ديگر ، بزرگترين لطفى كه  
كرده، فرستادن سفیرانى در روى زمين ، مانند وجود مقدس خاتم الانبياء حضرت  
محمد صلى الله عليه و آله وسلم امامان معصوم عليه السلام بوده كه به اين كره  
خاكى مشرف شدند تا با، راهنمايى بشر خوب و درست زندگى كردن را به ما

انسانها بیاموزند و همه ما گناهکاران را با واسطه قرار دادن بزرگواران که روح و عظمتی بس بالا نزد خداوند دارند قرار می دهیم تا شاید مورد ترحم پروردگار رحیم واقع شویم و فردای قیامت با شفاعتشان از بحران عظیم مؤاخذه دادگاه الهی نجات یابیم پیامبر عظیم الشان ما و یازده امام معصوم، به خاطر اجرای حق و عدالت و راهنمایی انسانها به دست دشمنان خدا به شهادت رسیدند و حالا مدت طولانی و مدیدی است که از نعمت حضور امام معصوم به طور آشکار محروم هستیم ولی آن امام بزرگ و رحیم و رؤوف پشت پرده غیبت در حق ما دعا می کند و همانطوری که سید بن طاووس می گوید شبی در سامرا وارد سرداب امام زمان (ع) شدم صدای ملکوتی آن امام عزیز را در حال مناجات با خدای یکتا شنیدم که می فرمودند:

«پروردگارا شیعیان ما از ما هستند از زیادی گل ما خلق شده اند و به آب ولایت ما عجین گشته اند خدایا آنها را بیامرزد و گناهانشان را عفو فرما، پروردگارا آنها را روز قیامت در مقابل چشم دشمنان ما مؤاخذه مفرما چنانچه میزان گناهانشان بیشتر و و صوابشان کم است از اعمال من بردار و به صواب آنها بیفزای.»

آیا می دانید که چه کسی جلوی خشم و غضب الهی را گرفته است. اگر دعای شبانه روز حضرت مهدی (عج) نباشد این کره خاکی با توجه به ظلم ها و تعدی ها و خیانتها مورد خضب الهی واقع می شود و نیست و نابود می گردد. در حدیث آمده اگر حجت نبود زمین با اهلش نابود می شد پس چرا ما اینقدر بی معرفتیم و حیا و شرم در مقابل امام زمان علیه السلام نداریم. پس ما شیعیان امام باید دست به تضرع و دعا برداریم و خود را خودسازی نمائیم و اعمال نیک و صالح انجام دهیم تا اعمال ما که در پایان هر هفته به ختمت امام عصر (عج) می رسد و عمل ما را بازبین می فرماید شرمنده نباشیم شیعیان امام باید خود را به سلاح معرفت و عرفان مجهز و خود را آماده و مهیای خدمت در دولت کریمه امام عصر

نمائیم و در تعجیل ظهور امام عصر (عج) صبح و شب دست به دعا و استغاثه  
نمائیم شاید خداوند سبحان دعای صالحی را تقبل فرمود و اذن ظهور به امام  
زمان (عج) داد و این جهان را از سردرگمی و ظلم و ستم و جنایت نجات بخشد  
و از زندگی در حکومت کریمه امام عصر (عج) لذت ببریم .

این حقیر به خاطر اینکه کوچکترین و ذره‌ای قدم خیر برداشته باشم تلاش  
نمودم که مجموعه‌ای از سخنان معصومین علیه السلام را خلاصه وار در زمینه  
زندگی امام عصر از تولد تا دولت کریمه اش جمع‌آوری نموده تا شاید مورد  
رضایت حق واقع‌گردم . و خداوند سبحان و رؤوف را به حق محمد و آل محمد  
صل الله علیه و آله وسلم سوگند می‌دهم که در تعجیل امام عصر (عج) سرعت  
بخشد و اذن ظهور را صادر فرماید . انشاء الله

۸۵/۲/۱ برابر با بیست دوم ربیع الاول ۱۴۲۷ قمری

علیرضا غلامی

بسمی تعالی

**اللهم صل الله محمد وآله محمد و عجل فرجهم**

بشارت پیامبر صل الله وآله وسلم در باره حضرت مهدی (عج) سلیم از سلمان فارس نقل می کند که گفت پیامبر صل الله وآله وسلم چنین فرمود ای مردم آیا شما را به « مهدی » بشارت ندهم ؟ گفتند آری ، فرمود : بدانید که خداوند تعالی در اتم سلطانی عادل و امامی دادگر مبعوث می کند که زمین را از عدل و داد پر می کند همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد او مهمی از فرزندان پسرم حسین است . نام او نام من و کنیه او کنیه من است .<sup>۱</sup>

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام :

**طوبی لمن ادرك زمانه ، و لحق اوانه ، و شهد ايامه**

خوشا به حال کسی که زمان ظهور او را در یابد و هنگام ظهور او را درک کند و شاهد روزگار ظهور او باشد .

یکی از اعمالی که انسان با خواندن آن عصر درخشان ظهور را درک می کند و از یاوران حضرت مهدی (عج) می شود خواندن دعای شریف عهد است .

**امام صادق (ع) می فرماید :** هرکس با این عهد چهل بامداد به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند متعال او را از قبرش بیرون می آورد (تا ظهور آن حضرت را درک کند) و به ازاء هر کلمه ، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را ( از کارنامه اعمالش ) محو می کند آن عهد چنین است : **اللهم رب النور العظيم و رب**

**الكرسى الرفيع ...<sup>۱</sup>**<sup>۱</sup> - روایت با سند سلیم کفایه المهتدی فی معرفه المهتدی علیه السلام ، ص ۲۰۷ ، بند ۹۱ کتاب سلیم<sup>۱</sup> - رجوع شود به کتاب ادعیه

امام باقر می فرماید :

### يكون هذا الامر في اصغرنا سناً و اجملنا ذكراً .....

این امر (اصلاح جهان) توسط کسی است که در میان ما ائمه از نظر سن (در هنگام رسیدن به امامت) از همه کوچکتر است و یادش از همه ما زیباتر است.<sup>۲</sup>

### سرگذشت مادر حضرت مهدی (عج)

یکی از فرزندان زادگان ابویوب انصاری صحابی بزرگوار پیامبر خدا (ص) بنام بشر بن سلیمان برده فروش است وی از شیعیان امام هادی و امام حسن عسکری (ع) است می گوید : من در سامرا در همسایگی امام هادی (ع) زندگی می کردم روزی کافور ، غلام آن حضرت نزد من آمد و گفت : مولایمان امام هادی علیه السلام تو را می خواند . من نزد حضرت علیه السلام شرفیاب شدم .

هنگامی که در مقابل ایشان نشستم فرمود : ای بشر ! تو از فرزندان کسانی هستی که پیامبر خدا (ص) را یاری نمودند . این دوستی شما هرگز از بین نرفته و نسل به نسل به شما به ارث می رسد ، شما همواره مورد اعتماد و اطمینان با اهل بیت علیه السلام هستید اکنون تو را بر آگاهی از راز و سری مفتخر می سازم که به واسطه آن ، از سایر شیعیان و دوست داران ما برتری و پیشی خواهی گرفت ، که به تو دستور می دهم که کنیزی را خریداری کنی . آنگاه که امام هادی علیه السلام نامه ای زیبا و لطیف به خط و زبان رومی نوشت و با انگشتر مبارک خویش آن را مهر نمود و کیسه زرد رنگی را بیرون آورد که در آن دویست و بیست سکه طلا بود . سپس فرمود : این نامه را بگیر و به بغداد برو ، بامداران هنگام طلوع آفتاب در فلان روز . بر روی پل فرات حاضر شو ، وقتی که قایقهای فروشندگان اسیران به کنار تو رسیدند و کنیزان را در آنها دیدی ، به زودی متوجه

حضور گروهی از خریدارانی خواهی شد که آنان نمایندگان فرماندهان بنی عباس هستند، در میان آنها عده اندکی از جوانان عرب نیز به چشم می خورد. در این هنگام از دور شخصی به نام «عمر بن یزید» برده فروش را زیر نظر داشته باش.

او از اول روز کنیزی را در معرض فروش خریداران نگه می دارد. کنیز دو قطعه حریر کهنه بر تن دارد، او از نگاه و دست درازی تماشاگران خودداری می کند و حاضر نیست خود را در اختیار کسی که بخواهد به او دست بزند، قرار دهد وقتی کنار او بروی صدای ناله او را که زبان رومی است از پس نقاب نازکی می شنوی که می گوید: به فریادم برسید! می خواهند حرمتم را بشکنند و پرده حجابم را بدرند. در این هنگام، یکی از خریداران حاضر خواهد شد تا به میل و رغبت به خاطر عفت او، برای خریدن وی سیصد سکه طلا بپردازد. ولی آن کنیز به زبان عربی می گوید: اگر دارای مقام وزی سلیمان بن داود بوده و همانند ملک او را داشته باشی من تمایلی به تو ندارم بیهوده مال خود را تلف نکن. برده فروش خواهد گفت: چاره نیست؟ من ناچارم که تو را بفروشم. آن کنیز پاسخ خواهد داد: چرا عجله می کنی؟ من باید خریداری را انتخاب کنم که دلم به او و وفا و امانت او آرام بگیرد! وقتی چنین دیدی نزد عمر بن یزید برده فروش برو و به او بگو، من نامه سربسته ای دارم که یکی از اشراف آن را به خط و زبان رومی نوشته و در آن کرامت، وفا، شرافت و سخاوت خود را توصیف نموده است این نامه را به او بده تا در اخلاق نویسنده آن بیند بیندیشد، اگر او تمایلی یافت و تو راضی شدی من از جانب او وکیل هستم که این کنیز را از تو بخرم. بشر گوید: من تمام فرمایشات امام هادی علیه السلام را اجرا نمودم. وقتی نامه را به آن کنیز دادم و خواند به شدت گریست، آنگاه رو به عمر بن یزید کرد و گفت: ای عمر بن یزید: مرا به صاحب این نامه بفروش: او پس از سوگند های سخت و بسیار، اضافه کرد: اگر مرا به او نفروشی خودم را خواهم کشت. من در مورد

قیمت کنیز با فروشنده گفت و گوی بسیار کردم و سرانجام او را به همان بلغی که مولایم به من داده بود راضی شد. پولها را به او داده و کنیز را تحویل گرفتن، خیلی شاد و خندان بود. از آنجا به همراه کنیز به خانه کوچکی که در بغداد برای اقامت تهیه کرده بودم، بازگشتم. کنیز در مسیر راه آرام و قرار نداشت وقتی به منزل رسیدیم. دیدم نامه را از گریبان خود بیرون آورد. و آن را می‌بوسید و روی دیدگان و صورت خود می‌نهاد و بر تن خود می‌کشید.

با شگفتی به او گفتم: نامه ای را می‌بوسی که صاحبش را نمی‌شناسی؟ فرمود: ای بیچاره ای که شناخت و معرفت تو از مقام فرزندان پیامبر ضعیف است؛ به سخنان من گوش فرا ده و دل به آن بسپار: من ملیکه، دختر یشوعا بن قیصر، پادشاه روم هستم، مادرم از نوادگان حواری و جانشینان مسیح علیه السلام شمعون است. داستانی عجیب دارم که اکنون تو را از آن آگاه می‌سازم من سیزده سال بیشتر نداشتم که پدر بزرگم قیصر می‌خواست مرا به برادرزاده خود تزویج کند. برای برگزاری این مراسم، سیصد تن از فرزندان حواریان مسیح و رهبانان و بزرگان کلیسا و هفتصد تن از اعیان و اشراف، چهار هزار نفر از فرماندهان لشکری و بزرگان گروههای مختلف و امیران طوایف گوناگون را دعوت نمود. او از ملک خویش تختی را به انواع جواهرات تزیین نموده و بر روی چهل ستون در بهترین و بالاترین قسمت قصر خویش نصب کرد، صلیب‌های بسیاری از هر طرف بر پا داشتند.

مراسم آماده شد، داماد را بر تخت نشانند، کشیشان بزرگ مشغول اجرای مراسم شده و انجیل‌ها را گشودند، ناگاه صلیب‌ها از جایگاههای بلند خویش بر زمین فرو ریختند، پایه‌های تخت لرزیده و از تخت جدا شدند، داماد از بالای تخت بر زمین افتاد و بیهوش شد، رنگ از رخسار اسقف‌ها پرید، بدنشان لرزید. اسقف اعظم رو به پدر بزرگم کرد و گفت: پادشاهها! ما را از این کار معاف دار که

این حوادث علامت از بین رفتن دین مسیح و مذهبشان پادشاه می باشد پدر بزرگم این حادثه را به فال بد گرفت در عین حال به اسقف ها گفت : ستون های تخت و صلیب ها را دوباره در جایگاههای خویش نصب کنید ، و برادر دیگر این فلک زده بدبخت برگشته را که همانند جدش بدبخت است ، بیاورید که این دختر را به او تزویج کنم تا شاید نحوست برادر نخستین با سعادت برادر دیگر رفع شود . مجدداً مراسم را برگزار کردند ، دوباره همان رویداد نخست تکرار شد و مجلس به هم ریخت و مردم پراکنده شدند . پدر بزرگم نیز با حالتی بسیار اندوهگین برخاست و به حرم سرای خویش رفت درها بسته و پرده ها افکنده شد . آن روز سپری شد و شب فرارسید ، من آن شب در خواب حضرت مسیح علیه السلام شمعون و گروهی از حواریان را دیدم که در قصر جدم گردآمده بودند ، آنان منبری از نور که بلندی آن به آسمان می رسید در همان جایی که پدر بزرگم در آن ، تخت بزرگ خویش را نصب کرده بود ، نصب نمودند . مجلس آماده شد ، ناگهان پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و داماد و جانشین او ، علی مرتضی علیه السلام با گروهی از فرزندان وارد شدند .

حضرت مسیح علیه السلام به پیشواز آنان رفته و با آنها معانقه نمودند . حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم رو به حضرت مسیح علیه السلام کرد و فرمود : ای روح الله ! من برای این پسر ، به خواستگاری ملیکه از شمعون جانشین تو آمده ام . آنگاه با دست مبارکش به سوی ابامحمد حسن بن علی علیه السلام پسر صاحب این نامه اشاره کرد . حضرت مسیح علیه السلام نگاهی به شمعون کرد و فرمود شرف و سعادت به تو روی آورده ، خاندان خود را به خاندان آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیوند ده ، شمعون عرض کرد : آری پذیرفتم . در این موقع ، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم بر فراز منبر رفت و مرا به فرزندش تزویج نمود و حضرت مسیح علیه السلام و فرزندان پیامبر اسلام



صلی الله علیه وآله وسلم و حواریان را شاهد گرفت . من از خواب بیدار شدم از ترس، این خواب را به پدر و مادربزرگم بازگو نکردم چون امکان داشت مرا بکشند به همین جهت آن را پنهان نموده و به ایشان آشکار نکردم . از طرفی مهر و محبت حسن بن علی علیه السلام در دلم جای گرفت میل به خوردن و آشامیدن نداشتم ، و به شدت ضعیف و لاغر و بیمار گشتم . پدر بزرگم برای مداوای من اقدام نمود ، پزشکی باقی نماند که از شهرهای روم به بالینم حاضر نکرده و داروی مرا از او نپرسیده باشد . وقتی از مداوای من ناامید شد رو به من کرد و گفت: نور چشمم ! عزیزم ! آیا در دنیا آرزویی داری تا پیش از مرگت آن را برآورم ؟ گفتم پدر جان همه درهای امید به روی من بسته شده ، فقط از تو می خواهم از رنج اسیران مسلمانی که در زندان تو هستند کم کن ، و آنها را به عنوان صدقه از بند جدا کرده و آزاد نما شاید حضرت مسیح و مادر او حضرت مریم مرا شفاعت فرماید . پدربزرگم خواسته مرا برآورد ، من به ظاهر کمی اظهار بهبودی کردم ، اندکی غذا خوردم ، او نیز وقتی اثری دید خوشحال شد . و در رعایت حال اسیران بیشتر کوشید . چهارده شب گذشت ، برای دومین بار در خواب دیدم سرور بانوان جهان ، حضرت فاطمه زهرا علیه السلام به همراه حضرت مریم علیه السلام و هزار فرشته بهشتی برای دیدن من آمدند . حضرت مریم علیه السلام به من فرمود : او سرور بانوان جهان و مادر شوهر تو حسن بن علی علیه السلام است . من دامن مبارک آن حضرت را گرفته ، گریه کردم و به حضرتش از اینکه حسن بن علی علیه السلام به دیدار من نمی آید ، شکوه کردم حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود : تا تو مشرک و در دین نصاری هستی فرزندم به دیدار تو نخواهد آمد ، این خواهرم حضرت مریم علیه السلام است و از دین تو بی زاری می جوید ، دگر می خواهی رضای خداوند و حضرت مسیح علیه السلام و حضرت مریم علیه السلام را بدست آوری و ابامحمد حسن بن علی علیه

السلام به دیدار تو بیاید ، بگو ، اشهد ان لا اله الا الله و ان محمد رسول (محمد صلی الله علیه و آله وسلم ) من به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم گواهی دارم در این هنگام آن بانوی بزرگوار سرور بانوان جهان مرا در آغوش کشید . و احساس خوشی به من دست داد . آنگاه حضرت فاطمه علیه السلام فرمود . اکنون منتظر دیدار حسن بن علی علیه السلام باش ، من او را به نزد تو خواهم فرستاد . از خواب بیدار شدم . با خیال راحت منتظر دیدار حسن بن علی علیه السلام شدم روز سپری شد شب فرا رسید ، آن شب امام عسکری علیه السلام را در خواب دیدم به او گفتم ای حبیب من ! بر من ستم روا داشتی بعد از آنکه سخت دل مرا به مهر و محبت خود گرفتار ساختی آنگاه به جدایی دچار نمودی ؟ فرمود : آنچه دیدار مرا به تاخیر انداخت شرک تو بود . اکنون که مسلمان شده ای هر شب در خواب به دیدار تو خواهم آمد ، تا وقتی که به صورت آشکار به یکدیگر پیوندیم از آن شب تاکنون او را در خواب می بینم . بشر بن سلیمان گوید: وقتی آن بانو قصه خود را تعریف کرد از او پرسیدم چطور شد که در میان اسیران افتادی ؟ فرمود شبی حسن بن علی علیه السلام به من فرمود . فلان روز پدر بزرگت برای نبرد با مسلمانان سپاهی روانه خواهد نمود و خود به دنبال آنها خواهد رفت تو باید در شکل و لباس خدمه به صورت ناشناس به همراه گروهی از کنیزان از فلان راه خود را به آنان برسانی .

روز موعود فرا رسید ، طبق فرموده مولایم به صورت ناشناس از همان مسیر حرکت کردم و به پیش قراولان سپاه اسلام برخورد نمودیم همچنان که می بینی کار من به اینجا کشیده ، کسی از آنها نفهمید که من دختر پادشاه روم هستم ، تا اکنون تو تنها کسی هستی که از راز من آگاهی . سرانجام من اسیر شدم و در سهم غنیمت پیرمردی قرار گرفتم او از اسمم پرسید من از ابراز آن خودداری نمودم و گفتم نرجس هستم . این اسم غالباً از اسامی کنیزان است

بشربن سلیمان گوید: وقتی سرگذشت آن بانو به اینجا رسید عرض کردم جای بس شگفتی است شما رومی هستید و به زبان عربی تکلم می نمایید؟ فرمود آری پدر بزرگم در تربیت من تلاش فراوان می نمود و سعی داشت که من آداب بزرگان را بیاموزم، به همین جهت زنی را که آشنا به زبان عربی بود برای تعلیم من معین نمود. او هر بامداد و شامگاه نزد من می آمد و من از او زبان عربی آموختم تا اینکه با تمرین زیادی به خوبی آن را آموختم.

بشر گوید آنگاه آن را به سامرا منتقل نمودم، وقتی خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم حضرت رو به او کرد و فرمود: ای ملیکه چگونه خداوند عزت اسلام و خواری نصرانیت و شرف محمد صلی الله علیه و آله مسلم و اهل بیت او را به تو نشان داد؟ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، چگونه توصیف نمایم چیزی را که شما به آن از من آگاه ترید؟ امام فرمود می خواهیم به شایستگی مقاومت با تو رفتار کنم یکی از این دو امر را انتخاب کن آیا دوست داری ده هزار دینار به تو بدهم یا بشارت شرافت ابدی؟ عرض کرد: به من مژده فرزندی عنایت فرما. امام علیه السلام فرمود: به تو مژده فرزندی می دهم که شرق و غرب دنیا را تسخیر خواهد کرد و زمین را آنگاه که از ظلم و جور انباشته شد از عدل و داد پر خواهد نمود عرض کرد از چه کسی این فرزند متولد خواهد شد. فرمود از همان شخصی که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم در فلان شب و فلان ماه و فلان سال در سرزمین روم تو را به عقد او در آورد. آن شب حضرت مسیح علیه السلام و وصی او شمعون تو را به چه کسی تزویج نمودند؟ عرض کرد به فرزند شما ابا محمد حسن بن علی علیه السلام فرمود: آیا تو او را می شناسی؟ عرض کرد از آن شبی که به دست سرور بانوان فاطمه زهرا سلام الله علیها مسلمان شدم، شبی نبود که او را ملاقات نکرده باشم. سپس موایم امام هادی علیه السلام رو به خادم خود کرد و فرمود: ای

کافور به خواهر حکیمه بگو نزد ما بیاید . کافور پیام آن حضرت را به خواهر گرامیش رساند وقتی آن بانو به خدمت امام علیه السلام شرفیاب شد . حضرت فرمود : این همان زنی است که گفته بودم . حکیمه خاتون به سوی او شتافت و او را در آغوش کشید و بسیاری با او راز کرد . آنگاه امام هادی علیه السلام فرمود : ای دختر رسول خدا ! او را به خانه خود ببر و واجبات دینی و آداب آن را به او بیاموز که همسر ابا محمد حسن عسکری و مادر قائم آل محمد علیه السلام است.<sup>۱</sup>

بدین وسیله در عالم معنا فاطمه زهرا عروس خود را از یک خانواده بزرگ ، نژاد بزرگ انتخاب می کند تا از او فرزندی متولد شود که جهان را از عدل و داد پر نماید. این انتخاب دارای اسراری است که مادر آن امام بزرگوار از فرزندان شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام می باشد. مسیحیان طبق کتاب مقدس خود منتظر بازگشت یا ظهور حضرت عیسی علیه السلام هستند. وقتی حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمده و به خدمت امام عصر می آید همه مسیحیان جهان به دیدن این صحنه به سپاه فرزند فاطمه زهرا می پیوندند.<sup>۲</sup> حضرت علی علیه السلام در مورد این راز بزرگ می فرماید: آنگاه مهدی علیه السلام به بیت المقدس باز می گردد و چند روزی با مردم<sup>۳</sup> نماز می خواند، روز جمعه فرا می رسد و نماز بر پا می گردد. در این هنگام عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید، او مردی زیبا، خوش اندام و شبیه ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است به سوی مهدی علیه السلام می آید و با او مصافحه می کند و به او نوید پیروزی می دهد. آن وقت حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: ای روح الله! جلو بایست و با مردم نماز بخوان حضرت

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۱۲

۲- کتاب دلیل آفتاب از محمدرضا رحیمیان ص ۸۸

۳- کتاب دلیل آفتاب از محمدرضا رحیمیان ص ۸۱ و ۸۸

عیسی علیه السلام می گوید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده است. در این هنگام حضرت عیسی علیه السلام اذان می گوید و پشت سرمهدی علیه السلام نماز می خواند به امید آن روز مبارک و میمون دل هر شیعه ای می تپد.<sup>۱</sup>

ای محمد زنده از لبخند تو      ای فدای یازده فرزند تو  
تو قیامت را قیامت می کنی      بر امامان هم امامت می کنی

صدیقه، طاهره رازدار اسرار الهی است و دارای صحیفه و لوحی است که به نام آن بانوی بزرگوار است که از جانب خداوند سبحان به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هدیه شده و به دختر گرامیش بخشیده است. در این لوح آسمانی مطالب حیاتی بشریت بیان شده و از آخرین فرزندش حضرت مهدی علیه السلام و زمان او سخن به میان آمده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: پدر بزرگوارم، امام باقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرموده: من با تو کاری دارم چه وقت مناسب است که تو را در مکان خلوتی بینم و از تو پرسش نمایم! جابر گفت: هر وقت که می خواهید. روزی در خلوت، امام باقر علیه السلام به او فرمود: ای جابر! درباره آن لوحی که در دست مادرم فاطمه علیه السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دیدی و آنچه مادرم به تو خبر داده و در آن نوشته بود، به من خبر ده! جابر گفت: خدا را گواه می گیرم زمان زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود روزی به حضرت زهرا علیه السلام شرفیاب شدم تا تولد حضرت حسین علیه السلام را به آن حضرت تبریک و تهنیت گویم، و قتی وارد شدم در دست آن بانوی بزرگوار لوحی سبز رنگ دیدم، چنین پنداشتم که زمرد است با خطی سفید، مانند نور خورشید روی آن نوشته شده بود، عرض کردم پدرم و مادرم فدایت باد! ای دختر رسول خدا! این لوح

۱- به نقل از جلوه های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۹۴ و ۱۹۵  
همچنین کتاب دلیل آفتاب، محمدحسین رحیمیان ص ۸۸ و ۸۹

چیست؟ فرمود: این لوحی است که خداوند متعال به پیامبرش هدیه کرده و در آن نام پدر بزرگوار، نام همسر، فرزندان و جانشینان از فرزندانم نوشته شده که پدرم به خاطر خشنودی من آن را به من بخشیده است. جابر گوید: آنگاه آن بانوی عصمت، آن لوح را به من داد. من آن را خوانده از روی آن نسخه برداری کردم. امام باقر علیه السلام می فرماید: آیا می توانی آن نسخه را به من نشان دهی! گفت آری. امام باقر علیه السلام به همراه جابر به خانه اش رفت و جابر صحیفه ای از پوست را بیرون آورد، گفت خدا را گواه می گیرم که به همین گونه در آن لوح نوشته شده، دیدم:

### بسم الله الرحمن الرحيم

هذا كتاب من الله العزيز الحكيم العليم، لمحمدنوره و سفيره و حجابيه و دليله، نزل به الروح الامين من عند رب العالمين، عظم يا محمد! اسمائي، و اشكر لنمائي و لا تجحد آلائي، اني انا الله لا اله الا انا، قاصم الجبارين، مذل الظالمين، و ديان الدين، اني انا الله لا اله الا انا فمن رجاء غير فضلي، اوخاف غير عدلي عذبتة عذاباً لا اعذبه احداً من الله العالمين، فاي اي فاعبدوا علي فتوكل اني لم ابعث نبياً، فاكلمت ايامه و انقضت مدته الا جعلت له وصياً و اني فضلتك علي الانبياء، وفضلت وصيت علي الا وصياء و اكرمتك بشبليک بعده، و بسبطيک حسن و حسين، فجعلت حسناً معدن علمي بعد انقضاء مده ابيه. و جعلت حسيناً خازن وحيي و اكرمته بالشهاده، و ختمت له بالسعاده، و فهو افضل من استشهاد، و ارفع الشهداء درجه، جعلت كلمتي التامه معه، و الحجه البالغه عنده بعترسه ائيب و اعاقب اولهم، علي سيد عابدين و زين اولياء الماضين و ابنه تشبيه جده المحمود محمد الباقر لعلمي و المعدن لحكمي سيهلك المرتابون في جعفر، الراد عليه كالراد علي، حق القول مني لا كرم من مثوي جعفر و لا سرنه في اشياعه و

انصاره و اولیائش انتجبت بعده موسی ، من تجبت بعد فتنه عمیاء خندس . لان  
خیط فرضی لاینقطع . و حتی لا تخضی و ان اولیائی لا یشقون ، الاومن جحد  
واحداً منهم ، فقد جحد نعمتی ومن غیر آیه من کتابی ، فقد افتری علی ، و ویل  
للمفترین الجاحدین عند انقضاء مده عبدی موسی و حبیبی و خیرتی . ان المكذب  
بالثامن مکذب به کل اولیائی ، و علی ولی و ناصری و من اضع علیه اعباء النبوه ،  
وامنحه بلاضطلاع بها ، یقتله عفريت مستکبر ، یدفن بالمدينه التي بناها العبد  
الصالح الی جنب شر خلقی . حق القول منی لاقرن عینه بمحمد ابنه ، و خلیفته  
من بعده ، فهو وارث علمی ، معدن حکمتی و موضع سری ، حتی علی خلقی ،  
جعلت الجنة مثواه و شفعه فی سبعین الفاء من اهل بینه کلهم قد استوجبوا النار و  
اختتم بالسعاده لابنه علی ولیی و ناصری ، و الشاهدی فی خلقی و امینی و علی و  
حبیبی . اخرج منه الواعی الی سبیلی ، و الخازن لعلمی الحسن ثم اکمل ذلك  
بابنه رحمه للعالمین ، علیه کمال موسی ، و بها عیسی ، و صبر ایوب ، سیدل  
اولیائی فی زمانه ، و یتهادون رؤوسهم کما قتهادی رؤوس التکرک والدیلم ،  
فیقتلون و بجرقون و یكونون خائفین موعودین و جلین ، تصبغ الارض بد مائهم ،  
و بفسوا الویل و الرنین فی نسائهم . اولئک اولیائی حقا ، بهم ادفع کل فتنه عمیاء  
خندس ، و بهم اکشف الزلازل ، ادفع الا صار و الا عدل اولئک الیهم صلواہ من  
ربهم و رحمه ، و اولئک هم المهتدون قال عبد الرحمان بن سالم ، قال ابوبصیر :  
لو لم تسمع فی دهرک الا هذا الحدیث لکفاک ، فسه الا عن اهله .<sup>۱</sup>

### به نام خداوند بخشنده مهربان

این نوشته ای است از سوی خداوند عزیز ، حکیم و دانا برای محمد ، نور ،  
فرستاد نماینده و راهنمای خویش که فرشته وهم آن را از سوی پروردگار

جهانیان آورده است ای محمد نام های مرا بزرگ شمار ، نعمت هایم را سپاس گذار و الطاف و بخششهایم را منکر مباش همانا من خدایم هیچ معبودی جز من نیست . در هم شکننده زورگویان خوار کننده ستمکاران و پاداش کننده روز جزایم . همان من خدایم ، هیچ معبودی جز من نیست هر کس بجز فضل من امیدوار باشد یا غیر از عدالت من به حراست او را چنان عذاب کنم که هیچ یک از جهانیان را بدان گونه عذاب نکرده باشم بنابراین تنها مرا پرستش کن و فقط بر من توکل نما من هیچ پیامبری را بر نیایخنم که دورانش پایان یافت و مدت ماموریتش سپری نشده باشد مگر اینکه برای او وصی و جانشینی قرار دادم من تو را بر پیامبران برتری داده و وصی و جانشین تو را بر اوصیا و جانشینان برتری دادم و پس از او به وسیله دو نوه و دو سبط تو : حسن و حسین تو را گرمی داشته و برتری دادم پس از سپری شدن دوران پدرش ، حسن را معدن علم خود قرار دادم و حسین را نگهبان گنجینه وحیم او را به شهادت گرمی داشته فرجام کارش را به سعادت پایان دادم او برترین شهداء و از همه شهیدان درجه اش برتر است ، کلمه تامه خودم را با او قرار دادم و حجت بالغه خودم را بدو سپردم ، پاداش و کیفرم را به وسیله خاندان او انجام می دهم. نخستین شخص از خاندان او ، علی ، سرور عابدان و زیور اولیاء گذشته من است و پسرش شبیه جد پسندیده اش محمد که شکافنده علم من و معدن حکمت من است ناباوران و تردید کنندگان در مورد جعفر نابود می شوند ، کسی او را نپذیرفته و رد نماید در واقع همانند کسی است که مرا رد کرده است این گفتار حقیقتی و راستین من است که جایگاه جعفر را گرمی خواهم داشت ، و یقیناً من او را در مورد دوستان ، پیروان و یارانش خشنود خواهم ساخت پس از او موسی را برگزیدم ، او را در شرایطی برگزیدم که آشوبی کور کننده و تاریک جهان را فرا می گیرد زیرا که رشته سنت واجیم هرگز بریده نگشته و حجتم پوشیده نخواهد ماند و دوستانم



هرگز به زحمت نخواهم افتاد. آگاه باش هرکس یکی از اینان را انکار کند مانند کسی است که نعمتم را انکار کرده است و کسی که یک آیه از کتابم را تغییر دهد بر من تهمت و افترا بسته است وای بر افترا زندگان منکر به هنگام سپری شدن دوران بنده ام موسی که دوست و برگزیده من است کسی که هشتمین نفر از آنان را تکذیب نماید در واقع همه اولیاءمرا تکذیب کرده که علی، ولی و ناصر من است، کسی که زحمتهای رسالت را بر دوش او گذاشته و او را با تحمل بار سنگینی آن آزموده ام او را دیو و عفریتی خودخواه و متکبر خواهد کشت و در شهری که ذوالقرنین بنده شایسته آن را ساخته در کنار برترین آفریدگانم دفن خواهد شد. این گفتار حقیقی من است که دیدگانش را به محمد پسرش و جانشین پس از او، روشن خواهم ساخت. او را وارث علم و دانش من، معدن حکمت من، جایگاه راز نهانی من و محبت من بر آفریدگانم است بهشت را جایگاهش قرار داده و شفاعت او را درباره هفتاد هزار نفر از افراد خانواده اش که همگی سزاوار آتش جهنم باشند می پذیرم سرانجام سعادت و نیکبختی را بر پسرش علی که ولی و ناصر من و گواه من در میان آفریدگانم و امین بر وحی من است در دوران او پایان می پذیرم و از او، حسن را بیرون می آورم که دعوت کننده به راه من و نگهبان دانش من است آنگاه این دوران را با پسرش که رحمت برای جهانیان است به کمال می رسانم، او دارای کمال موسی، جمال و سیمای عیسی و صبر و شکیبایی ایوب است به زودی در دوران غیبت او دوستانم خوار شده و سرهایشان همانند سرهای ترک دیلم به هدیه فرستاده می شود آنان کشته می شوند و به آتش زده می شوند و همواره در حال ترس و رعب و هراسناکند زمین از خونس رنگین و فریاد آه و ناله در بین همسرانشان گسترش یابد آنان (امامان علیه السلام) دوستان راستین من هستند بوسیله آنان هر گونه آشوب کور و تیره را دفع می کنم و زلزله ها را بوسیله آنها برطرف سازم و سختی

ها و زنجیرها را توسط آنان بر می دارم ، آنان کسانی هستند که درود و رحمت پروردگارشان شامل حال آنها و آنان همان ره یافتگانند .

این سیر الهی است که در محضر حضرت فاطمه علیه السلام گذاشته شد .

اینک شما منتظران امام زمان علیه السلام به فرموده امام سجاد علیه السلام برترین افراد هر زمان هستید می فرماید که به راستی که مردمان زمان غیبت او که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند برترین مردمان هر زمانی هستند زیرا خدای متعال آنقدر به آنان عقل و فهم و شناخت عنایت فرموده که غیبت در پیش آنان همچون مشاهده است .<sup>۱</sup>

### غیبت صغری امام زمان علیه السلام

در سال ۲۶۰ هجری ، امام حسن عسکری علیه السلام این جهان مادی را وداع گفت و به پیامبر و جدش امیر المومنین علیه السلام پیوست در این زمان باید این بار سنگین امامت را یکی از اولاد پیامبر که در ابتدای خلقت جهان خداوند سبحان منصوب نموده بود

به عهده گیرد . و به ندای ملکوتی «جاء الحق و زهق الباطل» جامه عمل می پوشد تا اینکه اعلام مرگ نابودی ستمکاران جهان را بنماید در این برهه حساس و بس تیره و سنگین ، دوران امامت به حضرت مهدی موعود (عج) واگذار که کودکی پنج ساله بیشتر نبود این کودک صغیر ولی با عظمت و باشکوه مورد هجوم دشمنان قدرتمندی که خلیفه روزاند قرار می گیرد ولی چه بسا که خداوند عزوجل حامی و پشتیبان این نور خود مهدی موعود علیه السلام می باشد خانه امام حسن عسکری با مرگش مورد تهاجم خاندان بنی عباس واقع می گردد تا اینکه نور خدا را برای همیشه خاموش نمایند ولی کور خواندند و هیچ وقت

نیروی باطل و سپاه شیطان نمی تواند در برابر حق و نیروی الهی و سپاهیان پروردگار قادر ایستادگی و پیروز میدان گردد پس به خواست خداوند سبحان امام زمان علیه السلام از نظرها پنهان و تمام توطئه های چندین ساله دشمنان خدا که در کمین چنین روزی نشسته بودند نقش بر آب شد و دشمن روسیاه گردید.

به این ترتیب غیبت صغری امام زمان علیه السلام که تا سال ۳۲۹ هجری طول کشید و در این مدت چهار نفر از شخصیت های معنوی بزرگ به ترتیب عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد بن عثمان ، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و سپس علی بن محمد سمري نواب آن امام عظیم الشان را به عهده گرفتند و پل ارتباطی میان امام زمان علیه السلام و مردم و شیعیان شد و مشکلات مذهبی و دینی را به حضرت می رساندند و جواب های کافی را دریافت و به سمع مردم می رساندند ولی با این اوصاف شیعیان گرفتار مصیبتی بزرگتر و بالاتر و حزن و اندوهی جانکاه دیگری که بسیار طولانی است یعنی غیبت کبری امام زمان (ع) شدند با مرگ آخرین نماینده امام زمان دوران غیبت کبری امام زمان علیه السلام آغاز گردید و به این ترتیب که در روزهای آخر زندگی علی بن محمد سمري تویع مبارک امام علیه السلام به او می رسد . در آن تویع امام وظیفه بسیار سنگینی که پیروانش در دوران غیبت دارند . معین می فرماید که متن شریف تویع چنین می باشد :

به نام خداوند بخشنده مهربان ، ای علی بن محمد سمري خداوند اجر و پاداش برادرانت را در مصیبت مرگ تو زیاد گرداند . تو تا شش روز دیگر از این جهان خواهی رفت، سپس به کارهایت رسیدگی کن و بعد از خود به کسی وصیت نکن تا اینکه جانشین تو باشد . زمان غیبت تامه واقع شده و ظهوری برای من نیست،

مگر به اذن خداوندی که نام او بزرگ است و آن هم بعد از مدت طولانی و قساوت قلبهای جهانیان و پر شدن ظلم و ستم در کره زمین خواهد بود.<sup>۱</sup>

خوب در زمان غیبت کبری امام، که حضرت امام زمان علیه السلام حکومت ظاهری دنیا را به عهده ندارد و مانند خورشید پشت ابر می ماند که از طرق مختلف به این جهان و شیعیان نور می بخشد وظیفه هدایت مردم و شیعیان به عهده چه کسانی باید باشد در این جهان که دامنه ظلم و ستم و کفر والحاد و بی عدالتی و نژاد پرستی و شکم پرستی و شهوت پرستی و ریاست طلبی به اوج خود رسیده است و عده ای ظالم و قدرتمند با داشتن لشکر و سپاهی تا دندان مسلح قرن آن هم مجهز به سلاحهای خطرناک و نابود کننده اتمی که می توان با این اسلحه ها کره زمین را محو و نابود ساخت و مانند گله گرگ گرسنه در حال حمله و دریدن مردمان مظلوم تاریخ می باشند و دوران تاریکی و سیاهی و ظلم و ستم به اوج خود رسیده است چه کسانی می توانند در غیبت امام زمان علیه السلام سکان دار کشتی هدایت شیعیان شود تا بتوانند آن را بدون آسیب جدی به سر منزل مقصود رسانند آیا جز فقیهان عادل و آگاه و آزاد که دارای فطرتی پاک و سالم و قدرت استنباط احکام و قوانین اسلام از کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دارند می باشد. بلکه علمای بزرگ مذهبی روحانیون جلیل القدری که دارای درجات علمی بلند پایه ای می باشند وظیفه رهبری امت اسلام در زمان غیبت امام زمان علیه السلام را دارند تاریخ نشان دهنده این جریانات می باشد که رهبران مذهبی و مجتهدان عالیقدر تشیع در طول تاریخ پیوسته در زیر سیطره حکومت های جبار به سر می برده اند مانند شهید اول و شهید ثانی.

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶۱

**شهید اول**، علامه رشید، محقق شهید، شیخ محمد فرزند شیخ جمال الدین مکی، ملقب به شهید اول است و در میان رهبران تشیع کسی که شهید مطلق معروف شده آن بزرگوار می باشد و به قول علامه امینی، دژ و پناهگاه شیعه و نشان دهنده شریعت مقدس اسلام که پیوسته فقہش بنیاد نظرات مجتهدان امامیه و کتابهای مرجع فقهای آنها بوده است. این شهید بزرگوار است. ایشان فقیهی مجتهد و متبحر در علوم عقلی و نقلی و انسانی وارسته و زاهدی والا مقام می باشد.<sup>۱</sup>

شهید کتابهای فراوانی که عبارتند از: ذکر، الدروس الشرعیة فی الفقه الامامیه، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد البیان فی الفقه، اللمعه الدمشعیة فی الفقه و سایر کتب در زمینه فقه و حدیث به یادگار، مانده است. او نبوغی ویژه در فقه اسلامی داشت. این نابغه بزرگ عاقبت به دست جباران در سال ۷۸۶ هجری شربت شهادت را نوشید و به امامان بزرگوار خود ملحق شد. مورخ بزرگ حنبلی می گوید: از مهمترین حوادث سال ۷۸۶ هجری کشته شدن محمد بن مکی عراقی رافضی بود که نزدیک بود در مصیبت او آسمانها و زمین شکافته شود. و کوهها فرو ریزد.<sup>۲</sup>

### غیبت کبری امام زمان (ع)

امام مهدی علیه السلام - در غیبت کبری به اذن خداوند سبحان ظهور کرده و خروج او با شمشیر خواهد بود طبق آیات و روایات بسیاری از علمای شیعه و اهل تسنن آمده است که آفتاب امامت و ولایت روزی ظهور خواهد کرد و با نور خدایی خود سرتاسر گیتی را نورانی خواهد نمود و بی هیچ شک و ریبی در آن

۱- شهداء الفضلیه، علامه امینی، ص ۸۱

۲- شهداء الفضلیه، ص ۸۵

زمان دین اسلام ، دین تمام مردم جهان خواهد شد ، همانطوری که خداوند سبحان وعده داده و رهبری این مردم و ملت جهان به عهده فرزند فاطمه الزهرا(ع) است که عدالت را در سرتاسر جهان می گستراند.

و مفهوم زیبایی عدالت را تمام موجودات عالم درک می کند و از نعمت های بی پایان خداوند بهره کافی را می برند از اول خلقت تاکنون وعده های خداوند در مورد عدالت و اینکه مستضعفان وارث این زمینند هنوز تحقق نیافته است چون حکومت های باطل و زور بر جهان حاکم اند و ادیان باطل و آئین های تحریف شده در جهان وجود دارند و بر اکثریت مردم حاکم می باشند اما خداوند سبحان عاقبت آیین مقدسش را توسط فرزند فاطمه زهرا علیه السلام بر سراسر جهان حاکم و غالب خواهد نمود .

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون<sup>۱</sup> «اوست خدایی که رسول خدا را به دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هرچند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند.»

بله وعده ای که خداوند در مورد اسلام و آینده درخشان آن و غلبه بر سایر ادیان و زمامداری صالحان فرموده است در زمان امام مهدی (عج) انشاء الله به حقیقت خواهد پیوست و چنان آرامش و امنیتی بر جهان حاکم می گردد که زنی با طیقی طلا با خیال راحت و امنیت کامل از شام تا عراق را می پیماید بدون اینکه کوچکترین مزاحمتی ایجاد شود آن هم به برکت مهدی صاحب الزمان است .

## تعداد چند حدیث از اهل تسنن در مورد امام زمان علیه السلام

علی بن عیسی اربلی در کتاب کشف الغمه می نویسد: تعدادی حدیث از رسول خدا درباره مهدی موعود به دست آوردم که حافظ ابونعیم اصفهانی از مشهورترین علمای اهل تسنن از راویان مختلف جمع آوری کرده است به ذکر چند مورد می پردازیم.

۱- هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شد مردی از عترت من قیام می کند و آن را پر از عدل و داد می گرداند و هفت یا نه سال سلطنت می نماید ابوسعید خدری امام باقر امام باقر مدت حکومت آن امام بزرگ را سیصد و نه سال به مدت اصحاب کهف در غار ماندند بیان نموده است.

۲- قریه ای که مهدی (عج) از آنجا قیام می کند.

مهدی از قریه ای به نام «کرعه» قیام می کند عبدالله بن عمر

۳- مهدی، پیشانیش روشن وسط بینی مبارکش برآمده است ابوسعید خدری

۴- مهدی در حالیکه قطعه ابری بر سر مبارکش سایه افکنده قیام می کند در آن وقت

گوینده ای اعلام می کند که این مهدی خلیفه الهه است از او پیروی کنید عبدالله بن عمر

۵- ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم یعنی من، برادرم علی (ع) عمویم

حمزه، جعفر (بن ابی طالب) حسن، حسین، مهدی علیه السلام انیس بن مالک

۶- اگر از عمر دنیا یک شب نباشد در همان شب مردی از اهل بیت من به

سلطنت می رسد ابوهریره

۷- پیش از آنکه قیامت شود، مردی از اهل بیت من به سلطنت می رسد. او

قسطنطنیه و جبال دیلم را فتح می کند. اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد.

خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا آنجا را فتح کند ابوهریره

۸- چون اصحاب مهدی قیام کنند، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید، امیر قیام

کنندگان به عیسی می گوید بیا با تو نماز گزاریم، عیسی می گوید: شما خود از جانب خدا

برخی بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف خدا نسبت به این امت است.

جابر بن عبدالله انصاری

« مهدی در قرآن کریم »

در قرآن کریم درباره مسائل آینده و حوادث آخر الزمان و حکومت صالحان با اشاره و به تصریح سخن به میان آورده که مفسران اسلامی آنها را مربوط به ظهور امام زمان علیه السلام دانسته اند .

آیاتی که راجع به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور دولت کریمه آن امام عزیز می باشد ذکر می نمایم .

۱- و نرید ان ممن علی الذین استضعفوا فی الارض ، و نجعلهم ائمه ، و نجعلهم الوارثین ما می خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم، یعنی آنان را پیشوایان سازیم و میراث بر آن زمین<sup>۱</sup>

این آیه نشانگر این است که عاقبت جهان از آن صالحان و مستضعفان خواهد بود و به گفته ابو جعفر صدوق در امالی روایت کرده است که حضرت علی (ع) فرمود این آیه مربوط به ماست .<sup>۲</sup>

۲- وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات ، لیستخلفنهم فی الارض ، کما استخلف الذین من قبلهم ، ولیمکنن لهم دینهم ، الذین ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً ...<sup>۳</sup> (سوره نور آیه ۵۶)

خداوند آنان را که گرویدند از شما نیکبها کردند ، وعده داد که به یقین ایشان را خلیفه کند در زمین چنانکه آنان که از پیش بودند خلیفه ساخت و دینشان را باز بگستراند ، آن دین که بپسندید برای آنان ، و هم آنان را از پس بیمی که دارند، بی بیمی دهد و ایمنی ...

<sup>۱</sup> - سوره قصص آیه ۵

<sup>۲</sup> - تفسیر نور الثقلین ، ج ۴ ، ص ۱۱۱ - ۱۰۷

<sup>۳</sup> - سوره نور آیه ۵۶



شیخ طبرسی می گوید از اهل بیت روایت شده که این آیه درباره مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است شیخ ابو النصر عیاشی از امام زین العابدین (ع) روایت کرده که این آیه را خواند و فرمود اینان به خدا سوگند شیعه ما هستند و خدا این کار را در حق آنان به دست مردی که از ما خواهد کرد. این مرد مهدی این امت است. همان کسی که پیامبر فرموده است. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا همان یک روز را چنان دراز می کند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم آن مرد اسم من (محمد) است. او زمین را از عدل و قسط لبریز خواهد سازد همانگونه که از ظلم و جور لبریز شده باشد.

۳- بقیه الله خیر لکم، ان کنتم مومنین ...<sup>۱</sup>

بقیه الله (ذخیره الهی) برای شما مردم اگر مومن باشید از هر چیز و هر کس دیگر بهتر است.

در تفسیر نور الثقلین از اصول کافی آمده است مردی از امام ششم درباره حضرت قائم پرسید آیا می توان او را به هنگام سلام دادن یا امیرالمومنین خطاب کرد! امام صادق (ع) فرمود: نه، این اسمی است که خدا به امیرالمومنین داده است.

پرسیدم: فدایت شوم به هنگام سلام دادن به او چه بگویم؟ امام فرمود: همه باید بگویند: «السلام علیک یا بقیه الله» سپس امام این آیه را تلاوت کرد «بقیت الله خیر لکم ان کنتم مومنین»<sup>۲</sup>

شیخ صدوق در کتاب «اکمال الدین» از امام محمد باقر علیه السلام حدیثی نقل می کند که امام می فرماید: هنگامی که قائم خروج می کند به خانه کعبه تکیه دهد، آنگاه ۳۱۳ تن نزد او گرد آیند. پس نخستین سخنی که گوید این آیه

است. «بقیت الله خیر لکم ان کنتم مومنین»

۱- سوره هود آیه ۸۶

۲- نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۹۰

من بقیه الله ام و حجت خدایم و خلیفه خدایم در میان شما ، آنگاه هر مسلمانی که به او سلام دهد گوید «السلام و علیک یا بقیه الله فی ارضه»<sup>۱</sup>

۴- فیها یفرق کل امر حکیم<sup>۲</sup>

(در شب قدر همه امور را بر طبق حکمت به جای خویش مقرر دارند .) پیامبر می فرماید : شب قدر را باور بدارید در این شب تقدیر امور سال فرستاده می شود. این شب را پس از من صاحبانی است صاحبان این شب علی و یازده فرزند اویند. مقصود تقدیر امور در شب قدر در هر سال ارتباط مستقیم با حضرت ولی عصر علیه السلام دارد که در حضور ولایتی آن امام بزرگ این امور محقق می گردد . و در شب قدر تمام ملائکه هایی که بر زمین نازل می شوند به حضور امام عصر (عج) می رسند و به پرونده شیعیان رسیدگی می کند و اعمال ما را مطالعه می نماید. خوشا به حال کسانی که وقتی اعمال آنها را امام عصر باز بین می نماید مورد رضایت آن امام عزیز واقع گردد . البته قابل ذکر است در هر روز پنج شنبه ای جمعه اعمال شیعیان به حضور امام عصر مورد بازدید واقع می گردد . و جای بسی تاسف و نگرانی عمیق است که خدای ناخواسته مرتکب عمل خلافی گردیم که نارضایتی امام را به همراه داشته باشد پس ما شیعیان باید در هر هفته خود را مهیا و آراسته به اعمال اسلامی نمائیم تا در پایان هفته با سربلندی به خدمت امام زمان علیه السلام برسد و رضایت آن را جلب نمائیم که رضایت خداوند را به همراه دارد . پیامبر می فرماید : هر کس بی آنکه امام زمان خود را شناخته باشد از جهان برود همچون مردم دوران جاهلیت از جهان رفته است .

۵- ولقد کتبنا فی الزبور ، من بعد الذکر ، ان الارض یرتها عبادی الصالحون .

۱- نور الثقلین ، ج ۲ ، ص ۳۹۲-۳۹۰ ،

۲- سوره دخان آیه ۴

مادر زبور داود از پس ذکر (تورات) نوشته ایم که سر انجام، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند.<sup>۱</sup>

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند اصحاب مهدی هستند در آخر الزمان.

«در تفسیر علی بن ابراهیم» درباره این آیه آمده است. ما در زبور از پس ذکر نوشتیم. همه کتابهای آسمانی را ذکر نامیده می شود.

**ان الارض یرثها عباد الصالحون** یعنی قائم و اصحاب او.

### خصوصیات و ویژگیهای پیامبران در مهدی موعود

ای نور چشم شیعیان ای حامی مستضعفین و ای انتقام گیر خون امام حسین و ای فریاد رس مظلومان تاریخ، ای مهدی صاحب الزمان جانم به فدایت هر روز هزاران مرتبه جانم به فدایت، پدر و مادر و اولادم به فدایت، آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

حضرت مهدی علیه السلام عصاره انبیاء و اولیاء است و شباهتهایی میان پیامبران و حضرت بقیت الله هست که در وجود مبارک مهدی موعود متجلی است به حضرت ولی عصر سر اکبر ولی اعظم، بقیه الله ذخیره الهی هست و در روایات و ویژگیهایی از پیامبران یاد شده است که در قائم آل محمد (ص) می باشند.

از حضرت آدم و نوح علیه السلام طول عمر در وجود مبارکش تجلی گشته است. از ابراهیم خلیل الله علیه السلام پنهانی ولایت و دور بودن از مردم را نصیب فرموده است. از حضرت موسی کلیم الله پنهانی از ولایت غیبت از قوم و شکوهمندی را به ارث برده است و از یوسف علیه السلام زیبایی، کرم و بخشش و بودنش در میان مردم ولی ناشناخته ماندن را وارث شده.

همانطوری که برادران یوسف اول می دیدند ولی نمی شناختند تا آنکه خودش را معرفی کرد. پس امام زمان هم دیده شده و می شود ولی کسی او را نمی شناسد تا روزی که خودش را معرفی نماید که تعداد زیادی حکایتها حاکی از دیدن مهدی موعود است که نصیب خوبان عالم شده است و خوش به سعادتشان، از حضرت صالح علیه السلام غیبت از قوم و از داود علیه السلام قصاوت کردن به حکم داودی که بدون شاهد و بینه بر طبق علم خود حکم می کرد. و از حضرت سلیمان علیه السلام جهاندار و حشمت سلیمانی و از ایوب علیه السلام برخورداری از فرج و گشایش پس از گرفتاری حضرت مهدی علیه السلام پس از هجوم عباسیان ملعون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام مجبور به ترک خانه و دیار شد بعد طبق حکمت خداوند سبحان از نظرها غائب گشت و این غیبت به طول کشیده شد تا وقتی خداوند بخواهد اذن ظهور دهد. از یونس علیه السلام رجوع به میان مردم و پس از غیبت در شکل و قیافه جوانان. از عیسی روح الله، نورانیت و از حضرت محمد اخلاق شیرین خروج با شمشیر درهم کوبیدن جباران را وارث گردیده است.

۶- در صلوات منسوب به حکیم قدوسی، خواجه نصیر الدین طوسی، حضرت مهدی علیه السلام با ویژگیهای پدران خویش توصیف شده است.

بار خدایا! رحمتهای پیایی فرست، و دروذهای خجسته خویش ارزانی دار. بر امام بزرگواری که صاحب دعوت محمدی است، و صولت حیدری، و عصمت فاطمی، و حلم حسنی و شجاعت حسینی و عبادت سجادی و مفاخر باقری، و آثار جعفری و علوم کاظمی، و حجج رضوی و وجود ثقوی، و نقاوت تقوی، و هیبت عسکری و غیبت الهی. آن قائم به حق و درفش افراز صدق مطلق، کله خدایی دامان الهی و حجت ربانی، بر پای دارنده امر خدایی، و گسترنده عدل خدای، و پیروز گرداننده حکم خدای و پاس دارنده، ناموس خدای و امام آشکار و نهان،

برطرف سازنده گرفتاریها و انده‌هان، صاحب جود و بخشش و احسان، امام برحق، ابوالقاسم محمدبن الحسن، صاحب عصر و زمان، روشن کننده حق و برهان، خلیفه خدای رحمان، عدل و انباز قرآن آشکار ساز مظاهر ایمان، و مهتر آدمیان و پریان، رحمتها و درودهای خدایی بر او باد و بر همه نیاکان پاک او. درود و رحمت و سلام و تحیت بر تو باد! ای وصی حسن عسکری و ای جانشین شایسته شایستگان، ای امام زمان، ای مهدی قائم منتظران، ای زاده ختم رسولان، ای فرزند امیر المومنان، ای امام مسلمانان، ای حجت خدا در میان مردمان، ای سرور ما، ای مولای ما، ما به ابروی تو، روی به درگاه خدا آوردیم، و تو را نزد خدایی شفیع ساختیم و به اعتبار منزلت تو، حاجات دو جهان خویش طلبیدیم، ای سرافراز در نزد خدا، و ای ابرومند بارگاه کبریا، حاجات ما را، از خدای عزیز و جلیل، تو طلب کن و بر آورد آنها را تو بخواه.

### « معرفی حضرت مهدی توسط خودش »

وقتی حضرت مهدی به در آید، به مسجد الحرام رود رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد و دو رکعت نماز گزارد آنگاه فریاد بر آورد: ای مردمان! منم یادگار آدم، یادگار نوح و یادگار ابراهیم، و یادگار اسماعیل، منم یادگار موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله وسلم، منم یادگار پیامبران، منم وارث آدم و گزیده لوح و خلاصه ابراهیم، و عصاره محمد، منم صاحب قرآن و زنده کننده سنت<sup>۱</sup>

ای توده های خلائق هر کس می خواهد آدم و شیث را بیند، منم آدم و منم شیث، هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را بیند منم ابراهیم و منم اسماعیل، هر کس می خواهد موسی و یوشع را بیند منم موسی و منم یوشع.

<sup>۱</sup> - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۹، ج ۵۲، ص ۳۰۵

هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند ، منم عیسی و منم شمعون ، هر کس می خواهد محمد و علی را ببیند ، منم محمد و علی و هر کس می خواهد حسن و حسین را ببیند منم حسن و منم حسین ، هر کس می خواهد امامان دیگر را ببیند ، منم امامان دیگر ... فریاد مرا پاسخ گوید حسن شما را از همه چیز آگاه می کنم آنچه می دانید و آنچه نمی دانید .<sup>۱</sup>

### « مهدی از نسل امامان »

مهدی صاحب الزمان که از اولاد امام حسین و امامان معصوم علیه السلام است در مورد اینکه امام زمان علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است زیدین ثابت از پیامبر بزرگ اسلام حدیثی نقل می کند که حضرت فرمود: لا ینذهب من الدنیا (یذهب الدنیا) حتی یقوم بامر امتی رجل من صلب حسین یملاها عدلاً کما ملئت جوراً<sup>۲</sup>

« از دنیا دیری نمی گذرد تا اینکه مردی از صلب حسین قیام کند و دنیا را پر از عدل و داد کند پس از آنکه پر از جور شده است » راوی پرسید : آن مرد کیست؟ حضرت فرمود : «امام نهم از صلب حسین»

### « حضرت مهدی علیه السلام از اولاد امام چهارم است »

شیخ ابو عبدالله از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که رسول خدا (ص) به من فرمود «تو محمد بن علی بن الحسین باقر العلوم را ملاقات می کنی، سلام مرا به او برسان ... » جابر گوید از اولاد علی بن الحسین مردی خروج می کند که دنیا را پر از عدل و داد می کند .

<sup>۱</sup> - بحار الانوار ، ج ۵۳ ، ص ۹

<sup>۲</sup> - منتخب الاثر ، ص ۲۰۴

«حضرت مهدی از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام می باشد»

وقتی جابر امام باقر علیه السلام را دید و دانست که او همان باقر العلوم است ، گفت شمائل رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است چون نامش را پرسید گفت پسر کیستی ؟ فرمود محمد ، گفت پسر کیستی ؟ فرمود : فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب، عرض کرد آیا تو محمد باقر هستی؟ آن حضرت فرمود : آری . جابر روی پای آن حضرت افتاد و بوسید، سپس گفت: ای محمد همانا رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به تو سلام رساند . حضرت فرمود : برترین سلام بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و بر تو ای جابر که سلام او را رساندی . جابر به آن حضرت عرض کرد : ای محمد ! رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند : از نسل تو امامانی متولد می شوند که هفتمین آنها مهدی است . او جهان را پر از عدل و داد می کند .

«مهدی علیه السلام از نسل امام ششم»

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود «به زودی غیبت بوسیله ششمین فرزندم واقع می شود . همانا او دوازدهمین امام از ائمه هدی بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می باشد . که اولین آنها علی علیه السلام و آخرینشان قائم به حق و ذخیره خدا روی زمین مهدی صاحب الزمان است به خدا سوگند در میان مردم باقی بماند همانند نوح که در میان قومش باقی ماند دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه او ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد نماید چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد»

## « مهدی فرزند امام موسی کاظم علیه السلام »

در کتاب غیبت لقمانی حدیثی آمده است : که وقتی دنیا مردم را به ظلم و جور تهدید کرد از اولاد او (امام کاظم) شخصی خروج می کند که دنیا را پر از عدل و داد می نماید چنانچه پر از ظلم و جور شده است .

## « مهدی از اولاد امام رضا علیه السلام »

از امام رضا نقل شده است که فرمودند کسی که ورع و پرهیزکاری ندارد دین ندارد کسی که تقیه ندارد ، ایمان ندارد . کسی که نزد خدا مقرب است . کسی که متقی و پرهیزکار باشد یعنی عمل توام با تقوا انجام گیرد . عرض شد ای رسول الله تا کی ، فرمود تا زمان علوی که قرآن می فرماید . آن روز روز خروج و قیام قائم ما می باشد . هرکس قبل از خروج قائم ، تقیه و تقوا نداشته باشد از ما نیست .

## « مهدی از فرزندان امام جواد (ع) »

**حضرت عبدالعظیم نقل می کند :** که خدمت امام جواد علیه السلام وارد شدم خواستم از مهدی علیه السلام بپرسم ، فرمود : یا ابا القاسم ! مهدی قائم از ماست او کسی است که انتظار او و طاعت او در ظهورش بر همه واجب است و او سومین فرزند من است سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به نبوت برانگیخت و ما را به امامت برگزید ، اگر یک روز از دنیا باقی بماند ، خداوند آن روز را به قدری طولانی می کند که قائم ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید خداوند تمام عالم را در یک شب به اطاعت او در خواهد آورد .



همانطور که در یک شب بنی اسرائیل را تسلیم موسی فرمود افضل اعمال در آن عصر انتظار فرج است.<sup>۱</sup>

### « مهدی از اولاد امام هادی است »

ابی دلف از امام هادی علیه السلام روایت می کند که فرمود: امام بعد از من فرزندانم حسن است و پس از حسن فرزند او قائم است که زمین را پر از عدل و داد می کند پی از آنکه پر از ظلم و جو شده باشد.<sup>۲</sup>

### « حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است »

در کتاب کافی علی بن محمد سندی از امام عسکری روایت می کند:

جانشین پس از من فرزندانم ابوالحسن است که خلف پی از خلفت است: سوال شد چگونه است؟ فرمود: شما او را نخواهید دید شخصیت او از شما پنهان خواهد شد. جایز نیست. (به سبب تقیه از دشمن) نام او را ببرید « عرض کردند به چه نام او را بخوانیم، فرمود بگویید حجت آل محمد علیه السلام، مهدی قائم اهل بیت.

### « غیبت امام عصر »

از امام محمد باقر روایت است که فرموده برای قائم ما دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی در غیبت صغری جز خواص شیعیان از او اطلاعی ندارند و در غیبت کبری جز خواص متدینین از او آگاه نیستند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - منتخب الاثر، ص ۲۲۳

<sup>۲</sup> - کفایه الاثر، ص ۳۲۵

<sup>۱</sup> - ینابیع الموده، ص ۴۲۷

## «حمایت امام زمان علیه السلام از شیعیانش»

داستان یکی از شیعیان خالص مولای متقیان حضرت امیر المومنین علیه السلام به نام حاج محمد حسن در زمان مرحوم آیه الله سید مهدی بحر العلوم (رحمه الله) کنار دجله در شهر بغداد قهوه خانه ای داشت که از آن امرار معاش می کرد. یک روز صبح که باران مختصری آمده و هوای لطیفی به وجود آورده بود و حاج محمد حسن تازی مغازه را باز کرده و هنوز کسی از مشتریان به مغازه او نیامده بود سروکله یک افسر سنی ناصبی پیدا شد. او هنوز برای چای خوردن ننشسته بود که شروع به فحاشی و جسارت به خاندان عصمت علیه السلام به خصوص علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا علیه السلام مثل آنکه نمی توانست خود را کنترل کند با خود حرف می زد و به آن حضرت جسارت می کرد. حاج محمد حسن که خونس به جوش آمده بود و از خود بی خود شده بود و اطراف خود را خلوت دید تصمیم گرفت افسر ناصبی را بکشد ولی چطور، او مسلح است و حاج محمد حسن اسلحه ای ندارد. ناگهان فکری به نظرش رسید با خود گفت خوب است که از راه دوستی نزد او برم اسلحه اش را از دستش بگیرم و بعد او را با همان اسلحه بکشم لذا نزد او رفتم و به او یکی دو تا چایی داغ و تازه دم داد و به او اظهار محبت کرد و گفت سرکار این خنجری که در کمر بسته ای خیلی زیبا به نظر می رسد آن را چند خریده ای و کجا آن را درست کرده اند، آن احمق نادان هم مغرورانه خنجر را از کمر باز کرد و به دست حاج محمد حسن داد و گفت بلی خنجر خوبی است من آن را گران خریده ام حتی نگاه کن در دسته خنجر نامم را حکاکی کرده اند و حاج محمد حسن خنجر را از او می گیرد و با خون سردی غیر قابل وصفی آن را نگاه می کند و ضمناً منتظر است که آن افسر ناصبی غفلت کند و کار خود را انجام دهد. در این بین افسر ناصبی صورت را به طرف دجله بر می گرداند ناگهان حاج محمد حسن خنجر با یک حرکت فوری

خنجر را تا دسته در قلب او فرو می برد و شکم او را می شکافد تا هنوز کسی به قوه خانه وارد نشده آن را ترک می کند و به طرف بصره فرار می نماید . حاج محمد حسن می گوید : من با ترس و لرز راه بغداد تا بصره را پیمودم اول شب بود که وارد بصره شدم نمی دانستم چه به سرم خواهد آمد مگر ممکن است کسی افسر عراقی را در میان مغازه اش بکشد و او را همان جا بیاورد و خنجرش را بردارد و فرار کند ولی در عین حال از او دست بکشند و او را تعقیب نکنند . به هر حال خود را به امام زمان علیه السلام سپردم و گفتم آقا من این کار را برای شما انجام دادم و سپس به طرف مسجد رفتم که شب را در آن بیتوته نمایم آخر شب خادم مسجد که مردی فقیر نابینایی بود وارد مسجد شد و با صدای بلند فریاد زد که هر که در مسجد است بیرون برود چون می خواهم در مسجد را ببندم . کسی جز من در مسجد نبود من هم که نمی خواستم از مسجد بیرون بروم لذا چیزی نگفتم او مطمئن نشد کسی در مسجد نباشد شاید هم با خود فکر می کرد که ممکن است کسی در مسجد خوابش برده باشد به همین جهت با عصا دور مسجد به تجسس برخواست و با فریادی که هر خوابی را بیدار می کند دور مسجد را می گشت ولی من از مقابل او طوری که او صدای پای مرا نشنود فرار می کردم بالاخره مطمئن شد که کسی در مسجد نیست لذا در مسجد را از داخل بست از پنجره مسجد نور مهتاب به داخل مسجد تابیده بود تا حدودی تشخیص داده می شد او چه می کند . او پس از آنکه در مسجد را از داخل بست و لباسش را کند تشک کوچکی کنار محراب انداخت خودش دو زانو مقابل آن تشک نشست و با عصا به دیوار محراب زد و خودش جواب داد کیه ( مثل اینکه مهمانی برایش آمده و او در می زد و این جواب می داد ) بعد خودش می گفت به به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تشریف آوردند و از جابر خواست در عالم خیال آن حضرت را وارد مسجد کرد و روی آن تشک نشاند و به آن حضرت

عرض ارادت کرد پس از چند لحظه باز به همان ترتیب با عصا به دیوار مسجد زد و کوبید و گفت کیه با خودش با صدای متین و سنگین جواب داد ابوبکر صدیق گفت به به حضرت ابوبکر صدیق بفرمائید و او را در عالم خیال خود وارد مسجد کرد و نزد رسول خدا نشاند . و به او عرض ارادت نمود و سپس از آن عمر و عثمان را به همان ترتیب جداگانه وارد کرد ولی برای عمر احترام بیشتری قائل بود و به آنها هم اظهار ارادت می نمود . پس از آنها عصای خود را آهسته به دیوار محراب زد مثل کسی که با ترس در می زند سپس گفت : کیه خوش با صدای ضعیفی جواب داد من علی بن ابی طالب هستم او با بی اعتنائی عجیبی گفت شما را من به عنوان خلیفه قبول ندارم و شروع کرد به جسارت و بی ادبی به حضرت امیرالمومنین علیه السلام ، بالاخره آن حضرت را راه نداد و از آن حضرت تبری کرد من که خنجر افسر ناصبی را همراه آورده بودم با خود گفتم که بد نیست این سگ خبیث ناصبی را هم بکشم و بالاخره من که از نظر دشمنان حضرت امیرالمومنین و فاطمه زهرا سلام الله علیها مجرم شناختم و آب از سرم گذشته است چه یک متر باشد یا صد متر فرقی نمی کند .

لذا از جا بر خواستم و او را هم کشتم و در همان نیمه شد و در همان نیمه شب در مسجد را که از داخل بسته بود باز کردم و به طرف کوفه فرار کردم و یکسره به مسجد کوفه رفتم و در یکی از حجرات مسجد اعتکاف کردم . دائماً متوسل به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بودم و عرض می کرد آقا من این اعمال را به خاطر محبت به علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیه السلام انجام داده ام و الان چندین روز است که زن و بچه ام را ندیده ام بالاخره سه روز از ماندن در مسجد کوفه بیشتر نگذشته بود که دیدم در اطاق مرا می زدند . در را باز کردم شخصی مرا به خدمت سید بحر العلوم ، دعوت می کرد و می گفت آقا شما را می خواهند ببینند . من به خدمت سید بحر العلوم که در مسجد کوفه در محراب

حضرت امیرالمومنین علیه السلام نشسته بودند رسیدم ایشان به من فرمودند . حضرت ولی عصر علیه السلام فرموده اند که ما آن خون را از دکان تو برداشتم . تو با کمال اطمینان به مغازه ات برو و به زندگیت ادامه بده کسی مزاحمت نخواهد شد . گفتم چشم قربان دست سید بحر العلوم را بوسیدم و یکسره با اطمینانی که از کلام سید در قلبم پیدا شده بود و به طرف بغداد رفتم وقتی به بغداد رسیدم وسط روز بود اول با خودم گفتم بد نیست به طرف قهوه خانه بروم و ببینم آنجا چه خبر است وقتی نزدیک قهوه خانه رسیدم دیدم قهوه خانه باز است و جمعیت هم به عنوان مشتری روی صندلی ها برای خودن چای نشسته اند و شخصی بسیار شبیه به من که حتی برای چند لحظه فکر می کردم که در آینه نگاه می کنم و خود را می بینم مشغول پذیرایی از مشتریان است مردم متوجه من نبودند و من آرام آرام به طرف قهوه خانه رفتم تا آنکه به قهوه خانه رسیدم دیدم آن فردی که شبیه به من بود به طرف من آمد به طرف من آمد . و سینی چای را به من داد و ناپدید شد من هم با آنکه لرزش عجیبی در بدنم پیدا شده بود به روی خودم نیاورده و به کارها ادامه دادم و تا شب در قهوه خانه بودم . ضمناً به یاد آمد روزی که می خواستم از منزل بیرون بیایم زخم به من گفته بود مقداری شکر برای منزل بخر . لذا آن شب من چند کیلو شکر خریدم و به منزل رفتم . وقتی در زدم زخم در را باز کرد و من کیسه شکر را به او دادم او گفت باز چرا شکر خریدی ، گفتم تو چند روز گفته بودی که شکر بخرم . گفت تو که همان شب خریدی ، چرا فراموش می کنی و بدون آنکه زخم از نبودن چند روزه من اظهار اطلاع کند وارد منزل شدم و فهمیدم آن کسی که به شکل و قیافه من در دکان بود شبها هم به منزل می آمده . تا آنکه موقع خوابیدن شد دیدم زخم رختخواب مرا در اطاق دیگر انداخت ، گفتم چرا جای مرا آنجا می اندازی گفت : خودت چند شب است که کمتر با من حرف می زنی و گفته ای که جای مرا در

آن اطاق بینداز من به او گفتم درست است ولی امشب دیگر با تو در یک اطاق می خوابم.<sup>۱</sup>

### جریان حکایت شیعیان بحرین

مدتی ولایت بحرین تحت حکم فرنگ بود، فرنگیان مردی از مسلمانان را به عنوان والی بحرین انتخاب کردند که شاید به سبب حکومت مسلمانان آن ولایت آباد تر شود آن شهر بهتر باشد و آن حاکم از ناصبیان بود وزیری داشت که در مقام دشمنی از آن حاکم بدتر بود و مرتب نسبت به اهل بحرین عداوت و دشمنی می کرد و به این دلیل محبتی بود که اهل آن ولایت نسبت به اهل بیت رسالت علیه السلام داشتند و آن وزیر ملعون مرتب برای کشتن و ضرر رساندن به اهل آن شهر حيله ها و فریبهائی بکار می برد. در یکی از آن روزها آن وزیر پلید وارد شد و خدمت حاکم آمد و در حالی که اناری در دستش بود به حاکم داد و وقتی حاکم به آن انار نگاه کرد دید که روی آن انار نوشته شد «لا اله الا الله محمد رسول الله و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله» و وقتی حاکم به آن نگاه کرد دید که آن نوشته مال خود انار است و نمی تواند ساخته دست خلق باشد. آنگاه از آن امر تعجب کرد و به وزیر گفت. این نشانه آشکار و دلیلی محکم بر باطل بودن مذهب شیعه است نظر تو در مورد اهل بحرین چیست؟ وزیر لعین گفت: اینها گروهی متعصب هستند و دلیل و برهان را نمی پذیرند شایسته است که تو آنها را بطلبی و این انار را به آنها نشان بدهی، پس اگر قبول کنند و از مذهب خود برگردند ثواب زیادی برای تو می باشد و اگر از تو به سرباز زدند و بر گمراهی خود باقی ماندند آنها را میان این سه چیز مخیر کن: یا با ذلت جزیه بدهند یا جوابی برای این سوال بیاورند و حال آنکه راه فراری

<sup>۱</sup> - ملاقات با امام زمان، ج ۲، ص ۱۸۸

ندارند یا اینکه مردان آنها را بکشی و زنان و فرزندانشان را اسیر کنی و اموال آنها را مصادره کنی . حاکم نظر آن خبیث را پذیرفت و به دنبال عالمان و دانشمندان و برگزیدگان آنها فرستاد و آنها را حاضر کرد و انار را به آنها نشان داد و گفت : اگر جواب قانع کننده در این مورد ندهید ، مردان شما را می کشم و زنان و فرزندان شما را اسیر می کنم و اموال شما را مصادره می کنم یا اینکه باید مانند کفار جزیه بدهید . وقتی آنها این حرف را شنیدند سرگردان شدند و توانایی جواب دادن را نداشتند و چهره هایشان تغییر کرد و بدن آنها می لرزید بزرگانشان گفتند : ای امیر به ما سه روز فرصت بده که تا شاید جوابی بیاوریم که تو از آن راضی باشی و اگر نیاوردیم آنچه که می خواهی به ما بکن .

آنگاه سه روز به آنها فرصت داد آنها با حالت تعجب و ترس از پیش او رفتند و در مجلسی جمع شدند و رای های خود را ارائه دادند تا اینکه به این نتیجه رسیدند که از صالحان بحرین و زاهدان آنها ۱۰ نفر انتخاب کنند و چنین کردند. آنگاه از بین ده نفر سه نفر را برگزیدند و به یکی از آنها سه نفر گفتند : تو امشب به صحرا برو و به عبادت خدا پرداز و به امام زمان علیه السلام متوسل شد که او امام زمان ما است و حجت خداوند عالم بر ما و شاید که چاره ای برای نجات از این بلای بزرگ به تونشان دهد . آن مرد خارج شد و در تمام شب خدا را از روی خضوع عبادت کرد و گریه و زاری نمود و خداوند را خواند به حضرت صاحب الامر علیه السلام متوسل شد تا صبح و چیزی ندید به نزد آنها آمد و خبر داد. شب دوم یکی دیگر را فرستادند او مثل دوست اول دعا و گریه کرد و چیزی ندید. آنگاه اضطراب و ناراحتی آنها بیشتر شد . سپس سومی را حاضر کردند که او مردی پرهیزکاری بود و اسمش محمد بن عیسی بود و او در شب سوم با سر و پای برهنه به صحرا رفت و آن شب ، بسیار تاریک بود و در آن به دعا و گریه مشغول شد و متوصل به حق شد که آن بلا را از مومنان بردارد و به حضرت

حجت علیه السلام اثتغائه نمود و وقتی آخر شب شده شنید که مردی به او خطاب می نماید: «ای محمد بن عیسی چرا تو را به این حال می بینم و چرا به این بیابان آمده ای؟» او گفت: از مرد، مرا رها کن که من به خاطر کار بزرگی بیرون آمده ام و آن را جز برای امام خود نمی گویم و از آن شکایت نمی کنم مگر برای کسی که بر حل آن مسئله قادر باشد. گفت: «ای محمد بن عیسی، منم صاحب امر را! حاجت خود را بگو»

محمد بن عیسی گفت: اگر تو صاحب الامر آن هستی داستان مرا می دانی و احتیاجی نیست که من آن را بگویم. «فرمود بله راست می گویی تو به خاطر بلایی که در مورد آن انار برشما وارد شده است، بیرون آمدی و آن وعده و ترسی که حاکم برای شما در نظر گرفته است.» محمد بن عیسی گفت: وقتی این کلام معجزه انگیز را شنیدم متوجه آن سمتی شدم که صدا می آمد و عرض کردم: بله ای مولای من، تو از آنچه به ما رسیده آگاه هستی و تو امام و پناه ما هستی و می توانی آن بلا را رفع کنی. پس آن جناب فرمود: «ای محمد بن عیسی به درستی که وزیرلعه الله علیه درختی از انار در خانه اش است. وقتی که آن درخت بارور شد او از گل قالبی به شکل انار ساخت و آن را دو نصف کرد و در بین نصف هریک از آنها آن کلمات را نوشت. و انار هنوز بروی درخت کوچک بود که آن را در بین آن قالب گل گذاشت و آن را بست هنگامی که انار داخل آن قالب بزرگ شد، اثر آن نوشته بروی آن بصورت برجسته ظاهر شد. پس وقتی صبح به پیش حاکم رفتید به او بگو من جواب این مسئله را با خود آوردم و آن را جز در خانه وزیر نمی گویم آن گاه وقتی داخل خانه وزیر شدید پس از ورود در قسمت راست خود اتاقی خواهی دید آنگاه به حاکم بگو: جواب را نمی دهم مگر در آن اتاق و اگر وزیر خواست زودتر وارد اتاق شود قبول نکن تو در آن اتاق طاقچه ای می بینی که کیسه سفیدی در آن است. آن را بگیر که در آن قالب



گلی میباشد که آن ملعون آن حيله را در آن به کار برده است پس در مقابل حاکم آن انار را داخل آن قالب بگذار تا اینکه حيله او آشکار شود. ای محمد بن عیسی نشانه دیگرش آن است که تو به حاکم بگو معجزه دیگرمان است که وقتی انار را بشکنند به غیر از دود و خاکستر چیز دیگری در آن پیدا نخواهید کرد. و بگو اگر راستی این سخن را می خواهید به وزیر دستور بدهید که دیگری در حضور مردم آن انار را بشکند وقتی بشکند خاکسترو دود بر صورت و ریش وزیر خواهد پاشید وقتی محمد بن عیسی این سخنان معجزه انگیز را از آن امام عالی مقام و حجت خداوند عالمیان شنید بسیار شاد شد و در مقابل آن جناب زمین را بوسید و شادی و سرور به پیش اهل خود برگشت وقتی صبح شد به پیش حاکم رفتند و محمد بن عیسی آنچه امام علیه السلام به او دستور داده بود انجام داد و آن معجزاتی را که آن جناب به او خبر داده بود آشکار شد آنگاه حاکم رو به محمد بن عیسی کرد و گفت چه کسی تو را از این امور مطلع کرده بود؟ گفت: امام زمان و حجت خدا بر ما: والی گفت: امام شما چه کسی است؟ و او ائمه علیه السلام یکی بعد از دیگری نام برد تا اینکه به حضرت صاحب الامر رسید. حاکم گفت: دستت را دراز بکن که من بر این مذهب با تو بیعت می کنم و من گواهی می دهم خدایی جز خدای یگانه نیست و گواهی می دهم که محمد بنده و رسول اوست و گواهی می دهم که خلیفه بلافصل آن حضرت علی علیه السلام است و به حقانیت امامت هریک از امامان تا آخرین آنها اقرار نمود و ایمان او کامل شد و دستور داد که وزیر را به قتل برسانند و از اهل بحرین عذرخواهی کرد. و این قصه نزد اهل بحرین معروف است و قبر محمد بن عیسی نزد آنها معروف و شناخته شده است و مردم او را زیارت می کنند.

**مولف گوید:** گویا وزیر دیده یا شنیده بود که گاهی که در دست شیعه از انواع سنگ های نفیس و غیره یافته می شود که در آن به دست قدرت الهی مطالبی

حک شده که دلالت بر حقیقت مذهب شیعه می کند و او می خواست در مقابل قدرت خداوند نقشی پدیدار کند و حق را با باطل بپوشانند . در مجموعه ای شریفه ای که تمام آن به خط شمس الدین صاحب اکرامات محمد بن علی جبائی جد شیخ بهایی است و اول آن قصاید . سبعة ابن ابی الحدید است و بعد از آن کتاب جعفریات و غیره آن ذکر شده است که یافت شده که عقیقی سرخ که در آن نوشته شده بود :

یوم تزویج والد السبطین

انا در من السماء نثرونی

صبغونی بدم نحر الحسین

كنت اتقى من اللجین ولكن

شیخ استاد عبدالحسین تهرانی طالب ثرا نقل می کردند که : وقتی به هله رفته بودند در آنجا درختی را با آن اره دو قسمت تقسیم کرده بودند و در وسط آن حد نصفی دیده اند که خط نسخ شده بود لا اله محمد الرسول الله علی ولی الله اکنون در تهران و در پیش یکی از ثروتمندان دولت ایران الماس کوچکی است به اندازه یک عدس که در داخل آن اسم علی نقش بسته است بایای معکوس و کلمه دیگر که احتمال می رود (یا) باشد محدث نبیل سید نعمت الله شوشتری در کتاب زهرالربیع فرموده است در نهر شوشتر یک سنگ کوچک زردی که آن را حفاران از زیر زمین درآورده بودند پیدا کرد که بر آن سنگ به رنگ همان سنگ نوشته بود «بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد الرسول الله علی ولی الله لما قتل الحسین بن العلی بن ابی طالب فاكتب بدمه علی ارض حصباء سیغلم الذین ظلموا ی منقلب ینقبون» عالم گرانقدر میر محمد حسین سبیط علامه مجلسی و امام جمعه در اصفهان نقل کردند : که آن سنگ برای مغفور شاه سلیمان آوردند آنگاه صنعتگران و هنرمندان از هر نوع را حاضر کرد و آنگاه به همه نشان داد همه با تامل و تدبیر که آن از قدرت دست بشر خارج است که جز

خداوند بی همتا کسی توانایی آن را ندارد . که چنین نقشی در این سنگ ایجاد کند آنگاه سلطان آن سنگ را به انواع زیورها و زیباییهای آراسته کرد و نقل این گونه مطالب از این کتاب خارج است و الا از این گونه حوادث در کتب اخبار تواریخ بسیار موجود است مخصوصاً در مورد خون مبارک ابا عبدالله الحسین که در درخت و سنگ غیره ظاهر می شد .

در زمان غیبت کبری امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام است

از اهل بیت وارد شده که فرمودند **لولا الحجة لساحت الارض باهلها**

یعنی اگر وجود محبت الهی نباشد زمین اهلش را فرو خواهد برد حال و جود مبارکش همانند خورشید پشت ابر به شیعه و بشریت نور می بخشد .

ولی انسانهای مهذب و با تقوا که دارای روح زیبایی و صداقت و پاکی باشد در عصر غیبت کبری می توان به ملاقات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد . مرحوم حاجی نوری نقل می کند : که ملا زین العابدین سلماسی فرمود : که من در محضر درس سید بحرالعلوم بودم که فردی سوال نمود ، آیا امکان دارد کسی در غیبت امام زمان علیه السلام آن وجود مقدس را ملاقات نماید ؟ سید بحرالعلوم به او جوابی نداد ، ولی من نزدیک او نشسته بودم سرش را پایین انداخته و آهسته می گوید چه بگویم در جواب او در حال آنکه آن حضرت مرا در بغل گرفته و به سینه خود چسبانده است آن حضرت در توقیع مبارک به مرحوم شیخ مفید فرمودند هیچ یک از اعمال ما از نظر آن حضرت پنهان نیست و همواره مورد توجه آن بزرگوار هستیم حضرت در آن توقیع فرمودند : همانا علم ما بر کارهایتان احاطه دارد و هیچ یک از اخبار شما بر ما پنهان نیست . ما شما را به حال خود وا نمی گذاریم و فراموشتان نمی کنیم و اگر چنین نباشد ، گرفتاریها بر شما نازل و دشمنان شما را نابود نمایند .

حجه الاسلام کوثریبه نقل از فضلالی مشهد که از دوستانش نقل می کند . در نجف اشرف در خدمت امام خمینی (ره) بودم و صحبت از ایران به میان آمد . من گفتم . این چه فرمایش هایی است که در مورد شاه می فرمایند :

یک مستاجر را نمی شود از خانه بیرون کرد شما می خواهید شاه مملکت را بیرون کنید ؟ امام سکوت کردند . من فکر کردم که شاید عرض مرا نشنیده اند . سختم را تکرار نمودم امام با حالت عصبانی فرمودند : فلانی چه می گویی مگر حضرت بقیه الله امام زمان صلوات الله علیه به من خلافت می فرمایند ، شاه باید برود . بعد همه دید که آنچه امام فرمودند شد ، شاه فرار کرد و برای همیشه از مملکت بیرون رفت پس معلوم است حضرت امام خمینی رحمه الله علیه با امام بود و تحت فرمان امام زمان حرکت می نموده .<sup>۱</sup>

### تشریف ملاقاسمعلی رشتی

در زمان مرحوم حاجی کلباسی و مرحوم سید رشتی (علی الله مقامها) بین دو نفر از بزرگان اصفهان اختلافی پیدا شده بود . آخوند ملاقاسمعلی رشتی که از علمای نامی تهران بود برای اصلاح این اختلاف به اصفهان آمدند و در منزل حاجی کلباسی وارد شدند . بعد از آنکه اختلاف آن دو عالم را برطرف کردند در روز سه شنبه برای زیارت اهل قبور به تخت فولاد رفتند .

از زیارت اهل قبور فوائد زیادی دارند . بعد از وادی السلام نجف هیچ قبرستانی مانند تخت فولاد اصفهان نیست و متأسفانه الان آن را خراب کرده اند ! چهارصد پیغمبر در اصفهان مدفون هستند ، فقط دو نفر از آنها قبرشان آشکار است که یکی یسع (لسان الارض) است و دیگری شعیا در امامزاده اسماعیل است اما قبر

بقیه آنها معلوم نیست . علاوه بر آنها بعضی از اولیاء خدا نیز در اصفهان مدفون هستند .

ملاقاسمعلی به تخت فولاد می آیند. ایشان اهل کشیدن قلیان بودند و به همین جهت به مستخدم خودشان گفتند: به قهوه خانه برو و یک قلیان بگیر . مستخدم رفت و پس از لحظاتی برگشت و گفت : قهوه خانه بسته است و فقط روزهای پنج شنبه و جمعه که مردم برای زیارت اهل قبور می آیند باز است ملاقاسمعلی از بس به قلیان علاقمند بود می خواست به منزل برگردد ولی با خودش مجاهده کرد و با خود گفت : نباید به خاطر یک قلیان از این همه فیوضات محروم شوم .

به هر حال ایشان از قلیان صرفنظر کرد و در تکیه میر وارد شد . در زاویه تکیه یک نفر بزی جهانگردان و سیاحان نشسته بود . ملاقاسمعلی به آن شخص اعتنایی نکرد و کنار قبر میر آمد و فاتحه خواند آن شخص به ملاقاسمعلی فرمود: چنین می فهمم که قلیان می خواهی ؟ ملاقاسمعلی عرض کرد: بله قلیان می خواستم ، ولی اینجا پیدا نشد . آن شخص فرمود : در این چنته من قلیان، تنباکو و سنگ و چخماق و و زغال هست زمینه سوخته هم برای روشن کردن، آتش هست . برو قلیان درست کن . ملاقاسمعلی به خادمش گفت : برو قلیان درست کن، آن شخص گفت : نه خودت باید بروی ! ملاقاسمعلی آمد و در چنته نگاه کرد و دید فقط در این چنته یک قلیان یک سر تنباکو و قدری زغال مو و پنبه سوخته و سنگ چخماق هست. قلیان را درست کرد و آورد و در خدمت آن شخص گذاشت او فرمود : من نمی کشم ! خودت بکش ! ملاقاسمعلی قلیان را کشید و خط نفسش به عمل آمد . پس آن شخص فرمود خوب حالا آتشهایش را بریز و قلیان را ببر و سر جایش بگذار .

ملاقاسمعلی قلیان را تمیز کرد و برد و در چنته گذاشت و بازگشت . چون آن شخص گفته بود چنین می فهمم که قلیان می خواهد، ملاقاسمعلی با خود

اندیشید معلوم می شود او از مرتاضین و داری علوم غریبه است بنابراین وقتی برگشت عرض کرد:

آقا! یک زاد المسافرین به ما بدهید. منظور ما از «زاد المسافرین» علم کیمیا و طلاسازی بود.

**آن شخص فرمود:** «زاد المسافرین برای چه می خواهی؟ دنیا ارزش این چیزها را ندارد. من چیزی به تو تعلیم می کنم که از زاد المسافرین بهتر باشد»

**ملاقاسمعی عرض کرد:** بفرمایید! آن شخص فرمود: بر این ذکر مداومت کن: «یا محمد، یا علی، یا فاطمه، یا صاحب الزمان اردکنی و لا تهلکنی» ملاقاسمعی عرض کرد: ای کاش قلم و کاغذ داشتم و این ذکر را می نوشتم تا فراموش نکنم.

فرمود: درچنته همان که در آن قلیان بودن قلم و کاغذ هست برو بیاور. ملاقاسمعی آمد دید قلیان درچنته نیست! فقط یک صفحه کاغذ و یک قلم و یک دوات است. آنها را برداشت و آورد. آن شخص املا فرمود و ملاقاسمعی می نوشت یا محمد - یا علی - یا فاطمه و یا صاحب الزمان اردکنی و لا تهلکنی» وقتی به اردکنی رسید ملاقاسمعی دست نگهداشت و نوشت آن شخص فرمود چرا نمی نویسی عرض کرد مخاطبین چها نفر هستند محمد علی و فاطمه و صاحب الزمان علیه السلام پس اردکنی در اینجا غلط است و باید به صیغه جمع مذكر «اردکونی» گفته شود.

آن شخص گفت: «نه غلط نیست بنویس امر و تصرف با امام زمان است آنها هم که بخواهند کاری انجام دهند باز امر و تصرف با امام زمان است. بنویس «اردکنی و لا تهلکنی» ملاقاسمعی نوشت. وقتی ملاقاسمعی به منزل حاجی کلباسی آمد و قضیه را تعریف کرد، مرحوم کلباسی برخاست و به کتابخانه اش رفت و نوشته ای را که همین ذکر بر آن نوشته بود به خاطر همان شبهه که در

ذهنش آمده بود «ادرکنی و لا تهلکنی» را به ادرکونی و لا تهلکونی «تبدیل کرده بود. آورد و کلمه «ادرکونی و لا تهلکونی» را پاک کرد و آن نوشته را اصلاح کرد. بالاخره ملاقاسمعلی از اصفهان خارج شد و به طرف تهران حرکت کرد و یک شب در کاشان ماند و در منزل یکی از علمای کاشان میهمان شد. آن عالم کاشانی پس از صرف شام دو رختخواب برای خود و مهمانش در اتاق انداخت و چراغ را خاموش کرد و هر دو به رختخوابهایشان رفتند. در این هنگام آن عالم کاشانی صدا زد. آخوند ملاقاسمعلی! اگر آن روز اصرار کرده بودی آقا زادالمسافرین هم به تو می دادند! ملاقاسمعلی گفت: کدام روز؟

آن عالم گفت: آن روزی که در تخت فولاد در تکیه میر بودی؟ ملاقاسمعلی پرسید: مگر آن شخص که بود؟ آن عالم گفت: آقا امام زمان بودند. پرسید: شما از کجا می دانید که او امام زمان علیه السلام بود، آن عالم گفت: آقا هفته ای یک شب اینجا تشریف می آورند.

### « منتظران واقعی »

رسول خدا صل الله علیه و آله وسلم درباره انتظار فرج فرموده است انتظار فرج عبادۀ افضل اعمال امتی انتظار الفرج الله عزوجل<sup>۱</sup>  
انتظار فرج عبادت است، برترین و با ارزشترین عمل امت من انتظار فرج از خدای تبارک و تعالی است.

در حدیث دیگری پیامبر می فرماید: والاترین مردم از نظر یقین قومی هستند که در آخر الزمان پیامبر را درک نکرده اند و حجت خدا از آنها مخفی شد. آنها به مرکب سیاه روی کاغذ سفید ایمان آورده اند.<sup>۲</sup>

۱- بحار الانوار - ج ۵۲، ص ۱۲۲

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵

با ارزشترین ایمانها بستگی به یقین دارد، ما باید معتقد و اطمینان داشته باشیم که حضرت مهدی صاحب الزمان حی و حاضر است و مانند خورشید پشت ابر بر شیعانش نور افشانی می نماید و ماشیعیان به برکت آن امام هما زندگی می کنیم و از بلاها نجات یافته ایم. باید روش انبیاء و ائمه هدی علیه السلام را در پیش گرفته و هرکدام به اندازه توانایی خود به طرق مختلف امام زمان را به دیگران معرفی کنیم و پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «سیاتی قوم من بعد کم الرجل منهم له اجر خمسين منکم ...» پس از شما قومی خواهد آمد که پاداش هریک از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شماست»

عرض کردند: یا رسول الله! مگر نه این است که ما در حضور شما در بدر، حنین و احد شرکت کردیم و حتی قرآن در میان ما نازل شد؟ حضرت فرمود: اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می داد نمی توانستید همانند آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید.<sup>۱</sup>

پیامبر در سخنی می فرماید: «**یاتی علی الناس زمان المؤمن فیه اضل من**

**شاته**»<sup>۲</sup>

«زمانی خواهد آمد که مومن در آن زمان از گوسفند زبونتر خواهد بود»

معلوم است در میان حیوانات، حیوانی رام تر از گوسفند نیست از این رو پیامبر فرد مومن زمان غیبت را که زیر ستم دژخیمان و ظالمان و ستمگر دروغین حقوق بشر گرفتار شوند به گوسفند رام تشبیه کرده است.

پیامبر در مورد شیعیان آخرالزمان فرمود: خداوندا برادرانم را به من بنمایان: یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادر شما نیستیم. حضرت فرمود: نه شما یاوران

۱- منتخب الاثر، ص ۵۱۵

۲- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۶۵



من هستید برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می آیند و ندیده به من ایمان می آورند خداوند آنها را پیش از آنکه از صلب پدران به رحم مادران در آیند به نام خود و پدران‌شان به من معرفی نموده است . استقامت هریک از آنها را در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است . آنها مشعل های هدایتند که خداوند ایشان را از فتنه های تیره و تار نجات می بخشد.<sup>۱</sup>

پیامبر در تفسیر آیه ۲۰ سوره یونس که می فرماید : (منکران رسول ) گویند ، چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدا نیامد که مردم مطیع شوند پاسخ ده که دانای غیب خداست ، شما منتظر عذاب خدا باشید من هم با شما منتظر نصرت او می باشم «

پیامبر این آیه را چنین تفسیر می نماید : «خوشا به حال صابرینی که در غیبت (قائم) صبر می کنند و خوشا به حال متقینی که در دوستی و ولایت ایشان پا بر جا می مانند . همانا اینها کسانی هستند که خداوند در قرآن کریمش آنان را چنین توصیف می کند که ایشان به غیبت ایمان دارند و اینها در حزب خداوند هستند . آگاه باشید همانا حزب خدا بر تمام احزاب غالب است «

**امام علی می فرماید :** همانند زنبور عسل در میان پرندگان باشید که هر پرنده ای او را خوار می شمارد . ولی اگر پرندگان بدانند که چه برکتی در درون اوست ، هرگز او را خوار نمی شمارند . با زبان و بدن خود در میان مردم باشید / ولی دل و عمل خود را از آن ها جدا و پوشیده دارید . سوگند به خدایی که جانم در دست اوست آنچه که دوست می دارید (نعمت ظهور) بدست شما نمی آید مگر بعضی از شما برخی دیگر را دروغگو بخوانند و از شما به اندازه سرمه در چشم و نمک در غذا باقی نماند . من برای شما مثلی می زنم اگر شخصی مقداری گندم

داشته باشد و آن را پاک و پاکیزه کرد در انباری قرار دهد . پس از مدتی ببیند کرم بر آن افتاده آن را بیرون آورده و تمیز کند . پس از مدتی باز کرم بر آن مستولی شود و او دوباره آن را پاک کند و این کار را ادامه دهد تا وقتی که از گندم جز رشته هایی شبیه خس باقی نماند . آن وقت است که دیگر کرم بر آنها تاثیری ندارد . شما نیز آنقدر تحت آزمایش و گزینش قرار می گیرید که از شما جز گروه اندکی نمی ماند و دیگر فتنه ها بر آنها تاثیری ندارد .<sup>۱</sup>

### انتظار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید :

### افضل اعمال امتی و انتظار والفرج من الله - عزوجل

بهترین اعمال امت من ، انتظار رسیدن فرج است از نزد خدای عزیز جلیل .<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام می فرماید :

بهترین عبادت مومن ، چشم به راه فرج خدایی داشتن است.<sup>۳</sup>

امام صادق می فرماید : هرکس خوش دارد ، در شمار اصحاب قائم باشد ، باید

چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار با ورع داشته باشد.<sup>۴</sup>

پس انسان منتظر حکومت مهدی علیه السلام باید تقوی و پارسا باشد و خود را

آن طور که امام دوست دارد بسازد و خود را به یاران مهدی علیه السلام شباهت

دهد. پس عمل مطلوب و شایسته و نیکو و قلبی پاک و رؤوف و صادق و مهربان

لازمه کار است .

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۱۱۵

۲- کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۲۵۸ - ۲۵۷ ، بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۵۸

۳- بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۳۱

۴- بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۴۰

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند، آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند، با دوست او عاشقانه دوستند و موافق و با دشمن او خصمانه دشمنند و مخالف.<sup>۱</sup>

### اخلاق اسلامی

انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد و جامعه ای که منتظر مهدی موعود است باید مظهر اخلاق اسلامی باشد. همانطوری که امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: هرکس خوش دارد، در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند. پس در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی بکوشید. بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید، این کردار پاک و افکار تابناک گوارا باد بر شما، ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست.<sup>۲</sup>

شیعه باید با رفتار انسانی و اخلاق محمدی و صفات علوی، و فضائل جعفری همواره مایه زینت و افتخار و آبروی ائمه طاهرین باشد.

### آمادگی نظامی

شیعیان و مسلمانان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد تا به هنگام طلوع حق به صف جهادگران رقابت امام عصر علیه السلام بپیوندند و در جنگ بزرگ حق و باطل حماسه آفرینند. و حضور فعال داشته باشند.

امام صادق علیه السلام در سخنی گرانبها می فرماید: هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه. چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰

یار مهدی اسلحه تهیه کرده است . امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد.<sup>۱</sup>

داشتن اسلحه و نگهداری آن به خاطر پیوستن به سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام خود عبادت است و ما مسلمانان باید همیشه آمادگی کامل را داشته باشیم همانطوری که دشمنان امام عصر خود را برای مقابله با امام مهیا نموده‌اند ولی به یاری خداوند سبحان دست خدا بر سر مهدی و یاوران اوست و همیشه حق بر باطل غالب است و به امید چنین روزی انتظار می کشیم. انشاء الله

### « خصوصیات مردم آخر الزمان »

امام زین العابدین علیه السلام خطاب به ابو خالد کابلی می فرماید : ای ابو خالد! مردمانی که در روزگار غیبت به سر می برند ، و معتقدند و منتظر از مردمان همه زمانها افضلند . زیرا که خدای متعال به آنان خرد و فهم و معرفتی داده است که غیبت امام . برای آنان ، مانند حضور است یعنی با اینکه در عصر غیبت به سر می برند و امام را نمی بینند . از نظر ایمان و تقوی و پایداری ، گویی در زمان ظهور به سر می برند و امام خود را می بینند . این مردم را که در چنان روزگاری زندگی می کنند ، خدا مانند سربازان پیکارگر صدر اسلام قرار داده است، همانان که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شمشیری می زدند و پیکار می کردند، آنانند اخلاص پیشگان حقیقی و آنانند شیعیان واقعی و آنانند که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می کنند .<sup>۲</sup>

پس این ایمان راسخ باید در جوامع اسلامی باشد تا وقتی امام مهدی (عج) ظهور فرماید و این دنیای ظالم و ستمگر را اصلاح نماید. انشاء الله

۱- بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۶۶

۲- بحار الانوار ، ج ۲۵ ، ص ۱۲۲

## « بردباری مردم آخر الزمان »

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کنند که به اصحاب خویش فرمود: پس از شما مردمی خواهند آمد که به یک تن از آنان، اجر پنجاه تن از شما را خواهند داد. اصحاب گفتند ای پیامبر! ما در جنگهای بدر، احد، حنین با تو بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن نازل شده است، این چگونه خواهد بود؟ پیامبر فرمود: شما اگر در شرایطی که آنان قرار می گیرند قرار بگیرید، آن تحمل و شکیبایی را که آنان دارند نخواهید داشت.<sup>۱</sup>

نباید منتظران مهدی صاحب الزمان علیه السلام یاسی به دل راه دهند و یاس و ناامیدی را با یاد خدا و قدرت عظمی خداوند و راست بودن وعده پروردگار و پیامبران و امامان از روح خود زدود.

و به حدیث امام علی علیه السلام دل ببندیم که می فرماید: انتظروا الفرج، ولا تناسوا من روح الله... فان احب الاعمال الى الله انتظار فرج<sup>۲</sup>

چشم به راه رسیدن فرج باشید، و از کارگشایی و آسایش رسانی الهی نومید مباشید. زیرا که بهترین اعمال انتظار رسیدن فرج و گشایش است (از سوی خدا)

و پیامبر اکرم می فرماید: **انتظار الفرج یا اصبر، عباده**

چشم به راه خرج داشتن، با صبر و بردباری، عبادت است.<sup>۳</sup>

## « نزدیک دانستن ظهور و مهمترین وظیفه در زمان غیبت »

نزدیک دانستن امر ظهور یکی از نشانه های فرد مومن و منتظر است و به سبب همین امر انسان مومن جزو نجات یافتگان بشمار می آید. موقعی که آدمی

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵

مشتاق درک ظهور باشد اعمالی را که به این هدف زیبا و مقدس می رساند باید انجام دهد مسلماً زودتر ظهور امام را و از خداوند سبحان می خواهد که فایده بیشماری دارد . عبارتند از:

۱- انسان دچار قساوت قلب نمی شود ، چون دائماً و بیشتر اوقات قلبش به یاد امام می تپد و قلبی که یاد مهدی صاحب الزمان در آن جای داشته باشد دچار قساوت نمی شود و شاداب می باشد . ۲- پرهیزگار بودن با تقوا بودن انجام واجبات ، دوری از محرّمات از برکات آن می باشد .

۳- صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بعد از نماز صبح و ظهر در هر روز باعث درک ظهور امام زمان (عج) می شود .

علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب بحار الانوار روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام بیان می کند که می فرماید : من قال بعد صلاة الظهر و صلاة الفجر فی الجمعه و غیرها «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» لم یمت حتی یدرک القائم المهدی علیه السلام .

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر ، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید « اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمی میرد تا اینکه حضرت قائم مهدی علیه السلام را درک کند.<sup>۱</sup> البته روایت دیگری آن را صد مرتبه بیان کرده که اجر بیشتری دارد .

۴- چهارمین مورد ذکر صلوات بعد از نماز جمعه صلواتی است که امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود نقل فرموده است که هر کس پس از نماز جمعه هفت مرتبه گوید «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج و آل محمد» از اصحاب قائم (صلوات الله علیه) خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱- صحیفه مهدیه ، ص ۱۸۷

۲- صحیفه مهدیه ، ص ۲۵۹ به نقل از بحار الانوار

۵- خواندن سوره «اسراء» در شبهای جمعه

خواندن سوره (اسراء) در هر شب جمعه به طور مداوم انسان را موفق به درک ظهور مهدی (ارواحنا فداء) می کند.

در کتاب میکال المکارم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که امام فرموده: من قرأ سوره بنی اسرائیل فی کل ليله جمعه لم یمت حتی یدرک القائم علیه السلام و یکون من اصحابه - هرکس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمی میرد، تا اینکه امام قائم علیه السلام را درک کند و از اصحاب آن بزرگوار باشد.

۶- خواندن سوره های مسبحات است امام صادق علیه السلام می فرماید: «من قرأ بالمسبحات کلها قبل أن ینام، لم یمت حتی یدرک القائم علیه السلام و ان مات کان فی جوار النبی صلی الله علیه و آله وسلم - هرکس پیش از آن که بخوابد مسبحات را بخواند، پیش از مرگ (ظهور) حضرت مهدی صلوات الله علیه را درک می کند و اگر بمیرد در همسایگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باشد»<sup>۱</sup>.

منظور از مسبحات کدام سوره هاست؟ شیخ صدوق کفعمی در حاشیه «المصباح» و علامه مجلسی در حیلہ المتقین و فیض کاشانی در وافی این سوره ها را پنج تا هستند که عبارتند از: ۱- سوره تغابن ۲- سوره جمعه ۳- سوره صف ۴- سوره حشر ۵- سوره حدید ۶- قرائت زیارت امین الله است. امام باقر می فرماید: هیچ یک از شیعیان ما این زیارت را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیه السلام نمی خواند و دعا نمی کند مگر اینکه آن دعا و زیارت در نوشته ای از نور بالا می رود و مهر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر آن می خورد و چنین محفوظ می ماند تا به قائم آل محمد علیه السلام تسلیم

شود. آن حضرت نیز صاحب نوشته را با بشارت، تحیت و کرامت ملاقات می‌نماید ان شاء الله تعالی.<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ حشر عاملی در توضیح این روایت می‌فرماید: اگر پیش از قیام امام از دنیا رفته باشد زنده می‌شود به رجعت خبر داده است.

**امام حسن علیه السلام می‌فرماید:** طوبی لمن ادرك ايامه و سمع كل مه

خوشا به حال کسی که روزگار ظهور او (حضرت مهدی ارواحنا فداء) را درک کند و به سخنان او گوش فرا دهد.<sup>۲</sup>

بنابراین باید اعمالی که باعث ازدیاد مهر و محبت می‌شود و انسان را به آن ستاره درخشان ولایت و امامت نزدیکتر می‌کند باید انجام دهند. خود حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداء در تویح شریف به شیخ مفید می‌فرمایند فلیعمل كل امرئ منکم ما یقرب به من محبتنا ...

پس باید هر یک از شما اموری انجام دهد که به محبت ما نزدیک شود.<sup>۳</sup>

و یکی از موارد محبت به امام عصر خواستار حکومت حقه آن حضرت باشیم و بسیار دعا و تضرع از درگاه خداوند نمائیم چون محبت آن بزرگوار را نسبت به خود جلب می‌نمائیم و محبت امری طرفینی است روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد که می‌فرماید امیر المومنین فرمود: برادرم و حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند من احب أن یلقى الله عزوجل و قد کمل ایمانه و حسن اسلامه فلیتوال الحجه بن الحسن المنتظر صلوات الله علیه. هر کس دوست دارد خداوند عزوجل را در حالی ملاقات کند که دارای ایمانی

۱- الصحیفه مهدیه، ص ۷۳۰

۲- بحار الانوار ۵۲/۲۸۰، ح ۶

۳- بحار الانوار، ۱۷۶/۵۳



کامل و اسلامی نیکو باشد. پس باید محبت و ولایت (حضرت) حجت بن الحسن علیه السلام منتظر را که درود خداوند بر او باد داشته باشد.<sup>۱</sup>

یکی از وظایف مهم شیعه در دوران غیبت آن امام بزرگوار، زیاد دعا نمودن برای تعجیل فرج و ظهور امام علیه السلام می باشد. بالاترین آرزوی شیعه فرج امام است و بیشترین چیزی که امام را می آزارد، مصائب دوران غیبت می باشد. مهمترین کاری که برای تحقق این هدف می توان انجام داد. بسیار دعای فرج خواندن است و از درگاه احدیت امید است اذن ظهور امام زمان را صادر نماید تا تمامی ناراحتیهای آن امام عادل را برطرف شود که نمونه ای از امام صادق علیه السلام را درسجده می خواندند.

أسألك و یجمع ما سألتك و مالم أسألك من عظیم جلالك مالو علمته لسألتك به، أن تصلى على محمد و أهل بینه و أن تأذن لفرح من بفرجه فرج أولیائك و أصفیائك من خلقك و به تبید الظالمین و تهلكهم عجل ذك یا رب العالمین .

پروردگارا از تو می خواهم به حق همه آنچه از تو درخواست کرده ام و آنچه از تو نخواستهم ام از بزرگی و عظمت و جلال تو که اگر آنها را می دانستم به حق آنها هم از تو درخواست می کردم که بر حضرت محمد و اهل بیت او درود بفرستی و اجازه فرمایی فرج کسی را که فرج همه اولیاء و برگزیدگان از بندگانت به فرج اوست به سبب او ستمکاران را نابود می کنی و آنها را هلاک می گردانی ای پروردگار جهانیان در این امر تعجیل فرما .

پس ما باید برای ظهور آن بزرگوار بسیار دعا نمائیم و صبح و شام از خداوند متعال فرج و ظهور آن خورشید درخشان را طلب نمائیم که این زیادی نمودن فواید بسیاری دارد که صاحب کتاب مکیال المکارم نود فایده برای دعا نمودن و تعجیل ظهور امام زمان ارواحنافداه بیان نموده است که چند مورد را ذکر می کنیم :

- ۱- دعا کردن برای تعجیل فرج ، باعث زودتر واقع شدن امر ظهور می گردد.
- ۲- باعث زیاد شدن رزق و روزی می گردد ۳- مورد توجه امام واقع می گردد و آن بزرگوار در حق او دعا می کند ۴- از فتنه های آخر زمان در امان می ماند.
- ۵- باعث تشریف به دیدار آن امام بزرگ در بیداری یا خواب می شود .
- ۶- باعث خرسندی پروردگار متعال و رضایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می شود . ۷- باعث دفع بلا می گردد . ۸- پاداش خونخواهی سیدالشهداء را دارد . ۹- شفاعت حضرت فاطمه علیه السلام شامل حال اومی گردد .
- ۱۰- دین و ایمانش کامل می گردد .<sup>۱</sup>

انتظار فرج - یکی از صفات بارز دوستداران و شیفتگان خاندان پیامبر این است که صبح و شام و روز و شب منتظر فرا رسیدن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند . علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید :

### **ان محبنا ينتظر الروح و الفرج كل يوم و ليله<sup>۲</sup>**

به راستی دوستداران ما (اهل بیت) در هر روز و شب منتظر فرا رسیدن روز آسایش و فرج می باشند . همین انتظار فرج در دوران غیبت از با فضیلت ترین عبادت مومن می باشد و باعث قبولی عبادت می شود . ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند : آیا شما را به چیزی خبر ندهم که خداوند عزوجل عملی را از بندگان جز به سبب آن قبول نمی کند ؟

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می کند که فرمودند :

**ان القائم منا هو المهدی الذی یجب ان ینتظر غیبتہ و یطاع فی ظهوره**

۱- کتاب شریف المکارم ۲۰۳/۱ و ترجمه آن ، ج ۱ / ۳۵۱

۲- صحیفه مهدیه ۸۸

همانا قائم از اهل بیت، همان مهدی است که در زمان غیبتش انتظار او و در زمان ظهورش اطاعت از او واجب است.<sup>۱</sup>

مفهوم انتظار این است که شخص مؤمن باید در همه اوقات شبانه روز منتظر ظهور آن بزرگوار باشد و از ظهور ناامید نگردد. همانطوریکه آیه الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی صاحب کتاب مکیان المکارم می فرماید: این که کسی از روی نادانی و خیال بگوید آن امام بزرگوار به زودی ظهور نمی کند و یا تا صد سال دیگر ظهور نخواهد کرد، چنین سخنانی خلاف بیانات امامان است بلکه به عکس آنچه در اخبار فراوان به آن تصریح نموده اند این است که ظهور امام ناگهانی واقع خواهد شد. جناب مفضل می گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید: «زمانی که قائم علیه السلام خروج می کند کسی بر سر قبر مومن می آید و به او می گوید ای فلان! صاحب تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او ملحق شوی ملحق شو و اگر می خواهی در کرامت و نعمت پروردگارت باقی بمانی پس باقی باش.<sup>۲</sup> و آن حضرت یعنی امام صادق می فرماید هر کس دوست دارد از اصحاب (حضرت قائم علیه السلام باشد) پس باید منتظر باشد و همراه با تقوا و پرهیزگاری و محاسن اخلاق عمل کند در حالی که منتظر است، اگر در چنین حالی از دنیا رفت حضرت قائم علیه السلام بعد از او ظهور فرماید اجر و ثواب او مانند اجر کسی است که ظهور آن حضرت را درک کرده باشد پس تلاش کنید منتظر باشید.

گوارا با دبر شما ای گروه مورد رحمت واقع شده.<sup>۱</sup>

۱- بحار الانوار ۱۵۶/۵۱ صحیفه مهدیه ۸۹

۲- بحار الانوار ۹۱/۵۳، ج ۹۸

۱- بحار الانوار ۱۴۰/۵۲

### مهیا شدن دشمن امام زمان علیه السلام

شیعیان باید خود را مهیای یاری نمودن امام عصر (عج) نمایند و تمام هم و غم خود را در تهیه سلاح و اسباب لازم جهت یاری نمودن امام زمان قرار دهیم و به فکر یاری نمودن او و ضربه زدن بر پیکر دشمن امام باشیم. همانطوری که دشمن خود را جهت مقابله با امام مهدی مهیا و مسلح نموده است و آمادگی جنگیدن با امام را دارند گویا وزارت اطلاعات آمریکا پرونده ای برای امام مهدی مهیا نموده اند که تنها نقص آن تصویر امام زمان می باشد دشمن در وحشت کامل به سر می برد چون طبق تحقیق هائی که از کتابهای مختلف از جمله کتب اسلامی شیعیان نموده و اطلاعاتی بدست آورند که مهدی صاحب الزمان روزی خواهد آمد و ریشه ظلم و ستم را از زمین می کند و دین او بر تمام ادیان جهان مسلط می گردد و ظالمی بر روی زمین باقی نمی ماند و مسلمانان وارث راستی زمین خواهند شد. با این اوصاف به شدت تمام احساس خطر کرده اند و از پیش تمهیداتی فراهم نموده اند تا در مقابل امام بایستند. اما شیعیان امام هیچگونه برنامه ای برای برخورد با دشمنان دین ندارند و در آمادگی بسر نمی برند. اگر به فضل و کرم خداوند سبحان امام زمان به همین زودی و ناگهانی اذن ظهور را از خداوند گرفت ما شیعیان در قبال آن امام چه پاسخی باید بدهیم پس باید در آمادگی کامل بسر ببریم تا انشاءالله در اقدام اولیه امام مهدی (ع) بتوانیم به نحو مطلوب از وجود شریف امام زمان دفاع کنیم همانطوریکه نعمانی به سند خود از امام صادق (ع) می فرماید :

ليعدن احدكم يخرج القائم عليه السلام ولو سهما فان الله تعالى اذا علم ذلك من

نبیه رجوت ان یشی فی عمره حتی یدریکه فیکون من اعوانه وانصاره<sup>۱</sup>

هر یک از شما برای خروج از حضرت قائم (علیه السلام) سلاحی مهیا کند هر چند که یک تیر باشد، پس قطعاً خداوند متعال هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد امیدوارم عمرش را طولانی کند تا اینکه ظهور آن حضرت را درک نموده و از اعوان و انصار او باشد حضرت ابوالحسن (علیه السلام) می فرماید آیا ندانسته ای که هر کس اسبی را در انتظار امر ما، نگه دارد و به سبب آن دشمن ما را خشمگین نماید و او به ما منسوب باشد خداوند روزی او را زیاد گرداند و سینه اش را باز کند، و به آرزویش رساند و یار و ناصر او بر حجت‌هایش باشد.<sup>۲</sup>

مهمترین وظیفه شیعیان در دوران غیبت حضرت مهدی علیه اسلام انتظار پرشکوه آن امام عزیز است که ائمه اطهار علیه اسلام در این میان سخن به میان آورده اند و به خاطر اینکه با حقیقت آشنا شویم به سخنان پیامبر و ائمه اطهار علیه اسلام گوش جان می دهیم رسول خدا می فرماید احب الاعمال الی الله عزوجل انتظار الفرج<sup>۳</sup>

بهترین اعمال به سوی خدای متعال، انتظار فرج است. بلکه بهترین عمل نزد خداوند سبحان انتظار فرج حضرت بقیه الله می باشد که امام صادق می فرماید:

من دین الائمة: الورع، والعفه، والصلاح و انتظار الفرج بالصبر<sup>۴</sup>

از آئین امامان علیه السلام است: تقوا - عفت صالح و شایسته بودن و انتظار فرج

با صبر و شکیبائی

**وظیفه دوم: دعا برای ظهور مهدی صاحب الزمان**

۱- بحار الانوار ۵۲/۳۶۶، ج ۱۴۶

۲- مکیال المکارم ۲/۴۲۷

۳- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۱۳۳

۴- منتخب الاثر - ص ۴۹۸

از بهترین وظیفه هر منتظر در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام دعا به درگاه حضرت سبحان می باشد .

دعا سلاح انبیا و اولیا و معصومین (ع) است پس توصیه می گردد در تعجیل ظهور امام بسیار به درگاه خداوند و تضرع و زاری و دعا نماید تا شاید خداوند در این زمان عنایتی فرمود و اذن ظهور را صادر فرمود و خوشا به حال آن سعادت‌مندی که دوران ظهور امام زمام (ع) را درک کرده و می بیند و در رکاب آب نور چشم پیامبر یک قدم برمی دارد امام هادی علیه السلام می فرماید:

**علیکم بالدعا وانتظار الفرج<sup>۱</sup>** بر شما باد دعا و انتظار فرج

خود امام زمان علیه السلام به منتظرانش می فرماید:

اکثر والدعا بتعجیل الفرج، فان ذالک فرجکم<sup>۲</sup>

برای تعجیل در فرج و ظهور بسیار دعا کنید که همانا این کار برای خودتان گشایش خواهد بود.

امام علی (ع) می فرماید: دعا سپر مومن است و هر گاه بسیار کوبیدی به روی تو باز می شود<sup>۳</sup>

امام صادق می فرماید: دعا کن و مگو کار گذشته است و آنچه شده همان شود (دعا اثر ندارد)<sup>۴</sup>

مرحوم علامه مجلسی در شرح روایتی می فرماید: همانا دعا قضا را بر می گرداند و آن را از هم و می تابد چنانچه رشته های نخ اگر چه به سختی تابیده شده باشد از هم باز می شود .

۱- بحار الانوار ج ۵۹ - ص ۳۳۶

۲- کما لالدین - ج ۲ - ص ۴۴۱

۳- اصول کافی کتاب دعا

۴- اصول کافی - کتاب دعا - باب فضیلت و دعا - ج ۳

سعادت و خیر امور دنیا و آخرت جهان و وابسته به ظهور امام زمان ارواحنا فداء است و به همین جهت است ائمه اطهار علیه السلام ما را به این امر حیاتی و مهم دعوت نموده اند امام زمان علیه السلام در توقیعی که به اسحاق بن یعقوب فرستاده اند فرمودند: برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید که همانا فرج من، فرج و گشایش خود شماست.<sup>۱</sup>

در توقیع شریف به شیخ مفید رحمه الله علیه می فرمایند:

اگر شیعیان ما، که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موفق بدارد با دلهای متحد و یکپارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می کردند، ملاقات ما از آنها به تاخیر نمی افتاد و سعادت دیدار و مشاهده با معرفت برای آنها به زودی حاصل می شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می شدند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام درباره نقش دعا در تعجیل فرج و برای تشویق شیعیان به این امر حیاتی و مهم فرمودند: وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند، خداوند متعال به موسی و هارون علیه السلام وحی فرمودند: که آنها را از دست فرعون نجات دهند و این در حالی بود از چهار صد سال (عذاب) ۱۷۰ سال باقیمانده بود خداوند متعال به واسطه دعای بنی اسرائیل از آن ۱۷۰ سال صرفنظر نمود و امام صادق می فرماید همچنین شما (شیعیان) اگر این عمل یعنی گریه و دعا کردن برای تعجیل فرج را انجام دهی، خداوند قطعاً فرج و گشایش ما را می رساند و اگر انجام ندهید (و دست روی دست بگذارید و بی تفاوت بمانید) این امر به نهایت خود می رسد.<sup>۳</sup>

اگر مردم در زمان غیبت ما به صورت دسته جمعی توبه نموده و قصد یاری امام عصر ارواحنا فداء را نمایند امید است خداوند سبحان و رؤوف طومار غیبت را در

۱- کمال الدین - ۴۸۵/۲

۲- بحار الانوار ۱۷۶/۵۳

۳- تفسیر عیاشی ۱۵۵/۲

هم پیچیده و اذن ظهور به آن بزرگوار را صادر فرماید . امام حسن علیه السلام در عالم خواب با مکاشفه به مرحوم آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی فرمودند : در منبرها به مردم بگویید و به آنها دستور دهید توبه کنند و برای تعجیل ظهور حضرت حجت (ارواحنا فداء) دعا نماید . دعا برای آمدن آن حضرت مانده نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و انجام دادن عده ای از دیگران ساقط شود بلکه مانند نمازهای پنج گانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور آن حضرت دعا کنیم.<sup>۱</sup>

دعای مومنین هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود تاثیر به سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت . شخصی که در اثر تصادف ماشین از دو پا فلج شده و برای شفاء یافتن در مسجد جمکران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف متصل شده بود می گفت ناگاه دیدم مسجد (مقدس جمکران) نور عجیب و بوی خوشی دارد به اطراف نگاه کردم دیدم مولا حضرت علی علیه السلام حضرت سید الشهداء قمر بنی هاشم علیه السلام و امام زمان ارواحنا فداء در مسجد حضور دارد با دیدن آنها دست و پای خود را گم کردم نمی دانستم چه کنم که ناگاه آقا امام زمان ارواحنا فداء به طرف من نگاه کردند و لطف ایشان شامل حال من شد به من فرمودند شما خوب شدید بروید به دیگران بگویید برای ظهور دعا کنند که ظهور - انشاء الله - نزدیک است.<sup>۲</sup>

یکی از بزرگان در خواب دید که به محضر حضرت بقیه الله الا عظم ارواحنا فداء مشرف شد وی ضمن سوال از امام زمان علیه السلام از آن حضرت پرسید یا بن رسول الله آیا وقت ظهور رسیده است تا دیدگان همه به جمال و حضور شما روشن شود به آن حضرت فرمودند : از علائم ظهور ، فقط علائم حتمی مانده

۱- ترجمه مکیال المکارم - ۲۲۸/۱ صحیفه مهدیه ۵۱

۲- کرامات المهدی (ع) ۱۰



است و ممکن است آنها در مدت کوتاهی به وقوع بپیوندند و بر شما باد به دعای  
برای فرج.<sup>۱</sup>

### فایده دعا :

یکی از تشریف یافتگان به آستان مقدس حضرت امام زمان می گوید : در مسجد  
مقدس جمکران اعمال را به جا آورده و با همسرم می آمدم . دیدم آقای نورانی  
داخل صحن شده و قصد دارند به طرف مسجد بروند . گفتم این سید نورانی در  
این هوای گرم تابستان از راه رسیده ، تشنه است . ظرف آبی به دست او دادم .  
ظرف آب را پس داد . گفتم : آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان ارواحنا فداء را از  
خداوند بخواهید تا امر فرجش نزدیک شود ، فرمودند : شیعیان ما به اندازه آب  
خوردنی ما را نمی خواهند اگر بخواهند دعا می کنند و فرج ما می رسد.<sup>۲</sup>

و به این پیام جانسوز امام مهدی علیه السلام گوش جان می سپاریم که دل هر  
منتظری را می رباید . می فرماید هر مومنی که در مجالس سوگواری پس از ذکر  
مصائب سیدالشهداء برای من دعا کند . من برای او دعا می نمایم .<sup>۳</sup>

به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را به حق عمه ام زینب علیه السلام قسم  
دهند که فرج را نزدیک گردانند.<sup>۴</sup>

در روایتی دعا برای فرج آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف از حقوق اهل  
بیت علیه السلام بر شیعیان شمرده شده است همانطوری که امام ششم فرموده  
اند : همانا از حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از هر نماز واجب ، دست  
هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگوئید : **یا رب محمد عجل فرج آل**

۱- شیفتگان حضرت مهدی (ع) - ۱/۱۸۴

۲- شیفتگان حضرت مهدی (ع) ۱/۱۵۵

۳- میکال المکارم ۱/۳۳۳

۴- شیفتگان حضرت مهدی (ع) ۱/۲۵۱

**محمد، یا رب محمد اذفظ غیبه محمد، یا رب محمد انتقم لابنه محمد**

**علیه السلام<sup>۱</sup>**

ای پروردگار محمد! فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما، ای پروردگار محمد! محافظت کن دین را در غیبت محمد. ای پروردگار محمد! انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله وسلم را بگیر!

یکی از راههای نجات در دوران غیبت امام زمان علیه السلام دعا کردن و متوسل به درگاه خداوند شدن است که هر منتظر مهدی و شیعه ای باید دست به تضرع و زاری و دعا به درگاه خداوند سبحان رعوف نماید تا مورد لطف بی کران الهی واقع شویم همانطوری که امام عسکری علیه السلام می فرماید: سوگند به خدا - فرزندانم - دارای غیبتی خواهد بود که هیچ کس در آن دوران از هلاکت و نابودی رهایی نمی یابد مگر کسی که خداوند او را بر اعتقاد به امامت وی استوار خواهد ساخت و بردعا بر تعجیل ظهور آن حضرت توفیقش ببخشد.<sup>۲</sup>

و در روایت دیگر ام امام بزرگوار می فرماید هرگاه صبحگاهان روزی دیدند که امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم غالب گشته او را مشاهده نمی کنید پس به درگاه خداوند عزوجل استغاثه نمایید فرج و ظهور او را از خداوند بخواهید پس چه زود باشد که فرج و گشایش بر شما رخ نماید.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: یکی از شرایط پذیرش اعمال بندگان مومن را انتظار برای حکومت قائم عجل الله تعالی فرجه شریف می داند و می فرماید که هر کس دوست می دارد که از یاوران آن حضرت باشد، باید چشم به راه عدالت و ایمان اسلامی باشد و راه تقوی و پروا را بپیماید و دارای اخلاق و خوی

۱- صحیفه مهدیه ۱۹۵

۲- کمال الدین ۳۶۸/۲

۳- کمال الدین باب ۲۲ - ج ۸

پسندیده باشد چنانچه با این خصایص بمیرد، پاداش همان فردی را دارد که زمان حضرتش را دریافته و برای پیشبرد برنامه اش کوشیده است.

### « احادیث در مورد جنگ ایران و عراق »

پیامبر اسلام از حوادث آخر زمان فرموده است یکی از نشانه ها آنکه پرچم ها و لشکرهایی از خراسان می رسند و پیشروی کرده و تا در کنار دجله فرود می آید<sup>۱</sup> اما قابل ذکر است که در عملیات هور العظیم که لشکریان خراسان در کنار دجله فرود آمدند و با وضو ساخت از آب دجله تاحتند و به اهداف خود هم دست یافتند از حوادث آخر الزمان امام علی علیه السلام در خطبه ای می فرماید:

و نزلت بهمدان النور ازل فرجفت الراجف بالعراق<sup>۲</sup>

و چیزیهایی که در شهر همدان فرود می آید و سپس کشور عراق به لرزه در می آید و سخت تکان می خورد در مورد موشک باران همدان که به دنبال آن کشور عراق توسط ایران مورد تهاجم موشک ها شد در همین خطبه البیان از شهرهای طالقان - تهران - همدان - خراسان - گیلان - کرمان سخن به میان آمده است.<sup>۳</sup>

و امام علی در دو خطبه می فرماید:<sup>۴</sup> آگاه باش: ای وای بر شهر بغداد از جانب تهران بلایی که متوجه او می شود. از قتل و مرگ و ترس که شامل همه مردم عراق می گردد هرگاه جنگ در عراق واقع شود آنقدر از مردمش کشته می شود تا آنجا که خدا بخواهد و نشانه و علامت آن این است. دولت روم ضعیف می شود منظور حامیان صدام است. و عرب مسلط می گردد. منظور گروهی از آزادگان عرب است و در آن زمان ایرانیان قیام می کنند. و بصره را فتح کرده و تصاحب می نماید و آگاه ژباش وای بر مردم فلسطین از فتنه ها و جنگ ها که

۱- بشاره الاسلام ص ۱۸۳ و الملاحم و الفتنی ص ۱۱۳ و ۱۴۸

۲- الزام الناصب ج ۲ - ص ۲۲۳

۳- الزام الناصب ج ۲ - ص ۱۹۰ و ۲۲۳

۴- آینده سازان ص ۱۶۵ - ۱۶۶ و ۱۶۷

در آن واقع می شود و انسان طاقت آن را ندارد . وای بر مردم دنیا تمام کشورهای شرق و غرب و جنوب و شمال از جنگها که در آن واقع می شود. آگاه باش در آن زمان گروهی گروه دیگر را مستمره می کنند و بکار می گیرند و همواره جنگ در میان آنها خواهد بود و اینها همه نتیجه جنایات و اعمال خودشان است زیرا خدا به بندگانش ظلم روا نمی دارد.<sup>۱</sup>

در مورد آسیب پذیری شهر بغداد امام علی می فرماید : که از فرزندان تهران (ری) بلاهائی به بغداد فرود می آید که مرگ و کشته شدن و ترس به همراه دارد. در مورد دشمنی شهر بغداد نسبت به شیعیان از معصومین علیه السلام روایاتی شده است از جمله: و از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید: شهری در آخر الزمان نوسازی می شود به نام بغداد که شفای دل خود ریختن خون ما و شیعیان ما می دانند و با بغض و عداوت بنا ما به ستمگران دنیا نزدیک می شود. و در دشمنی با ما دوستی های خود را تحقق می بخشد و جنگ با ما و شیعیان ما را واجب می دانند و کشتن شیعیان ما را یک امر ضروری می پندارند.<sup>۲</sup>

### « علائم ظهور »

علائم حتمی ظهور اتمام زمان علیه السلام که تا واقع شدنی است .

۱- خروج یمانی (سرداری از یمن)

۲- قتل نفس زکیه (سید حسن) میان رکن و مقام در کعبه معظمه

۳- خسف در بیداء نابود شدن لشکری و فرو رفتن آن در زمین ، در جایی به نام

بیداء میان مکه و مدینه .

۱- الزام الناصب ج ۲ - ص ۳۸۰

۲- بحار الانوار ج ۵۷ - ص ۲۰۶

۴- خروج سفیانی ( قیام و لشکرکشی مردی ملعون که نسبت او به اولاد ابوسفیان می رسد )

۵- صیحه آسمانی

از روایات کاملاً می توان استفاده کرد که علائم حتمیه باید رخ دهد و قبل از این پنج علامت اگر کسی ادعای مهدویت نماید باطل است - و علم به وقوع زمان ظهور را ائمه علیه السلام مانند علم به زمان وقع قیامت می دانند و آن علم را خاص خداوند دانسته اند .

از روایات روشن است که عمر مبارک امام عصر علیه السلام طولانی است و مدت معین و زمان غیبت و زمان ظهور معین نشده است بلکه باید جداً از تعیین وقت منع و جلوگیری شود و تعیین وقت از راویش و یا مدعیان علوم غریبه مخالف دستورات اسلام است .<sup>۱</sup>

پس ما باید منتظر علائم حتمی باشیم سپس ظهور و فرج امام با پیدا شدن اولین علامت از علائم حتمی بقیه علامتها پیایی خواهند آمد و تا رسیدن فرج امام علیه السلام فاصله چندان نیست در مورد قتل زکیه شیخ مقید از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود : (فاصله قتل نفس زکیه و قیام قائم ، بیش از ۱۵ شب نخواهد بود)<sup>۲</sup>

امام عصر جل الله تعالی می فرماید : « اما ظهور الفرج فانه الی الله و کذب الوقاتون »<sup>۳</sup>

« زمان ظهور مربوط به خداوند است و هر کسی زمان آن را معین کند ، دروغ گفته است »

۱- بیان الفرقان - ج ۵ - ص ۲۱۷

۲- الارشاد - ص ۳۶۰

۳- بحار انوار - ج ۵۳ - ص ۱۸۱

امام صادق علیه السلام علامات ظهور را چنین توصیف می نماید می فرماید: از علامات مسلم صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی، قتل نفس زکیه .. است.

وضعیت نظامی جهان امروز به گونه ای است که ۵۰ سال قبل تا کنون حکومت غاصب و خونخوار سهیونیست می پردازد و نه صغیر و کبیر رحم می کند و روز به روز وضع ثروتمندان جهان دنبال اشغالگری اند بدتر می شود که پیامبر در این مورد می فرماید: «لا یأتی علیکم زمان الا الذی بعده شرمه» «هیچ زمانی پیش نمی آید جز اینکه زمان بعدی بدتر از آن است» در بررسی کتب تاریخی به این نتیجه می رسیم که نقطه شروع ظلم و ستم و بیدادگری و از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آغاز شده و تا کنون ادامه دارد. یعنی وقتی پیامبر به سوی خداوند سبحان پر گشود و جسد مطهر و پاکش هنوز روی زمین بود و امام علی علیه السلام در حال غسل دادن آن بود که شورای سقیفه بنی ساعده تشکیل شد و ریشه تمامی انحرافات پایه ریزی شد و خلافت و حکومت داری از جانشین به حق پیامبر و منتصب به حق خداوند غصب نمودند و به نیتی که می توانند انوار الهی را خاموش کنند ولی، که خداوند سبحان پیش از بدو خلقت کره زمین حکمتش به این تعلق گرفته است که این انوار یعنی ائمه اطهار علیه السلام باید بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم راهنمای به حق انسانها باشند و آخر حکومت زمین از آن اولاد پیامبر است و ریشه کفر و الحاد و ظلم و بی عدالتی ها بدست فرزند فاطمه زهرا (مهدی موعود) کنده خواهد شد و حکومتی عادل و زیبا بر جهان حاکم خواهد شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می فرماید: آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دنبال دارد و به دنبال آن قسطنطنیه (استانبول) فتح می شود و فتح قسطنطنیه خروج دجال را به دنبال دارد»

و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی فرموده « منتظر نشانه‌های پیاپی بسان دانه های تسبیح باشید تا نخستین آنها صاعقه های آسمانی است <sup>۱</sup>

پیامبر فرمود: « و اذا ترکتم السنه ظهرت البدعه و ارتقبر عند ذلک ریحاً حمراء اوحسفاً اومسخاً اوظهور العدو علیکم ثم لاتنصرون <sup>۲</sup>

«هنگامی که سنت را ترک کنید . بدعت ظاهر می شود . در چنین زمانی منتظر بادهای سرخ ، خسف ، مسخ و غلبه دشمن باشید که آنگاه به شما یاری نخواهد شد »

پیامبر فرمود « کفار شما را نمی کشد بلکه همسایه ، همسایه را می کشد . برادر برادرش را و پسر عمو پسر عمویش را می کشد » بعضی از یاران پیامبر عرض کردند مگر عقل ندارند پیامبر فرمود : در عقل از بیشتر آنها گرفته می شود و از افراد پست و فرومایه ای بر آنها حکومت می کند که بیشترشان آنها را چیزی می پندارند .»

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : در پیشقدم حضرت قائم مرگ سرخ و سفید است و ملخهایی سرخ فام به رنگ خون در فصل ملخ و در بیرون از فصل آن وجود دارند . مرگ سرخ کشت و کشتار است و مرگ سفید طاعون است. <sup>۳</sup>

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام علامات ظهور را به این گونه شرح می دهد . فرمود : برای ظهور او یعنی امام زمان علیه السلام ۱۰ علامت است ؛ گشودن زاویه کوچه های کوفه ، تعطیل شدن مساجد ، بسته شدن راه حج ، خسف ( زیر آوار رفتن ) و قزف (بمباران ) در خراسان ، طلوع ستاره دنباله دار ، تراکم ستارگان ، فتنه و فساد ، سرگردانی و سردرگمی ، کشت و کشتار و غارت و

۱- نهج الفصاحه - ج ۲ - ص ۲۷۲

۲- بحار الانوار - ج ۵۱ - ص ۷۰

۳- غیبت نعمانی - ص ۱۴۸

چپاول از هر نشانه ای تا نشانه های دیگر شگفتیهاست . چون نشانه ها تحقق یابد ، قائم ما قیام می کند . خوش به حال اهل ولایت ما که در راه ماکشته می شوند و به سبب ما کنار زده می شوند . آنها گنجینه های خداوند تبارک و تعالی در روی زمین هستند . آنها در روز قیامت از فزع اکبر در امانند و بر آنها باکی نیست.<sup>۱</sup>

از امام محمد باقر علیه السلام در مورد علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام سوال شد . و امام فرمود : در هنگامی که مردها مانند زنان و زنان شبیه مردان گردند ، مردان به مردها و زنان به زنهای اکتفا کنند و زنهای بر زینها سوار شوند شهادتهای ناحق مقبول و گواهی عادل رد شود ، مردم ریختن خون یکدیگر و عمل زنا و خوردن ربا را آسان شمارند و از اشرار بواسطه ترس از زبانشان ملاحظه شود و هنگامی که سفیانی از شام و شخص یمنی از یمن خروج کنند . فرو رفتگی در بیدا ، پدید آید ، جوانی پاک سیرت ( همان نفس زکیه ) از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بین رکن و مقام بنام محمد بن حسن به قتل رسد و صدایی از آسمان بیاید که حق در پیروی از قائم و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم و شیعیان اوست در آن زمان قائم ما قیام می کند در هنگام ظهور به مکه تکیه زده و سیصد و سیزده مرد در اطراف او جمع شوند .

و اولین سخنی که می فرماید : آیه شریفه « بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین » است . سپس می فرماید : انا بقیه الله فی ارضه .

آنچه از روایات بدست می آید و می توان نتیجه ای گرفت این است که قبل از ظهور مهدی ( موعود ) اتفاقیهای عجیبی رخ می دهد و جهان شاهد درگیری بزرگ نظامی خواهد شد که طی این جنگ جهانی یک سوم جمعیت دنیا از بین



می رود و بیماری طاعون را به دنبال دارد که یک سوم دیگر از مردم جهان فنا می شوند. امام علی علیه السلام در حدیثی که تأیید این جملات است می فرماید:

**« لا یخرج المهدی حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یبقی ثلث »**

« مهدی قیام نخواهد کرد تا اینکه یک سوم مردم کشته شوند ، یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بماند .<sup>۱</sup>

امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف در مورد نشانه های ظهورش می فرماید « علاقه ظهور امری کثره الهرج و المرج و الفتن » « از نشانه های ظهور من کثرت هرج و مرج و فتنه و آشوب است »<sup>۲</sup>

از نشانه های حتمی ظهور یکی وجود سفیانی است اما خصوصیات سفیانه که چگونه آدمی است .

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید : « سفیانی شرح رویی است سفید و سرخ و چشم کبود که هرگز خدا را نپرستید . نه مکه را دیده و نه مدینه و او می گوید ! پروردگارا خونم را از مردم می ستانم هر چند که به آتش روم ، خونم را می ستانم هر چند که به آتش روم.<sup>۳</sup>

و آن حضرت می فرماید : سفیانی و قائم در یک سال خواهند بود .

و پیامبر در حدیثی می فرماید : «عیسی علیه السلام در گردنه ای به نام «افیق» در سرزمین مقدس فرود می آید و وارد بیت المقدس می شود . در حالیکه مردم برای نماز صبح صف کشیده اند . پس امام زمان علیه السلام عقب می رود ولی عیسی علیه السلام او را جلو می اندازد و به خود او اقتدا م کند . پشت سرش طبق شریعت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نماز می خواند و می فرماید : شما اهل بیتی هستید که احدی نمی تواند بر شما پیشی بگیرد »

۱- عقد الدار - ص ۶۳

۲- بحار الانوار - ج ۵۱ - ص ۳۲۰

۳- غیبت نعمانی - ص ۱۶۴

در حدیث دیگر پیامبر به وضوح سخن می گوید و می فرماید: در چنین حالی حضرت عیسی علیه السلام در شرق دمشق در نزد مناره سفید میان دو ابر رنگین در حالیکه دو دست خود از روی بالهای دو فرشته نهاده، فرود می آید چون سرش را پایین بیندازد آب از آن می چکد وقتی سرش را بلند کند قطره های عرق چون دانه های لؤلؤ از سر و روی مبارکش می ریزد. بوی نفس او به هر کسی از (کفار) برسد نابود می شود و این بو تا مقدار دید او پیش می رود. دجال را دنبال می کند و در باب لد به او رسیده و او را هلاک می کند.<sup>۱</sup>

### اما پرچمهایی که به اهتزاز در می آید:

پیامبر(ص) در مورد این پرچمها فرمود: «در آن هنگام سه پرچم در شام به اهتزاز در می آید که پرچمهای سفیانی اصهب و ابقع است. مردم شام زیر این سه پرچم نبرد می کنند، اینطوری که می توان نتیجه گرفت مقارن ظهور امام زمان علیه السلام سفیانی و اصهب و ابقع هم ظاهر می شوند و زمان خروج سفیانی تا روزی که نابود می گردد چهارده ماه طول می کشد و از اهل بیت نقل شده است که ابقع در مصر خروج می کند و اصهب کافر قیام نمی کند مگر به هنگام شدت یافتن فتنه ها و کثرت حوادث و فجایع. پیغمبر می فرماید: پرچمهای سیاهی از شرق زمین به اهتزاز در می آید که با مردی از اولاد ابوسفیان می جنگد و زمینه فرمانداری از مهدی را فراهم می آورد. و پرچمهای سیاهی از خراسان ظاهر می شود که در کنار دجله فرود می آید.<sup>۲</sup>

۱- روزگار رهایی - ج ۱ - ص ۵۵۲

۲- بشاره الاسلام - ص ۱۷۵

هنگاهی که مهدی ظهور کند پرچمهای سیاهی از خراسان در کوفه فرود می‌آیند که این پرچمها برای بیعت به حضورایشان گسیل می‌شود.<sup>۱</sup> و در پیشاپیش این پرچمها مردی به نام تمیم بن صالح حرکت می‌کند.<sup>۲</sup>

پرچمهایی از مشرق بر می‌خیزد که مردی از تمیم بنام شعیب بن صالح آنها را رهبری می‌کند و آنچه از اسیران کوفه در دستشان باشد می‌گیرد، و طعمه شمشیری می‌سازد. حضرت علی می‌فرماید: به زودی عجمها برای بازگشت شما به دینتان خواهند جنگید، چنانکه برای پذیرش اولیه اسلام با آنها جنگیدید. خداوند دستهای شما را از آنها پر می‌کند و آنها شیران ژیبانی می‌شوند که هرگز از برابر شما نمی‌گریزند و گردنهای شما را می‌زنند و ثروت‌های شما را تحت سیطره خود در می‌آورند.

### « خروج سفیانی »

از رسول خدا نقل شده است که فرمود: « مردی از قریش خروج می‌کند که دایه‌های او از قبیله کلب می‌باشند همانطوری که مستحضرید میسون همسر معاویه ملعون از قبیله کلب بود و همه دارای دینی نصرانی بودند پس دایه‌های یزید از قبیله کلب است .

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: « پسر هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان یابس بیرون می‌آید. او مردی متوسط قامت، دارای صورتی وحشتناک و سری ضخیم است و چهره اش آبله دارد او از فرزندان ابوسفیان است .

۱- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۶۷

۲- بشاره الاسلام - ص

اما خصلتهای زشت و زننده سفیانی به قول امام علی علیه السلام که می‌فرماید:  
 « هرکس نامش محمد - علی - فاطمه - حسن - حسین - جعفر - موسی -  
 فاطمه - زینب - مریم - خدیجه - سکینه - رقیه باشد سفیانی از رومی دشمنی با  
 آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم آنها را از دم شمشیر می‌گذراند . سفیانی  
 شکم زنان حامله بی‌گناه را در کوچه و بازار پاره می‌کند و جنینهای آنان سقط  
 می‌شود »

در مورد سلطنت سفیانی از امام صادق سوال شد که فرمود ( هشت ماه بدون یک  
 روز زیادت‌تر حکومت می‌کند .

امام محمد باقر می‌فرماید خروج سفیانی حتمی است سفیانی روز جمعه خروج  
 می‌کند و بر فراز منبر دمشق رفته و از مردم بیعت می‌گیرد که هرگز به او  
 مخالفت نکنند .

امام محمد باقر علیه السلام در مورد اختلاف عربها می‌فرماید : « آری سایه  
 سنگین و شوم اختلاف بر همه سرزمینهای عرب سنگینی می‌کند و ترکها از  
 شرق و غرب اسلحه بدست گرفته و به منطقه بیروت می‌آیند و حضور خود را  
 اعلام می‌دارند . رومیان (یهود) در رمله فرود آمده و اقامت می‌گزینند »<sup>۱</sup>  
 و در مرو سقوط سختی از مسجد اموی : نشانه خروج سفیانی این است که  
 خسفی در سمت غربی مسجد دمشق بوجود می‌آید و دیوار مسجد فرو می‌ریزد  
 و زلزله ای رخ داده و قریه ای بنام جابیه در جنوب دمشق خسف می‌شود این امر  
 پس از خروج مغربی و سپاهیان آنها از شام اتفاق می‌افتد.<sup>۲</sup>

نام سفیانی عثمان بن عنبسه است از تیره کلب از تبار ابوسفیان است .

۱ - بحار الانوار ج ۵۲ - ص ۲۱۲

۲ - بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۳۷

پیامبر بزرگ اسلام در مورد سفیان ملعون می فرماید : شرورترین و ستمگرترین مردم که بسیار زشتخو و سنگدل است ، سفیانی می باشد که از همه اقطار و اکناف جهان اسلام برای مقابله با او و سپاهیان خون آشامش گرد می آیند و او همه را از دم شمشیر می گذراند . او در جنگهای خود شعاری می دهد که همه جا طنین انداز است .

یا رب ثاری ثم النار . خدایا اول انتقام و سپس آتش دوزخ .<sup>۱</sup>

اما جعفر صادق می فرماید : سفیانی لشکری آراسته را به سوی کوفه می فرستد در آنجا با گروهی از شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم درگیر شده ، آنان را می کشند و به دارمی آویزند . انگاه پرچم سید خراسانی از سوی خراسان حرکت می کند و در کنار دجله نصب می شود . مرد ناتوانی از ایرانیان خروج می کند که خود و یارانش در پشت کوفه به قتل می رسند.<sup>۲</sup>

ناتوانی مرد از این جهت است که از نظر نفرات و ساز و برگ نظامی در برابر سپاه سفیانی بسیار کم بوده است و حرکت فوق الذکر و پیش از ورود سپاه سید خراسانی به عراق می باشد . که امام علی علیه السلام در زمینه این واقعه می فرماید : « سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید بی گمان این حوادث روی خواهد داد . گویی من با گوش خود بانگ رجز خوانی سپاهیان و شیعه اسبهایشان را می شنوم به خدا سوگند آنگاه که دو سپاه در آویزند و شهرها تسخیر شود آنچه در دست سفیانی و سپاهش باشد ذوب می شود چنانکه فلزات در آتش ذوب می شوند.<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۴۹

۲- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۱۳

۳- بشاره الاسلام - ص ۶۳

آقا امیر المومنین با اطمینان کامل به فرمایشات خود ادامه می‌دهد و می‌فرماید هنگامی که سپاهیان سفیانی بسوی کوفه عزیمت می‌کنند و سفیانی گروهی را به جستجوی اهل خراسان می‌فرستد که برای یاری حضرت مهدی علیه السلام خروج کرده اند سپاه سفیانی را در دروازه اصطخر با سپاه سید خراسانی روبرو می‌شود. مردی به نام شعیب بن صالح پرچمدار خراسانی هاست و پرچمهای سیاهی در سپاه خراسانی دیده می‌شود. پس از نبرد سختی که میان آن دو صورت می‌گیرد، سرانجام صاحبان پرچمهای سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی پا به فرار می‌گذارند.

امام باقر علیه السلام به جابر می‌فرماید: «ای جابر در آن سال در هر نقطه‌ای از مغرب زمین کشمکش زیادی روی می‌دهد و نخستین سرزمینی که در آنجا خراب می‌شود شام است. در شام سه پرچم مختلف با هم به کشمکش می‌پردازند. یکی پرچمی به رنگ سرخ و سفید، دیگری سیاه و سفید و سومی پرچم سفیانی است لشکر سفیانی پس از تار و مار سپاهیان آن دو از شام گذشته به قرقیسا می‌رسد. و در آنجا یکصد هزار نفر از ستمگران را می‌کشد. سپس لشکر هفتاد هزار نفری به کوفه می‌فرستد و آنان را می‌کشد یا دار می‌زند و یا اسیر می‌کند. در آن هنگام چند لشکر از خراسان حرکت کرده و به سرعت برق منازل میان راه را طی می‌کند که چند نفر از یاران قائم در میان آنها به چشم می‌خورد. مردی از غلامان اهل کوفه با گروه ضعیفی قیام می‌کنند ولی سفیانی او را بین جیره و کوفه به قتل می‌رساند آنگاه سفیانی لشکری به مدینه می‌فرستد و مهدی از مدینه به مکه می‌رود و همچون موسی بن عمران وارد مکه می‌شود.

چون خبر به لشکر سفیانی می‌رسد آن حضرت به مکه رفته. و سفیانی لشکری را به دنبال او می‌فرستد و آن لشکر در بیابان بیداء فرود می‌آید. آنگاه منادی از

آسمان ندا می زند که ای بیداء این قوم را نابودگردان . سپس با این صدا زمین آنها را در کام خود فرو می برد . تنها سه نفر از آنها باقی می ماند که خداوند صورتهای آنها را به عقب بر می گرداند و آن سه از قبیله کلب می باشند.

آن روز قائم در مکه است و تکه به خانه خدا می دهد و در حالیکه به آن پناه برده می فرماید : ما از خدا و هرکس که دعوت ما را بپذیرد استمداد می کنیم من از خانواده محمد (ص) پیغمبر شما هستم و ما هر از کس به خدا و محمد صلی الله علیه و آله وسلم نزدیکتریم . هر کس می خواهد درباره آدم با من گفتگو کند بداند که من از هرکس به خدا و محمد صلی الله علیه و آله وسلم نزدیکتریم . هرکس می خواهد درباره آدم با من گفتگو کند بداند که من از هرکس به آدم نزدیکترم و خود را با تشبیه به پیامبران معرفی می نماید آنگاه سیصد و سیزده نفر از یاران نزد او گرد می آیند و با مهدی میان رکن و مقام بیعت می کنند در صورتیکه عهدنامه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را که به ارث برده همراه دارد و خداوند کار قائم را در یک شب اصلاح می کند .<sup>۱</sup>

سفیانی کشت و کشتار عجیبی به راه می اندازد . تا اینکه خداوند او را به دست مهدی صاحب الزمان نابود می گرداند . امام صادق علیه السلام می فرماید : جنگ سختی روی می دهد که در آن سپاه سفیانی نابود می شود فقط جمعیت کمی باقی می ماند که همراه او فرار می کنند . آنگاه یکی از فرماندهان حضرت مهدی بنام صیاح او را دنبال کرده و دستگیر می نماید و هنگام نماز عشا به پیشگاه آن می آورد . مهدی از یارانش درباره حق او نظر خواهی می کند و یارانش به کشتن او نظر می دهند . سپس او را به زیر درخت پرباری برده و چون گوسفند سر می برند.<sup>۲</sup>

۱- مهدی موعود - ص ۱۰۲۰ - ۱۰۱۸

۲- اسرار آفرینش اهل بیت - ص ۳۹۱

### واقعه ای که آمریکائیه‌ها در انتظارش وقوعش هستند

طبق یک بررسی انجام شده از مؤسسه «تلسن» که در اکتبر ۱۹۸۵ میلادی نشر یافته است شاهد و نشانگر این است که حدود ۶۱ میلیون آمریکائی در انتظار واقعه (آرماگردون) می‌باشند و تحقیقات این مؤسسه دینی آمریکایی تأکید بر این دارد که سپاهی از عراق به سوی قدس حرکت می‌کند و بنا به پیشگویی از قیام از نظامیانی از عراق - لیبی - ایران - سودان - قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می‌شوند و آمریکائیه‌ها آمادگی خود را حفظ نموده‌اند و مدارس انجیلی آمریکا از آرما گردون این برداشت را نموده‌اند که حادثه ای عظیم است که بازگشت درباره مسیر را به زمین ممکن می‌سازد.

واقعه آرماگردون به قرقیسیا اطلاق می‌شود آرماگردون همان حادثه عظیمی است که پیش از ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق می‌افتد و همان اتفاق عظیمی است که ائمه اطهار علیه السلام نام آن را قرقیسیا نهاده‌اند طبق روایت ائمه علیه السلام میلیون‌ها نظامی از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دول مغرب عربی به اضافه سربازانی از شام شامل کشورهای روسیه، اردن، لبنان، فلسطین، اسرائیل همگی در ناحیه ای از این محدوده تحت عنوان قرقیسیا با یکدیگر برخورد می‌کنند و پس از حصول درگیری سفیانی است که پیروز میدان می‌شوند. از امام محمد باقر در صحیفه میسر نقل شده است: که فرمود ای میسر از اینجا تا قرقیسیا چقدر راه است: عرض کردم همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد. پس فرمود: اما در این ناحیه واقعه ای اتفاق خواهد افتاد. سفره ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می‌شوند.<sup>۱</sup>

حادثه قرقیسیا پیش از ظهور امام زمان اتفاق می‌افتد و خروج سفیانی از علائم حتمیه ظهور آقا امام زمان است. چون پس از حادثه قرقیسیا امام زمان



علیه السلام با سفیانی برخورد می کنند و او را شکست داده و به اقدامات بعدی می پردازد .

### « خروج دجال »

یکی از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج دجال و کشته شدن او به دست حضرت بقیه الله و رجعت امیر المومنین است از کتاب کمال الدین صدوقی علیه الرحمه است نزال ابن سیره روایت کرده که علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه می خواند و محمد و ثنای خدا گفت و پس از آن سه مرثیه فرمود : سلونی قبل ان تفعدونی یعنی هر چه می خواهید از من پرسید پیش از آنکه مرا نیابید . در این وقت مردی به نام صعصعه ابن صوحان از جا برخاست و گفت یا امیر المومنین دجال کی خواهد آمد آن حضرت فرمود بنشین خداوند سخن تو را شنید و دانست که مقصود تو چیست ( گویا مقصود او در آن بوده که بفهمد حضرت قائم عجل الله فرجه شریف چه زمان ظهور می کند چون معلوم بود که هر وقت رجال بیاید آن حضرت هم ظاهر می شود و کشتن رجال به دست آن حضرت خواهد بود و چون زمان ظهور امام را کسی غیر از خدا نمی داند لذا حضرت امیر علیه السلام فرمودند به خدا قسم یاد می کنم در این باره سائل و مسئول ( یعنی تو و من ) یکسان هستیم لیکن در آن علاماتی هست که مانند آثار پا که پشت سر هم به زمین گذارده می شود آن علامات پی در پی ظاهر می شود اگر خواسته باشی به تو خبر دهم گفت آری یا امیر المومنین آن حضرت فرمود حفظ کن و یاد بگیر .

آن علامتها این است زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفت را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و امارتهای محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند و کار را به مردمان سفیه و نادان بگذارند و با

زنان مشورت کنند و قطع رابطه و احسان از خویشاوندان کنند و به دلخواه و خواهش نفسانی راه پیدا کنند و خونریزی یعنی (قتل) را آسان و بی اهمیت بدانند و حلم در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و ظلم و ستم فخر آنها باشد امرا و فاجر و وزرا ظالم و کسانی که متکفل امور و دستجات و جمعیت مردم از طرف راست می شوند . خیانکار باشند و قاریان قرآن فاسق باشند و شهادتهای باطل و دروغ ظاهر گردد و زنا کردند و تهمت زدند و گناه علنی شود و قرآنها را زینت کنند و مسجد ها را رنگ آمیزی و نقاشی نمایند و مناره ها را بلند سازند و مردمان شریر را احترام کنند و صفهای دارای جمعیت زیاد باشند ولی دلها از هم پراکنده باشد و عهد و پیمانها شکسته شود و آنچه وعده داده شده بود نزدیک شود و زنها از جهت طمع به مال دنیا با شوهران خود در تجارت شرکت کنند و صدای فاسقان بلند شود و سخن ایشان را مردم قبول کنند و پست ترین مردم رئیس آنها گردد و مردم از جهت ترس از فاسقان تقیه و ملاحظه کند و دروغگویان را تصدیق کنند و خائنان را امین قرار دهند و اسباب نوازندگی را برای خود بگیرند و آخر این امت مردمان اول امت را لعنت کنند و زنها بر زینها سوار شوند و زنان خود را شبیه به مردان و مردان خود را شبیه زنان کنند و شهادت دهند بدون آنکه از آنها شهادت خواسته شود بهترین جاها برای مسکن گرفتن در آن زمان بیت المقدس است زمانی به خلدیق می رسد که آرزو می کنند ای کاش ما در بیت المقدس ساکن بودیم پس اصبع ابن نباته برخاست و گفت : یا امیر المومنین دجال کیست . آن حضرت فرمود صائد ابن صید است و شقی کسی است که او را تصدیق کند .

و اهل سعادت کسی است که او را تکذیب کند خروج می کند از شهری که آن را اصیبهان می گویند و از دهی که معروف به یهودیه است دجال چشم راست ندارد و چشم دیگرش در پیشانی می باشد و مانند ستاره صبح می درخشد و در آن

چشم پاره گوشتی است که گویا با خون آمیخته است و میان دو چشمش نوشته شده است ، کافر به طوری که هر بی سواد و باسوادی آن را می خواند به دریا ها داخل می شود و آفتاب با اوسیر می کند و در پیش روی او کوهی از دور دست و عقب سرش مردمان کوه سفیدی می بینند و گمان می کنند که نان است ( یعنی به سحر چنین به مردم نشان می دهند ) در ایام قحط سالی سختی خروج می کند و به الاغی سفید رنگ سوار است زمین زیر پای او پیچیده می شود و از منزلگاهی به منزلگاهی دیگر می رسد به هیچ چشمه آبی نمی رسد مگر آن چشمه خشک شود و تا روز قیامت خشک می ماند به صدای بلند صدا می زند به طوری که جن و انس و شیاطین که در مغرب هستند صدایش را می شنوند (ممکن است با وسایلی که امروز پیدا شده صدایش به شرق و مغرب می رسد ) می گوید ای دوستان من به سوی من بیاید منم آن خدایی که خلق کردم و شما انسانی نیکو آفریده ام و منم آنکسی که تقدیر امور خلدایق کرده و هدایت نمودم منم پروردگار اعلائی شما ، و این دشمن خدا دروغ می گوید زیر او گور و یک چشمی است و جسم است که طعام می خورد در بازارها به صورت خلایق راه می رود خدای شما یک چشمی نیست نمی خورد و راه نمی رود ؟، نمی میرد ، آگاه باشید اگر تابعین او در آن روز اولاد ، زنا و صاحب طیلسان سبز می باشد . در مجمع البحرین است که طیلسان لباسی است که تمام بدن را فرا می گیرد و دوختنی ندارد ) و خدای عزوجل در بالای تل شهرشام که معروف به تل افیق است ، سه ساعت از روز جمعه گذشته بدست کسی که عیسی بن مریم عقب سر او نماز می خواند اینجا بدست حضرت حجت زمان به قتل می رساند آگاه باشید بعد از آن تامه کبری (یعنی واقعه بزرگ ) واقع می شود .

گفتم یا امیر المومنین آن واقعه بزرگ چیست ، فرمود خروج دابته الارض است از زمین صفا در مکه ( معظمه ) عصای موسی و انگشتر سلیمان نزد او می باشد

(گویا مقصود رجعت و برگشت امیر المومنین است که به دنیا بر می گردد) انگشتر را بر هر مومن می گذارد نقش می بندد و هذا مومن حقا (یعنی این شخص از روی حقیقت دارای ایمان است و بر روی هر کافر می گذارد نقش می گیرد هذا کافر حقا (یعنی این شخص کافر حقیقی است)

### « مرگ عبدالله »

از کتاب غیبت شیخ طوسی است که حضرت صادق علیه السلام فرموده است هر کس برای من ضمانت کند مردن عبدالله را من برای او ضمانت می کنم قائم را و هرگاه عبدالله بمیرد دیگر مردم بر سر کسی اجتماع نمی کنند و این امر (یعنی سلطنت) بکسی قرار نمی گیرد مگر به صاحب شما انشاء الله و بعد از آن پادشاهی سالها از بین می رود و به سلطنت ماه و روز تبدیل می شود . گفتم آیا آن زمان به طول می کشد و فرمود نه .

### « علائم ظهور از ( شهرقم ) »

امام محمدباقر (ع) می فرماید : روزی پیامبر اکرم در جمع اصحابش که در حالیکه نعلین حضرت پاره شده بود به علی علیه السلام داد تا اصلاحش نماید در این حال فرمود :

گروهی از ما در اطراف راست عرش خدا بر منبرهائی از نور قرار دارند که صورتهایشان نورانی و لباسهایشان نورانی و لباسهایشان نیز نورانی است و نور چهره شان چشم بینندگان را خیره می کند .

ابوبکر و زبیر و عبدالرحمن سؤال کردند اینها چه کسانی هستند ؟ رسول اکرم سکوت کرد . سپس امام علی علیه السلام فرمود : یا رسول الله اینها چه کسانی هستند ، فرمود آنها کسانی می باشند که بواسطه روح الله دوست هم می گردند،

و متحد می شوند . بدون اینکه اغراض مادی یا خویشاوندی داشته باشند و آنان شیعیان تو هستند و تو یا علی امام آنهائی .<sup>۱</sup>

در وایتی دیگر آمده است که رهبر آن قیام پیروز قم از اولاد علی علیه السلام است .<sup>۲</sup>

به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در شب معراج فرمودند : و خراب البصره علی یدی رجل من ذریته و یتبعه الزنوج<sup>۳</sup>

در آخر الزمان شهر بصره با دستان مردی از فرزندان تو ویران می شود که عاشقان فراوان از او اطاعت می کنند .

امام موسی بن جعفر علیه السلام در زمینه رهبری اسلام از قم و اشاره ای است به پیروزی انقلاب به دست امام خمینی (ره) است . امام می فرماید : شخصی از اهل قم مردم را به حق می خواند و در اطراف او کسانی جمع می شوند که چونان قطعه های آهن مقاومت از جنگ خسته نمی شوند ، و نمی ترسند و هیچ باد سرکش تندی آنها را تکان آنها را تکان نمی دهد و به خدا توکل می کنند و عاقب از آن متقین است .<sup>۴</sup>

توسط یکی از استایده نقل شده است که شهید آیت الله صدوقی در ملاقاتی به خدمت امام خمینی (ره) گفت : آقا این روح الله که در حدیث ( تحابوا بروح الله ) وجود دارد . شما هستید ؟ زیرا امروز تمام اقشار مردم بواسطه رهبری و دوستی شما متحد شدند امام (ره) با لبخندی گذشت .

۱- بحار الانوار - ج ۶۸ - ص ۱۳۹

۲- الزام الناصب - ج ۲

۳- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۷۸

۴- بحار الانوار - ج ۵۷ - ص ۲۱۶

اما قابل ذکر است که حکومت شاه و اداره ثبت احوال قم و تهران نام مقدس روح الله را برای فرزندان را برای فرزندان مردم ثبت نمی کردند. زیرا ممنوع بود.

در زمینه انزوای اسلام در ایران خبر داده شده از طرف امام علی علیه السلام که مرد مازندرانی احکام و سنت رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم را تغییر می دهد و الگوی لباس را عوض می کند.

و با مظاهر دین مبارزه می کند. آقا امیر المومنین فرموده که از نشانه های ظهور امام زمان در آخر زمان حکومت مردی از مازنداران ایران است که الگوی لباس را تغییر می دهد و شکل لباسهای اسلامی را به لباسهای غیر اسلامی تبدیل می کند. (منظور رضاشاه است)

قابل توضیح است که رضا شاه خائن از قصبه «آلاشت» مازندران است که با حمایت انگلیسی ها با کودتا به قدرت رسید. چادر زنان را گرفت، در رواج بی حجابی تلاش فراوانی نمود، عمامه را از سر علماء ایران برداشت. کلاه را از سر مردان با زور برداشت، حسینیه ها را تعطیل کرد و اسلام دوران پرخطر و حاد و سختی را پشت سر گذاشت که مورد لعنت خداوند قرار گیرد. انشاء الله امام صادق علیه السلام در مورد انقلاب اسلامی ایران و نابودی شاه خائن می فرمود:

و ينقلب ملك العجم في محرم بسفك الدماء حتى يفرملك العجم لئلا يأخذه الناس ثم يموت عمأ<sup>۱</sup>

و سرزمین ایران به خاطر خونهایی که دو ماه محرم ریخته می شود، دچار تحولات سخت می گردد. تا آنکه پادشاه ایران برای آنکه مردم او را دستگیر نکنند فرار می کند و با غم و اندوه نابود می شود. این قضیه ای است که همه

ملت ایران شاهد آن بوده و به دست توانمند امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی پیروز و شاه خائن فرار کرد. و با غم و اندوه فراوان شاه خائن به درک و اصل شد.

در روایت دیگری امام فرمود: بزودی می رسد زمانی که شهر قم و مردم آن الگو و حجت جهانیان باشند و این هنگامی است که امام زمان (عج) غائب است، که تا ظهور آن حضرت پیروزی قمی ها ادامه خواهد یافت.

در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است که فرموده: **و یظهر العرب علی**

### العجم

عربها به ایرانیان هجوم می آورند. در دوران پیامبر آغاز حکومت اسلام که یاران پیامبر با سلمان فارسی شوخی می کردند. رسول اکرم فرمود: به سلمان فارسی احترام کنید زیرا مردانی از دیار سلمان در آخر الزمان قیام می کنند و عامل تقویت و تداوم اسلام می شوند.

### « علائم ظهور از ایران »

در روایت آمده است و خبر از فتح و پیروزی ایران می دهد  
امام صادق علیه السلام در مورد نقش ایرانیان می فرماید: شما عربها دست از اسلام می کشید، نسبت به قرآن بیگانه می شوید، تا آنگاه مردانی از ایران می آیند و شما را با دین و قرآن آشنا می سازند. پیرمردی با شگفتی می گوید آیا ما که عرب هستیم و قرآن ما عربی است و پیامبر اسلام از میان ما برخواست، با اسلام بیگانه می شویم و ایرانیان در دوباره حیات اسلام نقش تعیین کننده را دارد. امام صادق علیه السلام در پاسخ می فرماید: چه می گوئی گویا من هم اکنون ایرانیان را می نگرم که در مسجد کوفه چادرهای پشمی زدند و دارند

شماها را قرآن می آموزند که بر پیامبر نازل شده است . و امام علی در مورد خرابی بصره می فرماید : فرار ، فرار چون دیگر بصره ای باقی نمی ماند .<sup>۱</sup>

اما علی علیه السلام پس از توضیح فتح بصره به طرف راست خود نگاه ، فرمود و پرسش نمود تا ابله چقدر راه است ، جواب دادند چهار فرسخ ، امام علی علیه السلام فرمود از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود : « در این مکان از امت من هفتاد هزار شهید می شوند که آنها چونان شهدای بدر دارای فضیلت می باشند و آسمانها و ساکنانش بر آن عزیزان اشک می ریزند و زمین و ساکنانش بر آنها می گریند.

چشمهای حضرت از اشک پر شد و فرمود : از علامات و نشانه های آن زمان ، خرابی خانه ها و شهرها و نابودی اموال و اسیری زنان است که اهل بصره ، چون گوسفند سرشان بریده می شود . وای بر ماجرای آنها که داستان عجیبی دارند.<sup>۲</sup>

قابل توضیح است که ابله از روستاهای اطراف بصره بوده که حالا جزء شهر بصره می باشد امام خمینی (ره) در جنگ ایران و عراق بشارت فتح جهانی می دهد : من با اطمینان می گویم که اسلام در آینده نزدیکی تمام مراکز کلیدی جهان را فتح خواهد کرد .

اما داستان جالبی که ذکر آن خالی از لطف نیست و عظمت ایران را می رساند به این گونه است سلطان عبدالحمید یکی از سلاطین عثمانی بود که به قرآن علاقه خیلی زیادی داشت و هر شب قبل از خواب چند آیه ای از قرآن تلاوت می نمود تا اینکه شبی قرآن می خواند که به خواب رفت و یک مرتبه بیدار شد که قرآن جلوی روی آن است یکمرتبه به قرآن سلام نظامی داد و تا صبح به حال خبردار

۱- بحار الانوار - ج ۵۷ - ص ۲۲۴

۲- بحار الانوار - ج ۵۷ - ص ۲۲۵



و سلام نظامی در برابر قرآن ایستاد تا آنکه ماموران دربار سر رسیدند قرآن را از پیش روی او برداشتند و در آن روز در کشور او شورشها بود شب بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب دید که به او فرمود با این احترام و ادبی که به قرآن نشان دادی .

به حق تو و حکومت تو دعا کردم که بر مشکلات غلبه کنی و تمام کشورهای عربی همسایه جزو قلمرو حکومت تو می گردد . به پیشروی خود ادامه ده که در همه میدانها پیروز می باشی . جز ایران ، به فکر ایران مباش و به ایران تهاجم نظامی نداشته باش که ایران به علی بن ابیطالب علیه السلام اختصاص دارد .

روایت شده است که مردی از شرق قیام می کند و زمینه ساز حکومت مهدی (عج) است . و در روایت دیگری نقل شده است که خدا قم و اهل قم را جانشین امام زمان قرار می دهد که فقهای بزرگوار شیعه مردم را رهبری می کند . روایت از معصومین است که مردم ایران حق را از ستمگران چند بار درخواست می کنند و به آنها نمی دهند سرانجام قیام می کنند ، پرچم پیروزی را به زمین نمی گذارند تا به دست صاحب الزمان بدهند .

امام علی علیه السلام می فرماید : عربها بر ایرانیان می تازند و در اطراف اهواز زمینگیری شوند آنگاه ایرانیان قیام می کنند و بر عربها پیروز می گردند و شهر بصره را به تصرف خود در می آورند .<sup>۱</sup>

از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود : وای بر تو ای بصره از لشکری که غضب خدا به سوی تو می آیند و آنان را گرد و غبار و صدایی نباشد ، بزودی ساکنین تو ای بصره به مرگ سرخ و گرسنگی تغییر دهنده رنگ رخسارها مبتلا می شوند .<sup>۲</sup>

۱- نواهب الدهو - ج ۲

۲- خطبه ۱۰۲ / ۵ نهج البلاغه معجم المفهرس

و وقتی که پیامبر به معراج مشرف می شوند به پیامبر فرموده شده است که : و خراب البصره علی یدی رجل من ذریتك یتبعه الزنوج<sup>۱</sup>  
شهره بصره به دست مردی از اولاد تو خراب می شود که مردانی تشنه حق ( یا چون دسته های ملخ انبوه ) او را اطاعت می کنند .

### « یاران حضرت مهدی از اهل طالقان »

در کتاب جلد سیزدهم بحار است که امام صادق علیه السلام فرمودند برای امام دوازدهم گنجهایی در طالقان است که طلا و نقره نیست بلکه مردانی هستند که قلبهای آنها از شجاعت مانند پاره آهن است شکی در ایمان به خدا در آن دلها نیامده ، اگر به کوهها حمله کنند از جای بر می کنند در جنگها امام را در میان گرفته با جان خود از او دفاع می کنند . مردانی در میان آنها می باشد که شب را به عبادت بسر می برند و زمزمه آنها در عبادت چون زنبور عسل می باشد شبها به عبادت مشغولند و روزها مانند شیران جنگجو بر اسبان سوار می شوند قلبهای ایشان مانند چراغ نور دهنده ای است خوف و خشیه خدا در آن دلها است آرزو دارند که در راه خدا شهید شوند و به فیض شهادت برسند شعار آنها این است می گویند یالثارات الحسین یعنی از خون خواهان مظلوم کربلا و رعب آنها یکماه راه پیشا پیش آنها می رود بوسیله آنها خدا آن حضرت را یاری می کند.

### قم ایران

به گوشه‌ای از رهنوذهای سید نعمت الله ولی در زمینه ایران و حکومت شاه خائن و انقلاب اسلامی توجه گردد که در قالب اشعار بیان شده است .

شاه دیگر بکار می بینیم

شه چو بیرون رود ز جایگهش  
منظر احدشاه

ستمش بذر وار می بینم	نابکاری مثال دیو مهیب
پسرانش قطار می بینم	چون فریدون به تخت بنشیند
لیک بخشش بیار می بینم	در امور شهیش بی تدبیر
همه منکوب وار می بینم	علمای زمان او دائم
فصل را بی تبار می بینم	هست فصل حجاب در عهدیش
شاهیش را تبار می بینم	چون دو ده سال پادشاهی کرد
عاری از حق شعار می بینم	در حقیقت شهی بود ظالم
تن او بر مزار می بینم	روز شنبه ز شهر ذیقعه
بوالعجب روزگار می بینم	پسرش چون بر تخت بنشیند
در کف سفله خوار می بینم	غارت و قتل مردم ایران
در اعظم شعار می بینم	ظلم پنهان ، خیانت و تزویر
در همش کم عیار می بینم	سکه نوزند چو برخ زر
بلکه وارونه وار می بینم	کار و بار زمانه وارونه
سلطه اش تار و مار می بینم	کم ز چل چون پادشاهی کرد
در کمین بیشمار می بینم	جنگ و آشوب و فتنه بسیار
نام او زشت وار می بینم	بر سر کوی و بر سر برزن
سر به سر کار زار می بینم	شور و غوغای دین شود پیدا
نام او برقرار می بینم	سیدی را نسل به نسل آل رسول
دولتی پایدار می بینم	بعد از این پادشاهی از میان برود
دو چرا هم کنار می بینم	گرگ با میش و شیر با آهو
عالمی چون نگار می بینم	چونکه چند سال از آنزمان بگذشت
بلکه من آشکار می بینم	دولت مهدی آشکار شود
بلکه از کردگار می بینم	از نجوم این سخن نمی گویم

## « خطاب به بنی اسرائیل »

در مورد تشکیل حکومت غاصب بنی اسرائیل : امام علی علیه السلام می فرماید: زود است که یهود از غرب برای ایجاد کشور و دولت یهود به فلسطین بیاید پرسیدند عربها کجا هستند؟ فرمود در آن زمان عربها از هم جدا و متفرقند و اتحاد و انسجام ندارند اما به زودی نیرویی اهل کارزار از عراق حرکت می کنند که بر پرچمهای آنان کلمه «قوه» نوشته شده است و اسلام و عرب باهم متحد و شریک می شوند و همه حرکت می کنند برای آزادی فلسطین ، معرکه و میدان کارزاری بر پا خواهد شد چه معرکه ای ؟ !! در کنار دریا مردم در خون فرو رفته و شنا می کنند و مجروحین از روی بدن کشته شدگان راه می روند . قسم به آن خدا که همه یهودیان را چون گوسفند سر می برند تا اینکه یک یهودی هم در فلسطین باقی نمی ماند .<sup>۱</sup>

قابل توضیح است که بر روی پرچم سپاه پاسداران و در آرم مقدس آن آیه ( و اعد ما استطعتم من قوه ) ثبت شده است انشاءالله این پرچمها متعلق به نظام جمهوری اسلامی ایران است که به لطف و یاری خداوند سبحان برای ادای حق بر دشمن قرآن می تازند و آنها را از صحنه روزگار محو خواهند کرد و زمینه ساز حکومت صاحب الزمان را ایجاد خواهند نمود که از خداوند سبحان می خواهیم شاهد همچو روزی باشیم. امام علی علیه السلام سه مرتبه می فرماید: و الله هم اهل قم - به خدا قسم آن بندگان که ماموریت دارند غاصبان بنی اسرائیل را به کیفر برسانند اهل قم می باشند.<sup>۲</sup>

۱- عقائد الامامیه الاثنی عشریه : سیر ابراهیم زنجانی

۲- بحار الانوار - ج ۶۰ - ص ۲۱۶

« قیام امام زمان عجل الله تعالی در فتح مکه ومدینه »

درمورد قیام حضرت مهدی علیه السلام امام صادق علیه السلام می فرماید:

**اذا خرج القائم ولم يكن بينه وبين العرب وقریش الا السيف<sup>۱</sup>**

وقتی امام زمان قیام کند میان او و عرب و مردم قریش فقط شمشیر حاکم است .

وامام فرموده است : يخرج بجيش لواستقبل به الجبال لهد مها واتخذفيها طرقا<sup>۲</sup>

امام زمان عجل الله تعالی با سپاهی حرکت می کند که اگر با کوهها روبرو شوند،

کوهها را در هم می ریزند و از دل کوهها راه خود را برمی گزینند و در مورد

فتوحات بزرگ به دست توانمند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امام

محمد باقر علیه السلام فرموده است :

**يفته المدينة الرومية بالتكبير في سبعين الفاً من المسلمين<sup>۳</sup>**

امام زمان (عج) با ۷۰ هزار نفر از سربازان مسلمان تکبیر گویان اروپارا فتح خواهد

کرد . توضیحا روم و روسیه در روایات اروپا و کشورهای اروپائی می باشند که

انشاءالله بدست مبارک و قدرتمند صاحب الزمان فتح خواهند شد و حکومتهای

ملحد و کثیف و نژادپرستانه را نابود می گرداند و پرچم پرفتوح اسلام را برقله های

بلند این کشورها و بر سردر کاخهای ظلم برافراشته می نماید و برای فتح مکه

ومدینه از امام صادق علیه السلام روایت شده است که :

ثم يظهر باصحابه فيفتح الله له الحجاز ، و يخرج من كان في السجن من بني

هاشم و يسير حتى ينزل بيت المقدس .

۱- بحارالانوار - ج ۵۲ - ص ۳۵۵

۲- بحارالانوار - ج ۵۲ - ص ۳۵۵

۳- بشاره الاسلام - ص ۲۹۷

آنگاه امام زمان (عج) با یاران خود قیام می کند و خداوند حجاز را برای او فتح می نماید، که بنی هاشم زندانی را آزاد می کند و به حرکت خود ادامه می دهد تا آنکه وارد بیت المقدس می شود.

ودر همین زمینه یعنی فتح مکه و مدینه امام صادق توضیح داده است که :

ثم يسيرالمهدي الى مدینه جدی رسول الله ، فاذا وردهاکان له فیها مقام عجیب،  
یظهر فیها سرور المومنین و خزی الکافرین<sup>۱</sup>

پس از فتح مکه امام زمان (عج) به حرکت خود ادامه می دهد تا آنکه وارد مدینه جدم رسول خدا(ص) می شود و در آنجا توقف شگفت آوری خواهد داشت، که شادی مومنان و خواری کافران آشکار می گردد.

### « هنگام ظهور مهدی »

امام باقر علیه السلام می فرماید : وقتی خداوند متعال به قائم اذن ظهور دهد برفراز منبری رفته و مردم را بسوی خود دعوت می کند و آنها را به خدا سوگند داده و به پذیرش حق و حقیقت خود فرا می خواند و متعهد می شود که در میان آنها بر اساس سنت پیامبر رفتار کند. جبرئیل می فرماید من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کنم . دستت را بده سپس خود را به دست مبارک او می کشد.<sup>۲</sup>

حضرت مهدی هنگام ظهورش تابوت سکینه - انگشتر سلیمان - پیراهن آدم - عصای موسی و شمشیر و پیراهن حضرت رسول خدا (ص) و سلطنت جهان سلیمان را به همراه دارد و قرآن می فرماید:

۱- بحار الانوار - ج ۵۳ - ص ۱۲

۲- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۳۷

« وقال لهم نبیهم ان ایه ملکه ان یاتیکم التابوت فی سکنه من ربکم وبقیه مما ترک آل موسی و آل هرون تحمله الملائکه ان فی ذالک لایه لکم ان کنتم مومنین»<sup>۱</sup>

«پیغمبرشان بدان گروه گفت که : نشانه پادشاهی او این است که تابوتی که در آن سکنه خدا والواح بازمانده از خانواده موسی وهارون است وفرشتگان به دوش برند ، برای شما خواهد آورد که در آن برای شما حجتی روشن است ، اگر اهل ایمان باشید .»

تابوت سکنه یکی از اسرار الهی است که آن را به شهری بفرستند تمام شهر را طعمه حریق می‌سازد و بسوی هر کشوری که آن را ارسال کنند، آن کشور را از صحنه روزگار محو می‌کند مانند بمب‌های اتمی امروز و بلکه بسیار قوی‌تر از بمبها عمل می‌کند بدین منوال خداوند امام عصر را با عصای موسی و تابوت سکنه مجهز می‌نماید که هیچگونه تسلیهانی قوی در دنیا تاب و توان در برابر آن را ندارد.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «پرچم او یعنی حضرت مهدی مخمل مشکی، چهارکوش و کرک دار است که درازی او کمی بیش از پهنای آن است از روزی که رسول خدا (ص) رحلت کرد ، این پرچم باز نشده و باز نخواهد شد تا روزی که مهدی ظهور کند . خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می‌کند که به سر و صورت دشمنان می‌زند.»<sup>۲</sup>

مفضل از امام صادق علیه‌السلام سئوال کرد : آیا فرشتگان و طایفه جن همه جای همراه قائم می‌روند ؟

۱- بقره ۲۴۸

۲- اسرار آفرینش آل محمد - ص ۳۹۹

حضرت فرمود: «آری، والله، آنها در زمین هجرت واقع در کوفه و نجف فرود می‌آیند و تعداد یارانش در آن موقع ۴۶ هزار فرشته و ۴۶ هزار جن تشکیل می‌دهد و خداوند قائم را پیروز می‌گرداند»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «اوقیام نمی‌کند مگر با افراد نیرومند و این افراد از ده هزار نفر کمتر نیستند» البته قابل توضیح است که یاران اولیه امام که به هنگام ظهور در کعبه معظمه گرد آن می‌آیند ۳۱۳ نفر است.

روایتی از امام محمد باقر علیه السلام بیان شده است که فرموده: هنگامی که قائم در مکه ظهور می‌کند منا را بانگ می‌زند که هیچکس خوردنی و نوشیدنی با خود بر ندارد و سنگی را که حضرت موسی از آن آب بیرون می‌آورد بار مرکبی نموده و با خود برمی‌دارد به هر منزلی که می‌رسند، چشمه‌ای از آن بیرون می‌آید بطوری که هر کس گرسنه باشد سیرمی شود و هر کس تشنه باشد سیراب می‌گردد چهار پایان خود را نیز آب می‌دهند تا در نجف واقع در بیابان کوفه فرود آیند.

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سیزده شهر و طایفه با قائم می‌جنگند و او هم با آنها نبرد می‌کند آنها مردمانی از مکه، مدینه، شام، بنی‌امیه، بصره، دمیشان، کردها، عراب، بنی‌ضبه، غنی، باهله و دو طایفه از ری هستند.

پیامبر در حدیثی خطاب به جابر فرموده: خدای متعال به من فرمود: ای محمد، به تو کسی (علی) را عطا کردم که یازده رهنما از نسل او خارج خواهیم کرد و به همگی از نسل تو و زهرای بتول است آخرین آنها مردی است که بدست او از هلاکت نجات می‌بخشم بوسیله او از گمراهی هدایت می‌نمایم به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهم، زمین را بوسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم شرق



و غرب جهان را به او تملیک می نمایم ، بادهای را مسخر او در آورم ، ابرها را زیر پایش قرار می دهم ، برترین ابزارها را در اختیارش می گذارم با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگان او را تایید می نمایم تا دعوتم را آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد.<sup>۱</sup>

**امام محمد باقر فرموده :** از شهری جمعی به یاری قائم قیام می کند مگر مردم بصره که یک نفر از آنها هم به کمک او نمی رود .

### « خصوصیات یاران مهدی (ع) »

یاران مهدی علیه السلام همچون یاران کربلای حسینی اند که بجز خدا و جنگیدن در رکاب امام حسین (ع) چیز دیگری در اذهان و قلبهای پاک آنها نبود و حتی هیچگونه چشم داشتی از دنیا و مال و زن و فرزند خود نداشتند و می جنگیدند تا شهد شیرین شهادت را در راه خدا هر چه زودتر بچشند .

و در زمان ظهور قائم و شعار همه جا کربلا و همه ماهها را محرم و تمام روزها را عاشورا می دانند و یاران مهدی صاحب الزمان (ع) جز رضایت خداوند سبحان و امام عصر توقع دیگری ندارند و همانطوری که **امام صادق علیه السلام** می فرماید :

یاران مهدی مراد بیند پولاد دل ، همه وجودشان یقین به خدا ، مردانی سخت تر از صخره ها ، اگر به کوهها روی آرند ، آنجا را به سقوط وادار سازند . گوئی آن مردان عقابان تیز چنگالند که بر مرکبها سوار شده اند . این شیرمردان پیروز و عقابان تیز چنگ ، و برای تبرک و فرخندگی ، دست خویش را به زین اسب امام می کشند ، بدینسان تبرک می طلبند . آنان او را در میان می گیرند و جان خویش را در جنگها پناه او می سازند . و هرچه را اشاره کنند با جان و دل انجام می دهند . این

شیراوژتان، به شب هنگام نخواستند و زمزمه قرآن و مناجات خویش، چون صدای زنبوران عسل در هم اندازند. و تا بامداد به عبادت خدای بایستند، و بامدادان سوار بر مرکبان باشند. آنان راهبان شب و شیران روز، و آنان اند گوش به فرمان امام خویش. و چنان مشعل های فروزانند و دل های منور آنان، بسان قندیل های نور در سینه های شان آویخته است. این مردان تنها از خدای می ترسند و فریاد «لا اله الا الله» و «الله اکبر» آنان بلند است. و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان «یا الثارات الحسین» است. بیایید به طلب خون حسین و یاران حسین به هر سو روی آورند. ترس از آنان پیشاپیش در دل مردان افتد و تاب مقاومت از همه بگیرد. این خداجویان، دسته دسته، بسوی خداوند (یا امام) خویش روی می آورند و خدا بدست آنان امام حق را یاری می نماید.<sup>۱</sup>

### « حضور ایرانیان در صحنه نبرد »

در بعضی از احادیث به حضور ایرانیان اشاره شده بخصوص به مردم عجم. در جامعه مهدی (عج) منظور از عجم ملت های غیر عرب است. اما به قویاً بیشترین مصداق آن ایرانیان خواهند بود چون مرکز ثقل اسلام و تشیع در ایران است به هر حال خراسان - طالقان - قم - ری - مکه مکرمه - مدینه منوره - نجف اشرف - کوفه، در جریان حضور واقعی ظهور امام زمان نقش های عمده را دارند همانطوری که قسطنطنیه (استانبول فعلی) یکی از مهمترین فتح های اولیه امام زمان و یاران اوست.

و شهرها و سرزمین هایی که محل درگیری های بزرگ و حوادث گران است از جمله عبارت اند از: انطاکیه، دمشق، فلسطین، اردون، خمص و حلب سپس در این مراکز و پاره ای از جاه های دیگر از جمله چین مبارزاتی اتفاق می افتاد پیروز یهای

بزرگ نصیب حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او می شود سپس همه جهان فتح می شود و پرچم اسلام بر فراز کاخهای ظلم برافراشته می شود. انشاءالله

در دعوت بزرگ حضرت امام عصر علیه السلام نصرت الهی به صورتی آشکارا ظاهر می گردد و دلهای مومنان در برابر قدرتهای پوشالی جهان و ارتش های مسلح جهان گرم خواهد شد و عشق به پیروزی و نصرت را در جان شیعیان زنده خواهد نمود. دعبل خزاعی شاعر معروف شیعه قصیده ای در حضور امام رضا علیه السلام قرائت نمود که مضمون آن چنین است امامی از آل محمد (ص) بیقین خروج خواهد کرد او به تایید اسم اعظم الهی و برکات نصر آسمانی به پامی خیزد. او حق و باطل را از هم جدا می کند، وهمه را، بر شاد خوار یها و کین توزیها، کیفر می دهد.<sup>۱</sup>

دعبل می گوید: چون این آیات را نزد امام رضا علیه السلام خواندم، آن امام به شدت گریست آنگاه فرمود: ای دعبل! روح القدس به زبان تو سخن گفته است آیا می دانی این امام چه کسی خواهد بود؟ گفتم نه، (شخص او را نمی شناسم) لیکن شنیده ام که امامی از شما آل محمد (ص) خروج می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند امام رضا علیه السلام فرمود: پس از من فرزندم محمد امام است پس از محمد فرزندش علی امام است پس از علی (هادی) فرزندش حسن امام است. و پس از حسن عسکری فرزندش حجت قائم خواهد بود اوست که در زمان غیبت چشم براه اویند، و در زمان ظهور همه مطیع او گردند. او زمین را پر از قسط و عدل می کند، پس از آنکه پر از جور و ستم شده است.<sup>۲</sup>

۱- الغدیر ج ۲- ص ۳۵۴

۲- الغدیر ج ۲- ص ۳۵۵

به هنگام ظهور رعب و وحشت عجیبی در دل‌های قدرتمندان می‌افتد و نیروهای غیبی به کمک، مهدی علیه السلام و یاران او می‌شتابند به عنوان نمونه سپاه قدرتمند سفیانی ملعون که در سرزمین بیداء در میان مکه و مدینه توسط نیروهای غیبی نابود می‌شود که از امدادهای غیبی خداوند است که شامل حال امام مهدی علیه السلام می‌شود و یکی از حربه‌های قوی و دشمن شکن امام زمان علیه السلام همین رعب و وحشت است که پیشاپیش سپاه اسلام در دل و قلب دشمن ترس می‌اندازد و خود به خود یا تسلیم می‌شوند یا شکست می‌خورند.

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت رسیده است که سپاه امام عصر علیه السلام را سه سپاه یاری می‌نماید و در پیشبرد آن کمک می‌رسانند ۱- سپاهی از فرشتگان ۲- سپاهی از مومنان ۳- سپاهی از رعب.<sup>۱</sup>

وقتی مدد الهی حامی شد فرشتگان هم اطاعت می‌کنند مانند جنگ بدر که ترس و وحشت عظیمی توسط فرشتگان در دل دشمنان اسلام انداخته شده و قلب آنها را از جا می‌کند و قدرتها را مغلوب می‌سازد در عین حال که قدرت توانمند نیروهای خداوند پشت سر امام مهدی (ع) و یاوران سرافراز او می‌باشند باید خود را کاملاً مهیا و ورزیده و آماده جنگیدن و مجهز به وسائل کارزار نموده تا بتوان بخوبی از عهده دفع دشمنان و اضمحلال آنها برآمد و نباید همه چیز را فقط به نیروهای غیبی سپرد همانطوریکه از امام محمد باقر علیه السلام سوال شده که مردم می‌گویند: مهدی که قیام کند، کارها خود به خود درست می‌شود، و به اندازه یک حجامت، خون نمی‌ریزد. فرمود: «هرگز چنین نیست، به خدای جان آفرین سوگند. اگر قرار بود کاری برای کسی، خود بخود درست شود، برای پیامبر (ص) درست می‌شد، هنگامی که دندان‌ش شکست، و صورتش شکافت، هرگز چنین نیست که کارها خود بخود درست شود. به خدای جان آفرین سوگند

کار درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما در عرق و خون غرق شویم» آنگاه امام به علامت پاک کردن عرق، دست به پیشانی خود کشید.<sup>۱</sup>

از مضمون روایت به خوبی می توان در یافت که وقتی امام ظهور می فرماید خون است و جنگ است و زحمت است و ایثار و فداکاری و صلابت و استواری در جنگ می باشد که یاران فداکار با ایمان کامل به خداوند سبحان شمشیر می زنند و تا ریشه ظلم و کفر را از صحنه گیتی نکنند از پای نخواهند نشست و امام رضا علیه السلام می فرماید:

**لو قد خرج قائمنا (ع) لم یکن الا العلق والعرق، و القوم علی السرج و ما لباس القائم (ع) الا الغلیظ، و ما طعامه الا الجشب**

هنگامی که قائم آل محمد (ص) خروج می کند خون است و عرق ریختن، و سوار مرکبها بودن در میدانهای مبارزه. و قائم (ع) جز جامه درشتناک نخواهد پوشید و جز خوراک درشتناک نخواهد خورد.

حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی محدث معروف اهل سنت باب پنجم از کتاب خود درباره مهدی علیه السلام یعنی (البیان فی اخبار صاحب الزمان) را ویژه همین مطلب ساخته در باب پنجم کتاب در بیان یاری کردن مردم مشرق از مهدی علیه السلام از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند: یخرج اناس، من المشرق فیوظئون للمهدی سلطانه<sup>۲</sup>

مردمی از مشرق قیام می کنند، و زمینه حکومت مهدی را فراهم می سازند.

از امام علی علیه السلام روایت شده است که می فرمود: شروع کار مهدی از طرف مشرق است.<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار ج ۵۲ - ص ۳۵۸

۲- بحار الانوار ج ۵۲ - ص ۸۷

۳- بحار الانوار ج ۵۲ - ص ۲۵۲

در مورد قیام مردم خراسان به پشتیبانی حضرت مهدی عجل الله تعالی امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی می فرماید: عن ابی خالد الکابلی، عن ابی جعفر - علیه السلام - انه قال: کانی بقوم قد خرجوا یا لمشرق، یطلبون الحق، فلا یعطونه، ثم یطلبونه فاذا راوا ذالک ووضعوا سیوفهم علی عواتقهم، فیعطون ما تسالو، فلا یقبلونه، حتی یقوم، ولا یدفعونها الا الی صاحبکم، قتلهم شهداء اما انی لو ادرکت ذلک لا بقیت نفسی لصاحب هذا المر

ابو خالد کابلی، از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: گوئی می نگرم مردمی را که از مشرق (خراسان ایران) در طلب حق قیام می کنند، و به آنها پاسخی داده نمی شود پس از مدتی باز قیام می کنند، چون وضع را چنین می بینند، به پیکار و مبارزه خونین بر می خیزند در این باره آنچه را که می خواهند به آنان می دهند، اما نمی پذیرند و دست به شورش می زنند اینان حکومتی را که بدست می آورند تسلیم مهدی می کنند کشته گان این قیام همه شهید محسوب می شوند. اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی نگاه می دارم و (آماده میکنم) آنچه در دوران قبل از ظهور است، شیوع ظلم و ستم و عدوان و بیداد گری است و اگر درست فکر کنیم حالا جهان در چنین وضعی بسر می برند و از ظلم و جور آکنده است حتی در کشورهای اسلامی و جاهلهائی که شیعه نشین است عدالتی حاکم نیست، با توجه به این اوضاع و احوال باید آماده سازی جوانان شیعه، و معتقدان به حق و عدالت، را برای کمک به حکومت امام عصر علیه السلام پرداخت. و توجه عمیقی کرد و کسانی که به مقام والا و عظمی امام زمان علیه السلام ارادت خالصانه می ورزند در این ارادت و اطاعت صادقند و علاقمند اند که اهل کردار شایسته باشند نه گفتار و حرف، باید از آمادگی در دولت کریمه حق شادمان باشد و جوانان رادر این آمادگیها تشویق

کنند و باور سازی نمایند که امیدی به ظهور منجی عالم بشریت هست انشاءالله و تعالی .

### « سیر حرکتی حضرت مهدی (عج) در آغاز ظهورش »

منتظران ظهور امام زمان (عج) ضمن در خواست فرا رسیدن آن روزگار با عظمت، از پروردگار عالم مسئلت می نمایند به فرازهایی از گفتگوی مفضل، صحابی بزرگوار امام صادق (ع) با آن حضرت گوش جان می دهیم تا با دوران امام بزرگوارمان آشنایی بیشتری داشته باشیم و برای نیل به هدفمان تلاش بی وقفه نمائیم . مفضل صحابی معروف از امام صادق علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام و چگونگی ظهورش و اقدامات حکومتی آن وده ها سئوال دیگر پرسیده است . مفضل گوید از امام صادق علیه السلام چگونگی ظهور حضرت مهدی (ع) را پرسیدم . آنگاه مولایم سیر حرکتی حضرت مهدی (عج) را در آغاز ظهورش توضیح داد.

امام صادق علیه السلام فرمود با ظهور حضرتش کسانی که دعوت پیامبر (ص) را تکذیب کردند و درباره پیامبری او تردید نمودند و اعتنا به گفتار وی نکردند و کسانی که گفته اند او ساحر ، کاهن ، دیوانه است و از روی هوای نفس سخن می گوید و کسانی که با وی جنگ کردند همه را حاضر می کند تا از روی حق و عدالت انتقام اعمالی را که از بعثت آن حضرت تا موقع ظهور مهدی (عج) با هر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده اند و از آنها بگیرد و تحویل حقیقی این آیه شریفه و گرانقدری «ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی العرض و نری فرعون و هامان و جنردهما منهم ماکانوا یخذرون»<sup>۱</sup>

وما خواستیم بر آن کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهاده و آنان را پیشوایان مردم قرار داده و وارثان زمین کنیم و در زمین توانائی و قدرتشان داده و به فرعون و هامان و لشکریانشان که از جانب آنان (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم. مفضل عرض کرد: مولای من آیا پیامبر خدا و علی مرتضی (ع) با قائم (عج) خواهد بود؟ فرمود: آری سوگند به خدا پیامبر خدا (ص) و علی مرتضی (ع) ناگزیر می باید قدم بر روی زمین بگذارند حضرت ادامه داد ای مفضل گویا می بینم که ما امامان در آن هنگام در برابر پیامبر (ص) اجتماع کرده و به آن حضرت شکایت می کنیم که امت بعد از وی چه به روز ما آورند و می گوئیم ما را تکذیب کردند بی اعتنائی و نفرین و تهدید تا قتل نموده اند، حاکمان آنها ما را از وطن بیرون کردند و به مرکز فرمانروائی خود بردند و جمعی از ما را باز هر ستم و حبس کشند. در این هنگام پیامبر سخت گریه می کند و می فرماید ای فرزندان من! هرچه به شما رسید بیشتر، به جد شما رسید.

### « چگونگی دادخواهی فاطمه زهرا علیه السلام »

فاطمه زهرا چنین بیان می کند آنگاه فاطمه زهرا می آید و از ظلم اولی و دومی و غضب فدک، ملک خود توسط آنها و رفتن به میان مهاجرین و انصار و ایراد خطبه اش در خصوص غضب فدک و جوابی که او داد و گفت که: پیامبران ارث نمی گذارند و استدلال زهرا علیه السلام به گفته حضرت زکریا و یحیی علیه السلام و داستان داوود و سلیمان (ع) و اینکه عمر به او گفت: آن نامه ای را که پدرت برای تو نوشت به من نشان بده و او در آورد و نشان داد و او آن را گرفته و پیش روی قریش و مهاجران و انصار و سایرین به آن آب دهان انداخت و پاره کرد!!! و گریستن حضرت فاطمه (ع) و برگشتن بطرف قبر رسول خدا (ص) در



حالی که می‌گریست و محزون بود و با نگرانی به روی زمین قدم برمی‌داشت و به خداوند و به پدرش پیامبر(ص) پناه آورده و شکوه کرده .

### « آتش زدن خانه امام علی »

حضرت علی بعد از رسول خدا (ص) مشمول جمع آوری قرآن گردید. قرض حضرتش را که هشتاد هزار درهم بود با فروش دارائی خود همه را پرداخت و نقل می‌فرماید که عمر گفت یا علی: بیرون بیا و در آنچه مسلمانان شرکت کرده‌اند تو نیز شرکت کن و گرنه گردنت را می‌زنم. فضا گفت: امیر مومنان علیه السلام مشغول کاری است که اگر انصاف داشته باشید خواهد دانست که او از آمدن معذور است ولی آنها گوش نداده و هیزم آوردند تا درب خانه را که امیر المومنین، فاطمه، حسن و حسین، زینب، ام‌الکلیثوم (ع) و فضا رحمها الله در آن بودند آتش بزنند و سر انجام آن در را آتش زدند. حضرت فاطمه علیه السلام پشت در آمد و از همان جا صدا زد ای عمر وای بر تو چگونه بر خدا و پیامبر جسارت و گساخی نمودی؟ با اینکار می‌خواهی نسل پیامبر را از روی زمین برداری و او را از میان ببری و نور خدا را خاموش نمائی با اینکه خدا نمی‌گذارد نورش خاموش گردد. عمر گفت ای فاطمه بس کن، اکنون نه محمد حاضر است و نه فرشتگان از جانب خدا برای امر و نهی و ترساندن می‌آیند!!! علی هم مانند یک نفر از مسلمانان است، اگر می‌خواهی بگو بیرون بیاید و با ابوبکر بیعت کند و گرنه همه شما را آتش می‌زنم. فاطمه(ع) در حالی که می‌گریست گفت: پروردگارا شکایت فقدان پیامبر و رسول برگزیده ات را امتت و پایمال شدن حقی را که تو در کتاب خود برای ما قرار داده ای به تو می‌کنم. عمر گفت: ای فاطمه این حرفهای زنانه را رها کن. خدا نبوت و خلافت را یک جا برای شما جمع نمی‌کند. سپس هیزم را آتش زد قنفذ ملعون دستش را داخل نمود تا در را بگشاید عمر با تازیانه به بازوی

فاطمه (ع) زد و به گونه ای که بازویش همچون بازوبند سیاهی ورم کرد آنگاه با پای خود چنان محکم به در نیم سوخته زد که به شکم دختر پیامبر خورد و او که حامله بود محسن شش ماهه خود را سقط کرد. عمر قنفذ و خالد بن ولید به درون خانه هجوم آوردند و چنان سیلی به صورت حبیبه خدا زد که گوشوارهایش از زیر مقنعه دیده شد!! آن بانوی ستم دیده فاطمه زهرا با صدای بلند گریه می کرد و می گفت ای پدر، ای پیامبر خدا دختری را دروغگو می دانند او را می زنند و بچه اش را کشتند!! و سپس امیر المومنان حضرت علی علیه السلام در حالی که چشمش از شدت خشم سرخ شده بود از داخل خانه بیرون آمد و عبایش را در آورد و روی فاطمه (ع) که روی زمین افتاده بود و غش کرده بود انداخت و گفت: آنگاه به همسر وفادارش گفت: ای دختر پیامبر خدا می دانی که خداوند پدر بزرگوارت را برای هدایت جهانیان برانگیخت. مبادا مقنعه خود را از سر برداری و نفرین کنی. ای فاطمه به خدا سوگند اگر چنین کنی یک نفر روی زمین نمی ماند که بگوید محمد، موسی، عیسی، ابراهیم، نوح، آدم پیامبر خدا هستند بانفرین تو خداوند همه جنبندگان زمین و پرندگان آسمان را نابود می کند. آنگاه شیر خدا، حیدر کرار، علی مرتضی علیه السلام روبه عمر کرد و فرمود: ای پسر خطاب! وای بر تو از اینکار که امروز نمودی و از فرجام آن از خانه من بیرون برو پیش از آنکه شمشیرم را از غلاف بیرون آورم و امت جفا جوئی را بکشم. عمر با خالد بن ولید و قنفذ و عبدالرحمان بن ابی از خانه بیرون رفتند در این هنگام امیر المومنان علی (ع) فضا را صدا زد و فرمود ای فضا: بانوی خود زهرا (ع) را دریاب که دچار درد زائیدن شده. چون فضا به کار آن مخدره پرداخت. بچه ای که پیش از ولایت او را محسن نام گذاشته بودند. سقط گردید؟! امیر المومنان علی (ع) فرمود این کودک به نزد جدش رسول خدا می رود و به او شکایت می کند و بدینسان در آن لحظات انتقام، یک بار دیگر مصائب بزرگ آن بانوی بزرگوار در میان جهانیان

بازگو می شود و جهانیان با ابعاد وزوایای این ظلم سترگ و مصیبت جانکاه آشنا شده و لعن و نفرین بر ستمکاران می نمایند و به حقانیت خاندان عصمت و طهارت اعتراف می نمایند. البته قابل ذکر است که امام علی در میدان جنگ بر روی کره خاکی نظیر و مانند نداشته و کسی توان جنگیدن با او را نداشته ولی چون پیامبر به او سفارش فرموده بود تا چهل نفر یار صدیق پیدا نکنی قیام نکن.

در جنگ خندق عمر بن عبدود هرچه رجز خواند کسی به غیر از امام علی که نوجوانی بود، توانائی مبارزه با او را نداشت. ابوبکر و عمر هم در سپاه اسلام بودند ولی هرچه پیامبر می فرمود چه کسی می خواهد به مقابله با او برخیزد کسی جرات جنگیدن با عمر بن عبدود را نداشت. تا اینکه امام علی در اوایل دوران جوانی میدان شد و جمله معروف پیامبر که فرمود: خدایا تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاده است، را بیان فرمود. که این شاهد ادعای ما می باشد. در جنگ خیبر پرچم به دست عمر داده شد ولی پیروزی بدست نیاوردند، تا اینکه پیامبر فرمود پرچم را فردا بدست کسی خواهم داد که خدا و پیامبر از او راضی باشد و فردا همه منتظر بودند که پرچم را بدست حضرت علی علیه السلام داد و قلعه خیبر را گشود و آن در بسیار سنگین را از بیخ کند و سپس روی خندق گذاشتند. ولی انشاءالله و تعالی انتقام این همه جنایت ها و ستم ها و ظلمها به دست مهدی موعود گرفته خواهد شد. سپس دوستان اهل بیت علیه السلام در طول تاریخ بویژه در دوران تاریک غیبت با تبری و بیزاری از دشمنان اهل بیت (ع) آزمایش شده و به درجات والائی صعود کرده اند. این سنت الهی در دوران ظهور شکوهمند منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام عملی می شود تا برتری و درجات یاران آن حضرت مشخص گردد. این آزمایش در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) به گونه زیبایی ترسیم شده که امام می فرماید: «اذاقدم القائم علیه السلام وتب ان یکسر الحائط الذی علی القبر، فیبعث الله تعالی ریحاً شدیدة

وصواعق و رعوداً حتى يقول الناس: انما ذالذا . فيتفرق اصحابه عنه حتى لا يبقى معه احد . فياخذ المعول بيده . فيكون اول من يضرب بالمعول ، ثم يرجع اليه اصحابه اذا راوه يضرب المعول بيده . فيكون ذالك اليوم فضل بعضهم على بعض بقدر سبقهم اليه فيهدمون الحائط . ثم يخرجهما غضين رطبين ، فيلعنهما ويتبرا منهما ، ويصلبهما ، ثم ينزلهما ويحرقهما ، ثم يذريهما في الربيع<sup>۱</sup>»

آری یوسف زهرا می آید و به همه ستم ها پایان می بخشد و ریشه آنها را می خشکاند، تا گل‌های شقایق بهتر رشد کرده و جهان را سبز و خرم نمایند.  
انشاءالله

### « رجعت »

یکی از اعتقادات شیعیان معتقد بودن به اصل رجعت است که حتماً به خواست و اذن خداوند سبحان انجام می گیرد و حکمت پروردگار عالم بر هر چیزی تعلق گیرد . فوراً ایجاد گردد و زنده کردن مردگان و بازگشت به این دنیای مادی از خلقت آفرینش انسان از ابتدای خلقت سخت تر نیست ، بلکه برای خداوند سبحان بسیار سهل و آسان است ، فقط لازم است حکمت او و نظر لطف او به چیزی افکنده شود که فوراً موجود می شود. مرحوم شیخ صدوق (رحمه) در کتاب عیون اخبار الرضا روایت می کند مامون از امام رضا در مورد رجعت سؤال کرد.

**حضرت فرمود:** رجعت درست است . بازگشت بعضی از مردگان در امت‌های پیشین صورت گرفته و در قرآن هم آمده است : پیامبر اکرم (ص) فرموده: آنچه در امت‌های پیشین بوده است ، در این امت مطابق آن خواهد بود . هنگامی که مهدی فرزندم قیام کند ، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز

می‌گزارد . اسلام با غربت آشکار شد و به زودی غریب می‌شود . خوشا بحال  
غریب‌باب !

سؤال شد یا رسول الله ، پس از آنکه اسلام دوباره غریب شد چه می‌شود ؟  
فرمود : «حق به صاحب حق برمی‌گردد» .

امام حسین به یارنش فرمود : پس مزده باد شما را ! به خدا سوگند اگر این قوم ما  
را به قتل رسانند ، مابه نزد پیامبرمان باز می‌گردیم آن وقت من تا زمانی که  
خداوند بخواهد خواهم ماند . من نخستین کسی خواهم بود که قبرش شکافته  
خواهد شد و همزمان با برانگیخته شدن امیرالمومنین از قبر و قیام قائم مان از  
مقبره ام بیرون می‌آیم . آنگاه جماعتی از فرشتگان آسمانی به امر الهی فرود می  
آیند . جبرئیل ، میکائیل ، اسرافیل با لشکری از فرشتگان بسوی من نازل می‌شوند .  
سپس محمد (ص) علی و من و برادرم (امام حسن مجتبی) و تمام آنهایی که  
بواسطه ایمان کامل بر آنان منت نهاده شده بر مرکبهای ابلق فرود می‌آئیم که  
همه آنها از نور می‌باشند و تا آن روز مخلوقی بر آنها سوار نشده است . سپس  
حضرت محمد (ص) پرچم خود را به اهتزاز در آورده و آن را با شمشیرش به قائم  
ما می‌دهد . و بدینگونه از آن زمان تا هنگامی که خدا تقدیر فرموده در جهان  
خواهد زیست .

امام باقر علیه السلام می‌فرماید اولین کسی که قبرش شکافته می‌شود و برمی  
خیزد و به دنیا رجوع می‌کند حسین بن علی می‌باشد .<sup>۱</sup>

امام صادق می‌فرماید: خداوند از آدم تا خاتم پیامبری نفرستاد مگر آنکه به دنیا  
باز خواهد گشت و امیرالمومنین را یاری خواهد نمود . اولین کسی که رجعت می

کند، حسین بن علی علیه السلام است. او چهل هزار سال روی زمین حکومت خواهد کرد تا آنکه ابروانش از شدت پیری بر روی چشمان مبارکش می افتد.<sup>۱</sup>

امام محمد باقر علیه السلام درباره شهادت مومن و مرگ می فرماید: «هیچ مومنی نباشد مگر آنکه به مرگ دنیا را وداع کند و با کشته شدن شربت گوارای شهادت را بنوشد. هرکس کشته شود رجعت کند تا آنکه بمیرد. هرکس بمیرد زنده شود تا کشته شود»

راوی از آن امام در مورد «کل نفس ذائقه الموت و منشوره» پرسش نمود.

امام می فرماید: تمام اختیار و اشرار بر می گردند، اختیار برای دیدن عزت و اشرار برای چشیدن ذلت. آیا نشنیده ای که خداوند فرمود:

**«وَلَنذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَأَعْلَمُ بِرَجْعِهِمْ»**

(سجده ۲۱) منظور از این آیه قیام حضرت قائم علیه السلام بوسیله شمشیر در آخر الزمان است.<sup>۲</sup>

در کتاب منتخب البصائر آمده است که ابوالصباح به امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: قربانت گردم! سئوالی دارم که نمی خواهم آن را بگویم. حضرت فرمود: سئوال تو از رجعت است؟ عرض کرد: آری حضرت فرمود: رجعت قدرت نمائی خداوند است و کسی جز فرقه (قدریه) آن قدرت را انکار نمی کند.

**توضیح:** اهل تسنن در عقاید به دو دسته اند. اشاعره که جبریه خوانده می شوند و معتزله که چون معتقد به عدل خداوند هستند، مانند گروه شیعه امامیه به آنها عدلیه می گویند، اشاعره معتزله را تکفیر کرده اند و معتزله آنها را کافر شمرده اند. علت این تکفیر آن است که در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که

۱- دارالسلام ص ۴۱۴

۲- دارالسلام ص ۴۱۷

فرموده: «فرقه قدریه مجوسان امت اسلام هستند» به همین جهت معتزله گویند که اشاعره همان قدریه هستند و اشاعره معتقدند که قدریه همان معتزله هستند.

قدریه فرقه ای از معتزله اهل تسنن هستند که بسیاری از قدرتهای خداوند را انکار می کنند.

از امام محمد باقر علیه السلام معنای این آیه سؤال شد. «الم تر الى الذين خرجوا من ديار هم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم»<sup>۱</sup>

آیا ندیدید هزاران مردمی را که از ترس مرگ از ديار خود بیرون رفتند؟ خدا فرمود: بمیرید و همه مردند. سپس آنها را زنده کرد.

**حضرت باقر علیه السلام فرمود:** «خداوند به هزاران نفری که از ترس مرگ از خانه هایشان بیرون رفتند فرمود بمیرید آنگاه آنها را زنده کرد بطوریکه مردم آنها را زنده دیدند سپس در دنیا به زندگی خویش ادامه داده و مجدداً خداوند آنها را میراند یعنی آنها را زنده کرد ومدتی در دنیا زیستند و در خانه ها سکوت نموده غذا خوردند، ازدواج کردند زندگی طبیعی خود را دوباره آغاز نمودند و پس از مدتها به مرگ طبیعی از دنیا رفتند.»<sup>۲</sup>

پس رجعت همانطوریکه اشاره شده بود در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام رجعت هم هست.

از امام صادق روایت شده که حضرت فرمود:<sup>۳</sup> «امیر المومنین علیه السلام با فرزندش امام حسین علیه السلام رجعتی خواهند داشت او با پرچم خود می آید تا انتقامش را از بنی امیه، اولاد معاویه و کسانی که همراه آنان به جنگ ایشان آمده بودند بگیرد خداوند در آن روز سی هزار نفر از یاران حضرت علی علیه السلام را که همه اهل کوفه می باشند و نیز هفتاد هزار نفر از سایر شیعیان را به یاری

۱- بقره ۲۴۴

۲- اسرار آفرینش اهل بیت (ع)، استاد عباس آقایی ص ۴۶۴ و ۴۶۵

۳- اسرار آفرینش اهل بیت (ع)، عباس آقایی ص ۴۶۶

ایشان بر می‌انگیزد و دوباره آن دو لشکر همدیگر را مانند بار نخست ملاقات می‌کنند آن حضرت تمام لشکر معاویه را از دم شمشیر می‌گذراند بطوریکه حتی یک نفر از آنها باقی نمی‌ماند که خبرشان را بیاورد و خداوند در روز رستاخیز آنها را با فرعون و آلش برمی‌انگیزد و به برترین عذابها گرفتار می‌سازد آنگاه امیرالمومنین بار دیگر با رسول خدا صل الله به دنیا باز می‌گردد و پیامبر پادشاه روی زمین می‌شود و سایر ائمه فرمانداران او خواهند بود این بار برعکس روز نخست بطور آشکارا مبعوث شده و خدا را آشکارا عبادت می‌کند آری والله امیر المومنین دوباره (با دست مبارکش اشاره به عدد ۲ می‌کرد) به دنیا رجعت می‌کند و خداوند سلطنت تمام اهل عالم را از روز اول آفرینش تا روز فنای جهان به پیامبر صل الله می‌دهد تا وعده ای که در قرآن به ایشان داده مصداق یار

**«ويظفره على الذين كله ولو يره المشركون» «افمن وعدناه**

**عدا حسنا فهو لاقيه** آیا آنکس که ما به او وعده نیکوی بهشت ابدی

داده ایم، پس به آن وعده خواهد رسید. امام علی علیه السلام درباره رجعت خود فرمود: «من آقای پیران هستم. در من علامتی از ایوب است روزی بیاید که

خداوند کسان مرا مانند کسان و فرزندان یعقوب به دورم گرد آورد»

امام صادق در زیارت اربعین می‌فرماید:

**«واشهد اني بكم مومن و بايا بكم موقن بشرايع ديني و خواتيم**

**عملي ...»**

و گواهی می‌دهم که مومن به شما هستم و با احکام دین خود و پایان اعمالم به

رجعت شما یقین دارم «



امام صادق می فرماید: «کسی که به متعه ما قائل نباشد و ایمان به رجعت ما نداشته باشد، از ما نیست» قابل توضیح است که متعه در اصطلاح فقها یعنی ازدواج موقت که به آن صیغه می گویند شیعه وسنی روایت کرده که عمر بن خطاب گفت: «دو متعه در زمان پیامبر حلال بود ولی من آنها را حرام می کنم و مرتکب آن را مجازات می کنم آن دو حج تمتع و متعه زنان است .

با صدور چنین حکمی جامعه اسلامی را به فحشاء می کشاند و منکر را در جامعه رواج می دهد ، و کسانی که هم به رجعت معتقد نیستند ، جزء کسانی اند که رجعت را قبول ندارند و به فرموده امام صادق این گروه از افراد از ما نیستند .

امام صادق می فرماید: ای ابو بصیر ! هرگاه قائم ، قیام می کند ، خداوند گروهی از شیعیان ما را که سردسته شمشیرشان را به دوش گذاشته اند ، از قبرهایشان بر می انگیزد و بسوی قائم می فرستد . چون این خبر به جمعی از شیعیان که زنده اند می رسد ، به یکدیگر می گویند : فلانی و فلانی و فلانی از قبرهای خود بیرون آمده و هم اکنون با قائم هستند . وقتی این خبر به گوش دشمنان می رسد ، می گویند : ای جماعت شیعه ، شما چقدر دروغگو هستید ! . این دولت شماست ، با این وصف شما در این دولت دروغ می گوئید . نه بخدا قسم این اشخاص زنده نشده اند و تا روز قیامت نیز زنده نخواهند شد .

امام صادق علیه السلام در مورد رجعت مومن می فرماید : مومن در بهشت برین خاندان پیامبر (ص) را ملاقات می کند ، با آنها غذا می خورد و گفتگو می نماید ، تا آنگاه که قائم ، اهل بیت قیام کند . هنگامیکه قائم ما قیام کند خداوند آنها را زنده می کند و دسته دسته لبیک گوینان به جانب وی می شتابند . در آن هنگام اهل باطل دچار تردید می شوند و افرادی که حرام را از حلال می دانند ، از میان می روند و تنها اندکی می مانند . آنهایی که در ظهورش شتاب می کنند ، به هلاکت می افتند ، ولی کسانی که عجله ندارند و تسلیم خواسته و مشیت الهی

هستند نجات می یابند . پیامبر به امام علی فرمود : تو برادر منی و وعده گاه من  
وتو (دارالسلام) است .<sup>۱</sup>

قرآن در مورد رجعت می فرماید : «یوم ترجف الراحفه تتبعها الرادفه»<sup>۲</sup>  
«روزی که کسی با حرکت سریع واضطراب از جا بر می خیزد و دیگری نیز  
از پی آن بیاید»

امام جعفر صادق علیه السلام امام ششم در تاویل این آیه شریفه می فرماید :  
«راحفه» شخصی است که با حرکت سریع واضطراب بر می خیزد و او حسین بن  
علی علیه السلام است . و کسی که از پی او می آید ، علی بن ابیطالب علیه  
السلام است . نخستین کسی که در رجعت از قبر بیرون می آید و خاک را از سر و  
روی خود می تکاند حسین بن علی علیه السلام است که با هفتاد و پنج هزار نفر  
برانگیخته می شود .<sup>۳</sup>

مفضل از امام جعفر صادق علیه السلام سئوال کرد، برخی از شیعیان شما به  
رجعتان عقیده ای ندارند .

حضرت امام فرمودند : آیا سخن جدمان و گفته ما ائمه را نشنیده اند که می گوئیم:

« ولنذیقنهم من العذاب الا ذنی دون العذاب الا کبرلعلهم یرجعون »

ما کافران را عذاب نزدیکتر بچشمانیم غیر آن عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت  
(برای دشمنان) است .

در رجعت پیامبر ما به او شکایت می کنیم از ظلم و ستمهایی که بر ما شده است.

می فرماید : جدم علی بن الحسین علیه السلام و امام محمد باقر (ع) به جدم

پیامبر شکایت می کنند . سپس من برمی خیزم و از ظلم منصور خلیفه عباسی

شکایت می کنم . پس از من فرزندم موسی بن جعفر از هارون ، بعد از او علی بن

۱- مهدی موعود - ص ۱۲۱۹

۲- نازعات ، ۶ و ۷

۳- تفسیر البرهان - ج ۴ ص ۱۰۱

موسی از مامون، پس از وی فرزندش محمد بن علی از معتصم، بعد از وی فرزندش علی بن محمد از متوکل و پس از او نیز فرزندش حسن بن علی از ظلم معتزل شکایت می‌کند، آنگاه مهدی پیراهن آن حضرت را که به خون پیشانی و دندان پاکش آغشته است، می‌پوشد و در حالیکه فرشتگان اطراف او را گرفته‌اند مقابل پیامبر می‌ایستد و می‌گوید: ای جد بزرگوار، شما مرا به اوصافی معرفی کرده اید که مرا بشناسند و نام و نصب و کنیه ام را ذکر فرموده ای، اینک امتت منکر وجود من شده اند و گفتند: مهدی متولد نشده و اصلاً نبوده است، کجاست و کی می‌آید؟

پدرش مرده و اولاد نداشته است و اگر او موجود و سالم بود خدا آمدنش را این قدر به تاخیر نمی‌انداخت. من تاکنون صبر کردم و اینک به فرمان خدا ظاهر شدم.

پیامبر(ص) در جواب می‌فرماید: خدا را شکر میکنیم که وعده خود درباره ما عملی ساخت و ما را وارث زمین گردانید و در هر جائی از بهشت بخواهیم مسکن می‌دهد. چه خوب است پاداش عمل کننده گان! اکنون هنگام نصرت و پیروزی خدا فرا رسیده است «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و هو لوتره المشرکون».

**« سعادت‌مندی که ظهور امام زمان علیه السلام را درک می‌کنند »**

امام محمد باقر(ع) می‌فرماید خوشا بحال کسی که روزگار ظهور او را درک نموده و از انصار و یاران او باشد. خوشا بحال آن سعادت‌مندی که شاهد روزگار امام زمان علیه السلام حضرت بقیه الاعظم ارواحنا فدا می‌باشند.

بزرگ مردانی که شاهد دوران ظهور امام زمان علیه السلام خواهند بود عبارتند از:

۱- حضرت عیسی علیه السلام ۲- حضرت ادریس علیه السلام ۳- حضرت خضر علیه السلام ۴- حضرت الیاس علیه السلام ۵- حواریون حضرت عیسی

۶- شمعون بن حمون الصنفا وصی حضرت عیسی علیه السلام ۷- رغیب اصحاب  
 حضرت عیسی ۸- جوان خارکن از یاران حضرت عیسی ۹- هفتاد هزار صدیق  
 از وادی السلام ۱۰- گروهی از اهل دیلم ۱۱- ۱۵ نفر از قوم حضرت موسی علیه  
 السلام ۱۲- اصحاب کهف ۱۳- یوشع بن نون وصی حضرت موسی ۱۴- جناب  
 سلیمان ۱۵- ابودجانه انصاری ۱۶- مقداد ۱۷- مالک اشتر ۱۸- مومن آل فرعون  
 ۱۹- جابر انصاری ۲۰- جبیر بن خابور ۲۱- مفضل بن عمر (با چهل و چهار نفر)  
 ۲۲- عبدالله بن شریک عامری (با چهار هزار نفر) ۲۳- اسماعیل فرزند امام  
 جعفر صادق علیه السلام ۱۴- عبدالله بن عجلان ۲۵- قبیله همدان ۲۶- شیخ  
 حسن کاظمینی<sup>۱</sup>.

### حال قسمتی از خصوصیات آن سعادت‌مندان را بیان می‌نمائیم

۱- حضرت عیسی علیه السلام: این مرد بزرگ یکی از پیابران اولوالعزم است که در  
 رکاب حضرت مهدی علیه السلام سعادت حضور دارد و آن بزرگوار را یاری می‌فرماید.  
 پیامبر می‌فرماید «من ذریتی المهدی، اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته - فقد مه  
 وصلی خلقه»<sup>۲</sup> مهدی علیه السلام از ذریه و فرزندان من است، زمانی که خروج کند  
 عیسی بن مریم از آسمان برای یاری و نصرت او فرود آمده و او را مقدم داشته و پشت  
 سرش نماز می‌خواند و دوباره می‌فرماید: حضرت مهدی علیه السلام متوجه می‌شود که  
 عیسی در قدس در نزدیکی مناره سفید در حالیکه دستهای خود را بر بالهای دو فرشته  
 نهاده و آب از موهایش فرومی‌چکد، فرود آمده‌است. پس حضرت مهدی می‌گوید: جلو  
 بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی می‌گوید نماز برای تو اقامه شده است، پس عیسی

۱- حضور در دولت کریمه، محمدرضا رحیمیان ص ۹۶ لغایت ۱۶۱

۲- بحار الانوار ۳۴۹/۱۴

پشت سر او نماز می خواند و با او بیعت می کند و می گوید من بعنوان وزیر و معاون برانگیخته شده ام نه بعنوان امیر و امام.<sup>۱</sup>

۲- حضرت ادریس : اولین فردی که به قلم چیزی نوشت و اولین کسی بود که با دست خود لباس دوخت و پوشید که قبل از آن از پوست استفاده می شد و منزل او در مسجد سهله بود. خداوند سبحان سی صحیفه بر او نازل گردانید و مشغول دعوت به خلائق بود. ادریس مانند حضرت موسی به آسمان برده شد. ادریس جد پدر نوح می باشد نامش در تورات اخنوخ ذکر گشته. علت نامیدنش بدان جهت است که بسیار به فراگیری دروس حکمت الهی همت می گمارد. حضرت علی (ع) می فرماید خداوند به ادریس مرتبتی والا عنایت فرمود که بعد از وفاتش او را از تحفه های بهشتی اطعام نمود.<sup>۲</sup>

۳- حضرت خضر : امام صادق علیه السلام می فرماید : خضر علیه السلام از پیامبران مرسل بود. و بر هیچ زمینی سوخته یا شاخه خشک نمی نشست مگر آنکه از آن مکان گیاهی سبز شروع به رویش می کرد. اسم او تا لیاین ملکان است.<sup>۳</sup>

امام صادق می فرماید : مسجد سهله جائی است که خضر در آن رحل اقامت گشود.<sup>۴</sup> حضرت خضر از جمله کسانی است که عمر طولانی دارد و دلیل آن عمر دراز حضرت قائم می باشد. چون امام صادق می فرماید : آن حضرت از ارکان امام عصر ارواحنا فداه می باشد و در زمان غیبت آن بزرگوار نیز خداوند بوسیله او وحشت و تنهائی را از آن حضرت برطرف نموده و مبدل به انس می گرداند.<sup>۵</sup> امام رضا علیه السلام می فرماید همانا حضرت خضر از آب حیات نوشیده است و او زنده است و نمی میرد او هر ساله در مراسم حج حاضر است.

۱- منتخب الاثر ۳۱۶

۲- قصص انبیاء ص ۱۳۰

۳- قصص الانبیاء ص ۴۲۲

۴- کافی ج ۳ ص ۴۹۴

۵- مکالم المکارم ۱۸۸/۱

۴- حضرت الیاس علیه السلام : ابن عباس روایت می کند که یوشه بن نون بعد از وفات موسی علیه السلام بنی اسرائیل را وارد شامات کرده ، هر قسمتی از سرزمین مقدس را به یکی از طایفه های یا اسباط واگذار کرد . او سرزمین بعلبک را به تیره ای بخشید که الیاس از آنها بود وی مردم خویش را از پرستش بتی به نام (بعل ) برحذر می داشت .

پیامبر در روایتی به زیدبن ارقم فرمودند : حضرت خضر و الیاس علیه السلام هر ساله یکدیگر را در موسم حج ملاقات می کنند و چون از یکدیگر جدا می شوند این کلمات را می خواند و از همدیگر جدا می شوند و این دعای شیعیان من است و در روز ظهور و قیام حضرت قائم ارواحنا فداه دوستان و دشمنانم با این دعا از یکدیگر شناخته و جدا می شوند .  
«بسم الله ماشاء الله، لا یصرف السوء الا الله بسم الله ماشاء الله، لا یسوق الخیر الا الله بسم الله ماشاء الله، ما یكون من نعمه فمن الله ، بسم الله ماشاء الله، لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم، بسم الله ماشاء الله و صلی الله علی محمد وآله الطیبین» علامه مجلسی معتقد است که حضرت الیاس مانند حضرت خضر در زمین حضور دارد و تا زمان امام زمان علیه السلام زنده است .

۵- حواریون حضرت عیسی : امام رضا می فرماید : حواری اسمی است که از (حواری) به معنای آردی که چند بار الک گشته . و خود را از گناهان دور نگاه ، می داشتند ، امام صادق می فرماید : حضرت عیسی علیه السلام هنگام ظهور امام عصر با حواریون خود برای نصرت و یاری آن حضرت خواهد آمد .

۶- شمعون : وصی حضرت عیسی علیه السلام - جناب شمعون از اجداد حضرت نرجس خاتون علیه السلام مادر امام زمان علیه السلام می باشد که از منتظران امام زمان علیه السلام است از امام صادق روایت است که حضرت علی (ع) به جانب صفین روانه شد وقت نماز شب بعد از عبور از فرات به کوهی رسید وضو گرفت نماز خواند بعد از نماز به اعجاز آن امام بزرگ کوه شکافته شد و پیرمردی محاسن سفید و نورانی ظاهر شد و گفت السلام

علیک یا امیر المومنین ورحمه الله و برکاته ،خوش آمدی ای وصی خاتم الانبیاء آن حضرت فرمود علیک السلام ای برادر شمعون بن حمون الصفا وصی عیسی حال تو چگونه است ؟گفت به دیدار مبارک تو خوشحال وخورسندم و من در این مکان انتظار حضرت عیسی روح الله را می کشم تا به خاطر فرزند تو حجت خدا مهدی بن الحسن علیه السلام از آسمان فرود آید که در آخر زمان ظاهر گردیده واز برکت دولت او دنیا پر از عدل و داد خواهد شد. ای جانشین پیامبر هیچ کس را در دنیا ندیدم که بلای او سخت تر از تو باشد و ثواب او در روز قیامت بیشتر ،و مرتبت و منزلت او بلند تر از تو باشد . ای برادر صبر کن آن ستمها ایشان با تو کردند و همه آن منافقان همراه این طاغی - که معاویه غاویه است اکنون با تو در حال مجادله است مستوجب عقوبت و عذاب ابدی خواهند گشت خداوند از جهت معجزه حضرت مهدی همه پیامبران را زنده گردانید تا کارهای شوم آنها (ظالمان ) را بر مردمان جهان آشکار شود من شعون هستم با عیسی روح الله در حضور حضرت رسول الله (ص) اقامه شهادت خواهیم کرد و بر کارهای ناشایست آنها گواهی خواهیم داد و من منتظر می شوم که صاحب الامر علیه السلام ظهور کند .ای امیر المومنین به سختیها صبر کن تا به حبیب خود محمد مصطفی (ص)برسی واگر آن منافقان می دانستند که پروردگار جهان از برای آنها چه عذابی ذخیره کرده است ، گوشت بدن خود را با قیچی می بریدند وقتی شمعون سخن را به اینجا رسانید گفت: السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته وپس آن کوه شکافته شد و به هم آمد وشمعون از نظرها غایب شد و امیرالمومنین متوجه کارزار اهل سفین شدند .

#### ۷- رغیب : از حواریون حضرت عیسی

این بزرگوار که خوش به سعادتش جزو یاران امام زمان ارواحنا فداه می باشد و به این فیض اکبر نائل می آید . مرحوم شیخ نهارندی می نویسد : حضرت عیسی در یکی از سیاحتها وگردشهای خود در حالی که با اصحاب خود به نام رغیب همراه بود به کوه نهاروند

رسیدند. رغیب از آن بزرگوار درخواست کرد که در آن کوه بمانند و از نظرها غائب شود تا وقت ظهور امام زمان زنده بمانند.<sup>۱</sup>

### ۸- جوان خار کن

این جوان یکی از حواریون حضرت عیسی علیه السلام است که به فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام در زمان ظهور امام زمان برای یاری حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می آید.<sup>۲</sup>

اما چکیده ای از سرگذشت این جوان را علامه مجلسی نقل می فرماید: آمده است که روزی حضرت عیسی علیه السلام با عده ای از حواریون خود جهت ارشاد و راهنمایی خلق در زمین گردش می نمود که هر کسی را که قابل هدایت یابد از گمراهی نجات بخشد، در این سیاحت به شهری رسیدند که در نزدیکی آن شهر گنجی ظاهر شد و حواریون به آن گنج چشم طمع دوختند. گفتند که به ما اجازه فرمائید این گنج را برداریم تا در این بیابان از بین نرود، حضرت عیسی فرمودند: این گنج جز رنج و زحمت ثمره ای ندارد و من گنجی بدون رنج در این شهر سراغ دارم و می روم که آن را بیرون بیاورم شما اینجا باشید تا من بسوی شما بازگردم. گفتند یا روح الله این شهر خوبی نیست و هر غریبه اتی که وارد این شهر می شود او را می کشند. حضرت فرمودند کسی را می کشند که در دنیای ایشان طمع نماید و مرا با دنیای ایشان کاری نیست. وقتی حضرت عیسی به آن شهر وارد شد و در کوچه های آن شهر گردید و بر دیوار خانه ای نگریست. ناگاه نظر نورانی او بر خانه خرابی افتاد که از همه خانه ها بی رونق تر بود. گفت گنج در ویرانه و خرابی می باشد، اگر کسی قابل هدایت و ارشاد در این شهر هست در این خانه می باشد. در زد و پیرزنی در را باز کرد. پرسید کیستی؟ فرمود من مرد غریبی ام که به این شهر آمده ام و آخر روز شده می خواهم در این شب مرا پناه دهی که امشب در خانه شما به سر ببرم. پیرزن

۱- العبقری الحسان ۹۴/۱ الصبح الاسفر

۲- نغمه هایی از بلبل و بوستان حضرت مهدی (ع) ۲۶۱/۳



جواب داد. پادشاه حکم کرده که غریبه را به خانه خود راه ندهید، اما به حسب سیمائی که من در تو مشاهده می کنم تو میهمان نیستی که دست رد بر سینه تو زد. حضرت عیسی (ع) داخل خانه پیرزن شد و صاحب خانه مرد خارکنی بود که دار فانی را گفته است و آن پیرزن زوجه اوست و فرزند یتیمی دارد که به شغل پدر یعنی خارکنی مشغول است و با درآمد کمی که بدست می آورد معاش خانه خود را تامین می کند. در همان وقت فرزند خارکن به خانه بازمی گردد. مادرش به او گفت: مهمان غریبی امشب در منزل ماست. آنچه آورده ای به نزد او ببر و در خدمت گذاری او کوتاهی مکن. او آن جوان خارکن مقدار نان خشکی که داشت به خدمت آن حضرت برد و آن حضرت میل فرمودند و صحبت با جوان را شروع نمودند. و از اسرار درون آن گوهر تابناک با خبر شد پس به فراصت نبوت او را در نهایت جوان مردی مهیا و استرداد و قابلیت یافت، اما به ذهن مبارکش رسید که او از درون دچار غم و اندوه بزرگی است که خاطر او را می آزارد. حضرت عیسی علیه السلام از درد درون او سؤال نمود و جوان درد نهان خود را مخفی کرد. پس آن جوان درخواست وبه نزد مادر خود رفت و گفت: این میهمان در بدست آوردن احوال من بسیار مبالغ می نماید و متعهد می شود در اصلاح آن تلاش نماید. چه جوابی می فرمائی؟ آیا راز درون خود را به او بگویم؟ مادرش گفت: آنچه من از چهره نورانی او به دست آورده ام این است که او قابلیت سپردن هر راز نهان را دارد و قادر بر حل مشکلات اهل جهان است. راز خود را از او پنهان مدار و در حل هر مشکلی دست از دامن او بر مدار. پس آن جوان نزد حضرت عیسی آمد و عرض کرد: پدر من مرد خارکنی بود من طفل بودم که پدرم از دنیا رفت، مادرم مرا به شغل پدر گماشت و پادشاه دختری دارد در نهایت حسن و جمال و عقل کمال و علاقه فراوانی به او دارم و همه پادشاهان اطراف آن دختر را از او خواستار شدند ولی قبول نکرده است که به آنها تزویج نماید و آن دختر قصر بلندی دارد که همیشه در آن جا می باشد روزی من از پای قصر او می گذشتم که نگاهم بر او افتاد از عشق او بی تاب شدم و تا حال این درد پنهان را به غیر از مادر خود به کس دیگری نگفتم. آن غم و اندوهی

که از درون من فهمیدی همین است. این را به کسی نمی توانم اظهار کنم. حضرت عیسی فرمود: آیا می خواهی آن دختر را برای تو بگیرم؟ گفت: این امری است ناممکن از بزرگی مثل تو تعجب می کنم که باین حال که در من می بینی با من به استهزاء و مسخره سخن می گوئی. حضرت فرمودند من هرگز کسی را مسخره نکردم و این کار افراد نادان است، اگر قادر به کاری نباشم آن را به تو اظهار نمی کنم، اگر می خواهی کاری کنم که فردا شب آن دختر در آغوش تو باشد. جوان خار کن نزد مادر خود رفت و سخنان آن حضرت را نقل کرد. مادرش گفت: هرچه می گوید انجام بده. دست از او برندار. حضرت مشغول عبادت شد و آن جوان در آرزوی معشوقه خود تا صبح در فراش خود غلطید. چون صبح شد حضرت عیسی او را خواند و فرمود: به درب خانه پادشاه برو وقتی امرا و وزرای او داخل مجلس شدند، به آنها بگو که من از پادشاه حاجتی دارم. وقتی از حاجت تو سؤال شد بگو. آمده ام دختر پادشاه را برای خود خواستگاری کنم آنچه واقع شد برای من به زودی خبر بیاور. وقتی آن جوان به در خانه پادشاه رفت آنچه که حضرت فرموده بود انجام داد. امرا از سخن او بسیار متعجب شدند چون به مجلس پادشاه رفتند به عنوان مسخره این را بیان کردند. پادشاه از شنیدن این سخن خیلی خندید و جوان را به مجلس خود طلبید، چون او را دید با وجود جامه های کهنه انوار بزرگی و نجات ذاتی در چهره او مشاهده نمود و هر چه با او سخن گفت، حرفی که دلالت بر دیوانگی و کم عقلی او نماید نشنید. سپس بعنوان امتحان گفت: اگر توان پرداختن مهریه دختر مرا داری به تو می دهم. مهریه دختر من این است که طبقی از یاقت آبدار، بیاورید که هردانه اش کمتر از صد مثقال نباشد. جوان خار کن گفت مهلت دهید تا برای شما خبر بیاورم. پس به نزد حضرت عیسی (ع) برگشت و اتفاقات افتاده مجلس را بیان نمود. حضرت فرمود درخواست پادشاه آسان است. پس طبقی را طلبید. جوان را به خرابه آورد و دعا کرد که هر کلوخ و سنگی که در خرابه بود همه یاقوت آبدار شد. فرمود طبق را بر کن و برای پادشاه ببر. جوان طبق را به مجلس پادشاه آورد و پارچه از روی او برداشت، از برق آن جواهرات

دیده های حاضران خیره شد و همه از حال او متحیر شدند. پادشاه برای اینکه او را بیشتر امتحان کند گفت: یک طبق کم است. ده طبق می خواهم که هر طبق جواهرات مختلفی باشد. دوباره جوان نزد پیامبر خدا برگشت. حضرت چند طبق دیگر طلبید آنها را از جواهرات که دیده کسی مثل آن را ندیده بود پر کرد و به نزد پادشاه فرستاد و چون جوان طبقهای پر از جواهرات را به درگاه پادشاه برد، مجلس پادشاه حیرت زده شدند. پادشاه جوان را به خلوت برد و گفت: اینکار تو نمی باشد و تو جرات چنین کاری را نداری بگو اینها از جانب کیست؟ و جوان خارکن تمامی اطلاعات را برای پادشاه عنوان کرد. آن گفت: آنکه می گوئی جز عیسی بن مریم کس دیگری نیست. برو او را بیاور تا دختر مرا به تزویج تو بنماید. حضرت عیسی رفت و دختر پادشاه را به عقد او درآورد. پادشاه جوان را به حمام فرستاده و لباسهای فاخر به او پوشاند و با انواع زیورها او را زینت داد و در همان شب جوان را به قصر خود برده و دختر را تسلیم او نمود. چون صبح روز بعد شد او را طلبیدند و سئوالهایی نمود و او را در نهایت مرتبه با هوش وزیرک یافت و چون پادشاه به غیر از آن دختر فرزندی نداشت آن جوان را ولیعهد خود گردانید. همه امرا و اعیان خود را طلبید تا با او بیعت کردند، و او را بر تخت پادشاهی نشانید. چون شب دیگر شد پادشاه دچار عارضه ای شد و به سرای آخرت رحلت نمود.

جوان خارکن بر تخت سلطنت نشست و همه خزانه ها و گنجهای پادشاه را متصرف شد و همه وزرا و اعیان بزرگان از او اطاعت کردند. حضرت عیسی در این چند روز در خانه آن پیرزن بسر می برد. چون روز چهارم رسید آن حضرت اراده ترک آن شهر را نمود. آمد تا با جوان خداحافظی کند. وقتی به نزد او رسید خارکن از تخت عزت پائین آمد و مانند خار به دامن آن پیامبر چسبید و گفت: ای حکیم دانا وای هادی رهنما آنقدر بر گردن این ضعیف بی نوا حق داری اگر تمام عمر دنیا را زنده بمانم و تو را خدمت کنم نمی توانم از عهده یک دهم آن برآیم، لکن شبه ای در دل من عارض شده که دیشب را تا صبح در این خیال به سر می بردم. واز هیچ یک از اسباب عیسی که برای من فراهم کرده ای بهره ای نبرده ام

و اگر اکنون نیز این عقده را از دل من بر نداری از هیچ یک از اینها نفعی نخواهم برد. حضرت عیسی (ع) فرمود: که افکار تو را مختل کرده است چیست؟ و آن خیال که افکار تو را مختل کرده چیست؟ جوان گفت عقده خاطر من آنست که وقتی تو قادر باشی در سه روز مرا از پستی خارکنی، به اوج جهان بخشی برسانی و از خاک مذلت برگرفته و بر تخت رفعت بنشانی، چرا خود به آن جامه های کهنه قناعت کرده ای. نه خادمی داری و نه مرکبی و نه یاری و نه محبوبی! حضرت عیسی (ع) فرمود: وقتی بیش از آنچه تو خواستی برای تو حاصل گردید، دیگر تو را با من چکار است؟ جوان خارکن گفت: ای بزرگوار نیکوکار، اگر عنایتی نکنی و این عقده را از دل من بر نداری هیچ احساسی نسبت به من نکرده ای و از هیچ یک از اینها که بمن عطا کرده ای نفعی نخواهم برد. حضرت عیسی فرمود: این لذت گذاری دنیا در نظر کسی اعتبار دارد که از لذت ماندگار آخرت خبری ندارد و پادشاهی ظاهری را کسی اختیار می کند که لذت پادشاهی معنوی را نیافته باشد. همانا شخصی که چند روز قبل از این، بر همین تخت نشسته و به این اعتبار فانی مغرور شده بود، اکنون در زیر خاک است و در فکر کسی خطور نمی کند و از برای عبرت همین بس است و دولتی که به مزلت منتهی می شود، ولذتی که به مشقت مبدل گردد به چه کار آید و دوستان خدا را لذتهاست و از قرب وصال خداوندی. وقتی این سخنان را شنید، بدامن حضرت افتاد و گفت: فهمیدم آنچه فرمودی و یافتم آنچه بیان کردی و آن عقده را از دل من برداشتی، اما عقده ای محکم تر در دل من گذاشتی. حضرت فرمود کدام است؟ گفت آن گره تازه این است که گمان ندارم تو در آشنائی با کسی خیانت کنی و آنچه حق نصیحت و خیرخواهی او باشد انجام ندهی! آنگاه که تو سایه مرحمت بر سر ما افکندی و بی خبر به خانه ما آمدی سزاوار نیست امری که جاودانی است برای من بخل ورزیده و نگوئی در مقام نفع رساندن به من امر فانی ناچیز را اعطا کنی و از آن پادشاهی ابدی ولذت حقیقی مرا محروم گردانی. حضرت عیسی (ع) فرمود: می خواستم تو را امتحان کنم و ببینم که آیا قابلیت آن مراتب عالیه را داری و بعد از فهمیدن لذتهای فانی شدنی اینها را

بخاطر باقی ماندنی رها خواهی کرد؟ اکنون اگر آنها را رها کنی ثواب تو بیشتر خواهد بود. حضرت عیسی او را به نزد حواریون آورد و فرمود گنجی که من می‌گفتم این در یتیم بود که در سه روز او را از خارکنی به پادشاهی رساندم و بر همه پشت پا زده و قدم در راه پیروی من نهاد و شما بعد از سالها از پیروی من به این گنج پر رنج فریفته شده اید و دست از دامن من برداشتید.

### « زیادی نعمت در زمان حکومت امام زمان علیه السلام »

در زمان حکومت حق امام عادل مهدی موعود علیه السلام نعمت آنقدر فراهم می‌گردد که بی‌نیازی پیدا نمی‌شود که نیاز به مادیات داشته باشد و این جهان به بهشتمانندی مبدل می‌گردد همانطوریکه پیامبر می‌فرماید: امت من در زمان مهدی آنچنان از نعمتهای الهی بهرمنند می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است آسمان باران رحمتش را به صورت سیل آسا بر آنها فرود می‌ریزد زمین چیزی از گیاهانش را در خود باقی نمی‌گذارد، و همه را می‌رویاند در آن روز ثروت بر روی هم انباشته می‌شود بطوریکه هر کس بگوید: ای مهدی به من عطا کن می‌گوید: آنچه خواستی بگیر.<sup>۱</sup>

و در حیث دیگری می‌فرماید: ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می‌شوند او مال را به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌کند قلوب امت حضرت محمد صلی‌الله‌راپر از بی‌نیازی می‌نماید و عدالتش همه جا را می‌گیرد.<sup>۲</sup>

ملت اسلام از حیث مادی و معنوی در پرتو حکومت عدل مهدی علیه السلام به درجه بی‌نیازی می‌رسند و به کمال رو می‌رسند و قرآن می‌فرماید:

**ثم ردناهم لكم الكره عليهم وامدناكم با موال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا<sup>۳</sup>**

۱- عقد الدار باب ۷ ص ۱۹۵

۲- اسرار آفرینش اهل بیت ص ۴۴۲

۳- سوره اسراء ۶

«آنگاه شما را بر علیه آنها غالب گردانیم و به وسیله اموال و فرزندان یاری کنیم و عده شما را (نسبت به دشمن) بسیار گردانیم»

حضرت علی علیه السلام پیرامون عصر پر خیر و برکت امام زمان در تفسیر آیه فوق فرمودند: سوگند به خدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید در آن زمان همه در اوج قدرت و نعمت زندگی خواهند کرد و از دنیا نخواهند رفت مگر آنکه هزار پسر از آنها متولد شود. و همگی بدون از هر گونه بدعت و انحراف زندگی خواهند نمود به کتاب خدا عمل خواهند کرد و از سنت پیامبر(ص) پیروی خواهند نمود و همه خطرات و نگرانیها از آنها دور خواهد شد.<sup>۱</sup>

امام محمد باقر می فرماید: همانا مهدی رامهدی نامیده اند، چون او مردم را به امر پوشیده و پنهانی راهنمایی می کند و تورات و سایر کتابهای آسمانی را از غاری که در انطاکیه است بیرون می آورد و در میان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل با انجیل، در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حکم میکند البته همه آنها بعدا همه به دین اسلام مشرف می شوند و تمام ثروت دنیا از درون زمین در دست او قرار می گیرد و آنگاه اهل عالم را فرا می خواند و به آنها می فرماید بیائید این همان چیزی است که شما به خاطر آن از خویشاوندان خود می بریدید و در راه آن خون یکدیگر را می ریختید و حرمت احکام را می شکستید و آنچه خدای تبارک و تعالی حرام کرده بود، مرتکب می شدید سپس آنقدر ثروت به آنها عطا می کند که در دنیا سابقه نداشته باشد و هیچکس پیش از او چنین ثروتی نبخشیده است زمین را پر از عدل و داد و روشنائی می کند چنانکه پر از ظلم و ستم و شر شده باشد.<sup>۲</sup>

«انطاکیه از شهرهای معروف در جنوب ترکیه است»

۱- تفسر البرهان ج ۲ ص ۴۰۸

۲- غیبت نعمانی ص ۲۴۲

آن طوری که می توان از احادیث و روایات تشخیص داد مردم زمان مهدی علیه السلام هر یک دارای هکتارها زمین می باشند که در آن گیاهان و انواع میوه ها دیده می شود و حتی حیوانات وحشی برای مردم آن زمان اهلی می شوند و در کنار باغهای خود دامداریهایی گسترده ای است که بدان هیچگونه رنجی برای عموم مردم بدست می آید و اینها هم از وجود با برکت و مقدس امام زمان علیه السلام بدست می آید که امام صادق علیه السلام می فرماید: صله رحم به جای آورید و بایکدیگر نیکی و مهربانی کنید. سوگند به خدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، روزی فرا خواهد رسید که یک نفر از شما نتواند محلی بیابد که دینار و درهمی از زمان خودش در آنجا به مصرف برساند.<sup>۱</sup>

امام صادق می فرماید: «در عهد او آبها فراوان می شود، رودخانه ها پر آب می گردد زمین خوردنیهایش چند برابر می شود و چیزی از آن باقی نمی گذارد کینه ها از دل بیرون می رود و شر از جهان هستی رخت برمی بندد و تنها خیر باقی می ماند.<sup>۲</sup>

و امام علی (ع) در مورد امنیت زمان امام زمان (عج) می فرماید: «راهها امن می شود بطوریکه یک زن از عراق تا شام می رود و پای خود را جز بر گیاه نمی گذارد، جواهرش را بر سر گذاشته و از هیچ درنده و درنده خوئی هراس ندارد. امنیت و آسایش از هر نظر دنیا را فرا می گیرد و جائی در این کره خاکی نمی ماند مگر اینکه مگر آنکه تمام آن از گل و گیاه سبز و خرم می شود.<sup>۳</sup>

و اما جعفر صادق (ع) در مورد آنکه مردم آن زمان در صحت و سلامتی کامل بسر می برند می فرماید «هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد، بهبود می یابد و اگر ناتوان باشد نیرومند می شود»<sup>۴</sup>

۱- اسرار آفرینش اهل بیت ص ۲۴۷

۲- منتخب الاثر ص ۴۷۲

۳- بحار الانوار - ج ۵۲ ص ۳۱۶

۴- بشاره الاسلام ص ۲۴۳

و ان حضرت یعنی امام صادق در مورد رحمت و برکت فراوان در موقع ظهور می فرماید «در سالی که مهدی ظهور می کند، بیست و چهار باران رحمت می بارد که اثر و برکت آن در همه جا به چشم می خورد»<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در مورد مسجد کوفه در هنگام وزمان ظهور می فرماید: «در زمان ظهور قائم در میان مسجد کوفه چشمه ای بیرون می آید از روغن، چشمه ای از آب برای آشامیدن و چشمه ای برای تطهیر نمودن»<sup>۲</sup>

و پیامبر اسلام در مورد بی احتیاجی مردم فرموده «ایشان ثروت را به فراوانی در میان آنها (مردم) می بخشد کسی که در صد صدقه دادن باشد، اموالی را برداشته و به مردم عرضه می کند. اما به هر کس عرضه می کند، می گوید من نیازی ندارم»<sup>۳</sup>

و امام سجاد ویژگیهای زمان ظهور را چنین بیان می فرماید: «وقتی قائم ما قیام می کند، خداوند متعال از برکت وجود آن حضرت تمام سختیها و امراض را از میان خواهد برد قلبهای شیعیان، مانند پاره های آهن خواهد بود نیروی هر مرد برابر چهل مرد خواهد بود شیعیان ما از طرف قائم فرمانروای روی زمین خواهند بود»<sup>۴</sup>

و در زمینه امنیت ظهور امام علی می فرماید: «مهدی شرق و غرب عالم را در سیطره خود در می آورد در آن زمان گرگ با گوسفند در یک مکان با هم زندگی می کنند، کودکان خردسال با مارها و عقربها بازی می کنند و آسیبی به آنها نمی رسد. شر از جهان رخت برمی بندد و تنها خیر و نیکی باقی می ماند»<sup>۵</sup>

خدایا به حق محمد و آل محمد سوگندت می دهیم از بقیه غیبت امام زمان صرفه نظر فرما ظهور آن امام را نزدیک و چشم شیعیان

۱- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۱۲

۲- دار السلام - ص ۳۹۲

۳- اسرار آفرینش اهل بیت (ع) - ص ۴۵۳

۴- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۳۱۷

۵- منتخب الاثر - ص ۲۷۴



عالم را به جمال پاکش منور گردان و دیشه کفر و ظلم و ستروبی  
عدالتی را برکن . انشاالله

**اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك عدوهم من الجنه  
و الانس من اولين و الاخرين**

السلام عليكم و رحمت الله و بركاه

عليرضا غلامی

## « بخش‌ها »

- ۱- مادر حضرت مهدی علیه السلام
- ۲- غیبت مهدی علیه السلام
- ۳- حضرت مهدی در قرآن
- ۴- ارتباط مردان بزرگ با حضرت مهدی علیه السلام
- ۵- منتظران واقعی
- ۶- مهمترین وظیفه در زمان غیبت
- ۷- جنگ ایران و عراق
- ۸- علائم ظهور
- ۹- خطاب به بنی اسرائیل
- ۱۰- هنگام ظهور
- ۱۱- خصوصیات یاران حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲- حضور ایرانیان در صحنه نبرد
- ۱۳- سیر حرکتی امام زمان (ع) در آغاز ظهورش
- ۱۴- چگونگی دادخواهی فاطمه زهرا (س)
- ۱۵- رجعت
- ۱۶- سعادت‌مندان ظهور امام زمان (ع)
- ۱۷- زیادی نعمت در زمان امام زمان (ع)